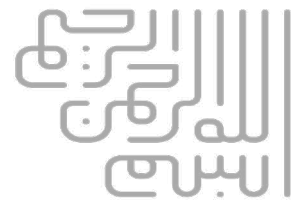


ارزشیابی قوانین (۸): معرفی و پیش‌درآمدی بر شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی قوانین



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۶/۲۲
Publish Date : 2026/09/13



عنوان: ارزشیابی قوانین (۸): معرفی و پیش درآمدی بر شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی قوانین
تهیه و تدوین کنندگان (Authors): زهرا غفوری (گروه عدالت و پیشرفت حکمرانی)، مهدی
خسروی (گروه سیاست‌پژوهی و آزمایشگاه حکمرانی)
واژه‌های کلیدی: ارزشیابی قوانین، معیارها و شاخص‌ها، دسته‌بندی قوانین، نهاد ارزشیابی
ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21858>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11905.html

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

عنوان: ارزشیابی قوانین (۸): معرفی و پیش درآمدی بر شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی قوانین
نوع گزارش: طرح / لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■، پیش‌نویس قانونی □
نام دفتر: مطالعات حکمرانی (گروه سیاست‌پژوهی و آزمایشگاه حکمرانی)
مدیر مطالعه: حسین بابایی مجرد
ناظر علمی: مهدی عبدالحمید
اظهار نظر کنندگان: سیدمجتبی شهرآئینی (دفتر مطالعات مدیریت)، فاطمه سادات میراحمدی (دفتر مطالعات سیاسی)
گرافیک و صفحه‌آرایی: انسیه بهابزرگی، علیرضا مقدم
ویراستار ادبی: مژگان کاظمی
تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲



فهرست مطالب

چکیده.....	۷
خلاصه مدیریتی.....	۸
۱. مقدمه.....	۱۰
۲. پیشینه.....	۱۲
۲-۱. تمایز پژوهش حاضر نسبت به سوابق مطالعاتی پیشین.....	۱۳
۳. معرفی و تشریح شاخص های ارزشیابی.....	۱۴
۳-۱. قوانین چگونه از منظر «پایداری» ارزشیابی می شوند؟.....	۱۴
۳-۲. قوانین چگونه از منظر «آثار ناخواسته» ارزشیابی می شوند؟.....	۱۷
۳-۳. قوانین چگونه از منظر «پیامدهای ناخواسته» ارزشیابی می شوند؟.....	۱۹
۳-۴. قوانین چگونه از منظر «تأثیر نهایی» ارزشیابی می شوند؟.....	۲۲
۳-۵. قوانین چگونه از منظر «پیامد» ارزشیابی می شوند؟.....	۲۴
۳-۶. قوانین چگونه از منظر «پاسخ دهی» ارزشیابی می شوند؟.....	۲۶
۳-۷. قوانین چگونه از منظر «امکان سنجی» ارزشیابی می شوند؟.....	۲۹
۳-۸. قوانین چگونه از منظر «ظرفیت نهادی / اداری» ارزشیابی می شوند؟.....	۳۱
۳-۹. قوانین چگونه از منظر «تاب آوری» ارزشیابی می شوند؟.....	۳۴
۳-۱۰. قوانین چگونه از منظر «استحکام» ارزشیابی می شوند؟.....	۳۶
۳-۱۱. قوانین چگونه از منظر «به موقع بودن» ارزشیابی می شوند؟.....	۳۹
۳-۱۲. قوانین چگونه از منظر «یادگیری و بهبود» ارزشیابی می شوند؟.....	۴۱
۴. جمع بندی و نتیجه گیری.....	۴۵
منابع و مأخذ.....	۵۲

فهرست جداول

جدول ۱. پیشینه سوابق مطالعاتی مرکز	۱۲
جدول ۲. زیر شاخص های ارزشیابی «پایداری» قوانین	۱۵
جدول ۳. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «پایداری» در قوانین	۱۶
جدول ۴. زیر شاخص های ارزشیابی «آثار ناخواسته» قوانین	۱۸
جدول ۵. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «آثار ناخواسته» در قوانین	۱۸
جدول ۶. زیر شاخص های ارزشیابی «پیامدهای ناخواسته» قوانین	۱۹
جدول ۷. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «پیامدهای ناخواسته» در قوانین	۲۱
جدول ۸. زیر شاخص های ارزشیابی «تأثیر» قوانین	۲۳
جدول ۹. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «تأثیر» در قوانین	۲۴
جدول ۱۰. زیر شاخص های ارزشیابی «پیامد» قوانین	۲۵
جدول ۱۱. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «پیامد» قوانین	۲۶
جدول ۱۲. زیر شاخص های ارزشیابی «پاسخ دهی» قوانین	۲۷
جدول ۱۳. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «پاسخ دهی» قوانین	۲۹
جدول ۱۴. زیر شاخص های ارزشیابی «امکان سنجی» قوانین	۳۰
جدول ۱۵. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «امکان سنجی» در قوانین	۳۱
جدول ۱۶. زیر شاخص های ارزشیابی «ظرفیت نهادی / اداری» قوانین	۳۲
جدول ۱۷. زیر شاخص های ارزشیابی «تاب آوری» قوانین	۳۴
جدول ۱۸. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «تاب آوری» در قوانین	۳۶
جدول ۱۹. زیر شاخص های ارزشیابی «استحکام» قوانین	۳۷
جدول ۲۰. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «استحکام» در قوانین	۳۹
جدول ۲۱. زیر شاخص های ارزشیابی «به موقع بودن» قوانین	۴۰
جدول ۲۲. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «به موقع بودن» در قوانین	۴۱
جدول ۲۳. زیر شاخص های ارزشیابی «یادگیری و بهبود» قوانین	۴۲
جدول ۲۴. جمع بندی زیر شاخص های ارزشیابی «یادگیری و بهبود» در قوانین	۴۵
جدول ۲۵. کارکردهای عملی چارچوب ارزشیابی قوانین و کاربرد آن در نظام حکمرانی کشور	۴۷
جدول ۲۶. نقشه جامع شاخص های ارزشیابی قوانین	۴۸
جدول ۲۷. پیشنهاد توصیه سیاستی	۵۰



ارزشیابی قوانین (۸): معرفی و پیش‌درآمدی بر شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی قوانین

چکیده



در نظام‌های حکمرانی نوین، قانونگذاری فراتر از یک فرایند صرفاً حقوقی، ابزاری راهبردی برای تنظیم روابط اجتماعی، شناسایی مسائل عمومی و تحقق اهداف توسعه‌ای از طریق نهادهای اجرایی مؤثر است. با این حال، تجربه قانونگذاری در کشور نشان می‌دهد که فقدان یک نظام منسجم برای ارزشیابی قوانین، شکاف عمیقی میان «هدف تقنینی» و «واقعیت اجرایی» ایجاد کرده است. در نبود ارزشیابی‌های دوره‌ای و شواهدمحور، قوانین ناکارآمد و نامتناسب با تحولات اجتماعی تداوم یافته و پویایی فرایند قانونگذاری را مختل می‌کنند. از این منظر، ارزشیابی قوانین نه یک فعالیت جانبی، بلکه مؤلفه‌ای اساسی در چرخه خط‌مشی‌گذاری و تضمین‌کننده مشروعیت نظام تقنینی است. گزارش پیش‌رو که دومین گام از یک مسیر تحلیلی را تشکیل می‌دهد، با هدف ارائه چارچوبی برای سنجش کیفیت و اثربخشی قوانین، مجموعه‌ای از شاخص‌های تحلیلی را گردآوری و دسته‌بندی کرده است. ویژگی متمایز این چارچوب، انطباق‌پذیری با تنوع قوانین موضوعی، انعطاف‌پذیری در بافت نهادی و سیاسی و قابلیت کاربرد در سطوح گوناگون تصمیم‌سازی تقنینی و اجرایی است. این گزارش همراه با گزارش پیشین (ارزشیابی قوانین ۷)، شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی قوانین را معرفی می‌کند. در مرحله کنونی، هدف صرفاً ارائه چارچوب مفهومی شاخص‌هاست و سنجش کمی یا ابزارهای عملیاتی مدنظر نیست. در گام بعدی، خروجی این گزارش به صورت «فهرست بررسی ارزشیابی قوانین» با شاخص‌های کمی و سنجش‌پذیر تکمیل خواهد شد.

خلاصه مدیریتی

■ بیان/شرح مسئله

مسئله محوری این گزارش، فقدان چارچوبی جامع و منسجم برای ارزشیابی قوانین در کشور است؛ چارچوبی که بتواند ابعاد گوناگون کیفیت قانونگذاری را به صورت نظام‌مند مورد سنجش قرار دهد. این مسئله در سه سطح قابل تحلیل است: در سطح نظری، ادبیات موضوع فاقد الگوی تحلیلی چندبعدی برای ارزشیابی قوانین در چرخه کامل حیات آنها (تصویب، اجرا و بازنگری) است و شاخص‌های منسجم و سازگار با ساختار حقوقی و نهادی کشور کمتر توسعه یافته‌اند؛ در سطح سیاستی، سازوکارهای ارزشیابی مستمر و شفاف هنوز در فرایند قانونگذاری نهادینه نشده و همین امر موجب استمرار قوانین ناکارآمد است و در سطح اجرایی، تنوع و پیچیدگی ذاتی قوانین ایجاب می‌کند که شاخص‌های ارزشیابی از انعطاف و تطبیق‌پذیری کافی برای تمایزگذاری میان انواع قوانین برخوردار باشند، حال آنکه چارچوب‌های موجود یا بسیار کلی‌اند یا جنبه‌های نظری آنها هنوز به مدل‌های عملیاتی و قابل استفاده در فرایند خط‌مشی‌گذاری ترجمه نشده‌اند.

■ نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

در پاسخ به مسئله فقدان چارچوب نظام‌مند برای ارزشیابی قوانین در کشور، یافته‌های کلیدی متعددی قابل اشاره است که ابعاد این خلأ را برجسته می‌سازند. نخست آن که در فرایند قانونگذاری کشور، ارزشیابی به عنوان حلقه‌ای مکمل جایگاهی نهادینه ندارد و اغلب قوانین بدون پیش‌بینی شاخص‌های سنجش‌پذیر و سازوکارهای پایش و بازنگری تصویب می‌شوند، به گونه‌ای که کیفیت واقعی آنها تنها در مقام اجرا نمایان می‌شود. دوم، مجموعه‌ای منسجم از شاخص‌های چندبعدی و تطبیق‌پذیر با انواع گوناگون قوانین در دسترس نیست، زیرا یا بیش‌ازحد کلی هستند یا با زمینه نهادی ایران هم‌خوانی ندارند. سوم، اصلاحات قانونی در برخی موارد نه بر پایه ارزشیابی‌های دقیق، بلکه تحت تأثیر فشارهای سیاسی و افکار عمومی صورت می‌گیرد؛ امری که موجب تضعیف فرایند یادگیری نهادی شده است. چهارم، در شرایطی که با انبوهی از قوانین در حوزه‌های گوناگون مواجهیم، فقدان اولویت‌بندی در فرایند ارزشیابی، بهره‌گیری مؤثر از منابع را با مشکل مواجه کرده است. در نهایت، هر چارچوبی که برای ارزشیابی قوانین پیشنهاد می‌شود تنها زمانی مؤثر خواهد بود که هم از انعطاف لازم برای پوشش انواع قوانین برخوردار باشد و هم قابلیت نهادینه‌سازی در نظام قانونگذاری و نظارت تقنینی کشور را داشته باشد.

یکی از یافته‌های کلیدی، ارائه نقشه جامع از ۲۴ شاخص است که با ترکیب ۱۲ شاخص بررسی‌شده در گزارش پیشین^۱ و ۱۲ شاخص تکمیلی در این گزارش استخراج شده است. این شاخص‌ها در پنج بعد اصلی شامل «کارکردی، هنجاری و ارزشی، رویه‌ای، نهادی-حکمرانی و نتیجه‌ای» دسته‌بندی شده‌اند. چنین دسته‌بندی علمی و نظام‌مند، علاوه بر آنکه چارچوبی کاربردی برای ارزشیابی جامع قوانین فراهم می‌آورد، امکان تحلیل نظام‌مند و مستدل را نیز ایجاد می‌کند و به بهبود انسجام مفهومی گزارش کمک می‌کند.^۲

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

بسیاری از مدل‌های ارزشیابی قوانین در کشورهای توسعه‌یافته طراحی شده‌اند و با شرایط ایران به‌ویژه در حوزه حکمرانی، ظرفیت

۱. ارزشیابی قوانین (۷): معرفی و پیمایش درآمدی بر شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی قوانین
۲. به دلیل محدودیت نوشتاری در بخش «خلاصه مدیریتی» جدول کامل «نقشه جامع ارزشیابی قوانین» به طور مبسوط در آخر گزارش اضافه شده است.

نهادی و اجرای قانون تطابق ندارند. از این رو، ضرورت دارد چارچوبی قابل اجرا تدوین شود که ضمن بهره‌گیری از تجارب جهانی، با ویژگی‌های حقوقی، سیاسی و فرهنگی ایران هم‌خوان باشد. بر این مبنا، پیشنهاد‌های کاربردی نیز به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: **دسته اول؛ راهکارهای زیرساختی و مفهومی و دسته دوم؛ پیشنهاد‌های اجرایی و اصلاح‌محور.** تقسیم راهکارها به دو دسته زیرساختی و اجرایی، ضمن حفظ انسجام گزارش، به درک مرحله‌ای و تدریجی از فرایند استقرار نظام ارزشیابی قوانین کمک می‌کند. دسته اول راهکارها در گزارش قبلی به تفصیل ارائه شد، در این گزارش به دسته دوم راهکارها اشاره خواهیم داشت. راهکارهای اجرایی و اصلاح‌محور ارائه‌شده در این گزارش، با هدف بهره‌برداری از شاخص‌ها در فرایندهای نظارت، بازنگری و مشارکت، طراحی شده‌اند. این راهکارها شامل: حمایت از تصمیم‌سازی در نهادهای نظارتی و تقنینی، هدایت بازنگری قوانین براساس شواهد و تقویت مشارکت نهادهای مدنی در پایش و ارزشیابی قوانین است. اجرای این اقدام‌ها، چارچوب ارزشیابی را از سطح نظری به ابزاری عملی برای اصلاح قانونگذاری و ارتقای پاسخ‌دهی نظام حکمرانی ارتقا می‌دهد.

اصلاح تقنینی

● الزام مجلس به درج «شاخص‌های سنجش‌پذیر» در متن قوانین، به‌ویژه در قالب جداول ارزشیابی. در این چارچوب، «شاخص‌های کارکردی» بر کیفیت عملکرد و نتایج مستقیم قوانین تمرکز دارند، در حالی که «شاخص‌های هنجاری و ارزشی» عدالت، مشروعیت و شمول اجتماعی را به‌عنوان معیارهای بنیادین سنجش در نظر می‌گیرند. «شاخص‌های رویه‌ای» بر کیفیت طراحی، امکان‌پذیری و به‌موقع بودن تصویب و اجرا تأکید دارند و «شاخص‌های نهادی و حکمرانی» به ظرفیت ساختاری و توانایی نظام اداری در پشتیبانی از اجرای قانون می‌پردازند. در نهایت، «شاخص‌های نتیجه‌ای» بر ارزیابی نتایج کوتاه‌مدت، آثار ناخواسته و پیامدهای کلان و پایدار قوانین تمرکز دارند.

● الزام‌آور کردن «پیوست عدالت» به‌عنوان بخشی از چارچوب ارزشیابی قوانین، تا ابعاد توزیعی و کارآمدی قوانین به‌صورت شفاف بررسی شوند.

● پیش‌بینی «مکانیزم بازنگری ادواری» در متن قوانین، به‌گونه‌ای که در بازه‌های زمانی مشخص عملکرد قانون بر اساس شاخص‌های مصوب سنجیده و در صورت لزوم اصلاح شود. هرچند ماده (۵) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور ارائه گزارش از نحوه اجرای قوانین را برعهده معاونت قوانین مجلس گذاشته است، اما این سازوکار بیشتر ناظر بر گزارش‌دهی اجرایی است و یک نظام ارزشیابی شاخص‌محور و نظام‌مند را دربرنمی‌گیرد.

اصلاح نظارتی

● استفاده منظم کمیسیون‌های تخصصی مجلس از شاخص‌های معرفی‌شده به‌عنوان ابزار سنجش در فرایند نظارت تقنینی. به‌طور نمونه، کمیسیون انرژی می‌تواند با بهره‌گیری از سنجه‌های کارایی و عدالت، آثار یارانه‌های انرژی را بررسی کند.

● تقویت نهادهای نظارتی همچون دیوان محاسبات در گردآوری داده‌ها و ارائه گزارش‌های مبتنی بر سنجه‌ها. این اقدام موجب می‌شود تصمیم‌گیری‌ها بیش‌ازپیش مبتنی بر شواهد باشد و از رویکردهای سلیقه‌ای فاصله بگیرد.

● ایجاد سازوکار «پایش مشارکتی» که در آن نهادهای مدنی و دانشگاهی نیز در ارزشیابی قوانین براساس شاخص‌های معرفی‌شده نقش داشته باشند.

اصلاح سیاستی

● تأسیس «بانک اطلاعات ارزشیابی قوانین» که داده‌های مربوط به اجرای قوانین را بر مبنای شاخص‌های این گزارش گردآوری و در دسترس عموم قرار دهد؛ اقدامی که علاوه بر افزایش شفافیت، به تقویت سرمایه اجتماعی نظام تقنینی کمک می‌کند.

● الزام دستگاه‌های اجرایی به ارائه «گزارش سالیانه ارزشیابی قوانین» در حوزه کاری خود براساس شاخص‌های معرفی‌شده و شاخص‌های اختصاصی هر حوزه.



● طراحی برنامه‌های آموزشی برای نمایندگان و کارکنان دستگاه‌های قانونگذاری و اجرایی با هدف آشنایی با شاخص‌ها و نحوه به‌کارگیری آنها در فرایند تصمیم‌گیری. به این ترتیب، راهکارهای پیشنهادی نه‌تنها ابزاری برای سنجش کیفیت قوانین فراهم می‌کند، بلکه امکان بازنگری و اصلاح مستمر قوانین را نیز فراهم می‌سازند.

۱. مقدمه

در ساختارهای حکمرانی، قانونگذاری یکی از اساسی‌ترین سازوکارهای هدایت و تنظیم روابط اجتماعی به‌شمار می‌رود. قوانین نه‌تنها ابزار اعمال اقتدار عمومی‌اند، بلکه شالوده‌ای برای نظم‌بخشی به تعاملات میان دولت، شهروندان و نهادهای گوناگون فراهم می‌سازند. این قواعد رسمی، مسیر تصمیم‌گیری و اقدام را برای بازیگران حکمرانی روشن می‌کنند و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند. در این میان، نهاد قانونگذار همچون مجلس، جایگاهی محوری در معماری حکمرانی دارد. این نهاد با تصویب قوانین متناسب، کارآمد و عادلانه، مسئولیت پاسخ به نیازهای عمومی و مسائل بنیادین جامعه را برعهده دارد [۱]. تجربه کشورها، به‌ویژه در جهان درحال توسعه، نشان داده است که کیفیت فرایند قانونگذاری و توانمندی نهادی مجالس، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای اثربخشی حکمرانی، افزایش سرمایه اجتماعی و پیشبرد اهداف توسعه ملی ایفا می‌کند. به‌بیان دیگر، مجلس کارآمد نه‌تنها تولیدکننده قانون، بلکه مولد اعتماد و کارایی در نظام سیاسی است [۲].

باوجود اهمیت تصویب قوانین در پاسخ‌گویی به مسائل عمومی، باید توجه داشت که قانونگذاری صرف، تضمینی برای دستیابی به اهداف مطلوب سیاستی نیست. آنچه به یک قانون معنا، دوام و اثربخشی می‌بخشد، نحوه اجرا، میزان انطباق آن با واقعیات جامعه و امکان ارزشیابی مستمر آن در گذر زمان است. در این چارچوب، ارزشیابی قوانین به‌عنوان حلقه‌ای مکمل در چرخه خط‌مشی‌گذاری عمومی، جایگاهی حیاتی در سنجش کیفیت، عدالت، کارایی و نتایج قوانین ایفا می‌کند. بدون بهره‌گیری از الگوها و چارچوب‌های منسجم برای تحلیل و بازبینی عملکرد قوانین، امکان شناسایی کاستی‌ها، پیامدهای ناخواسته یا کژکارکردی‌ها وجود نخواهد داشت. ازاین‌رو، استقرار نظامی علمی و نظام‌مند برای ارزشیابی قوانین، بخشی جدایی‌ناپذیر از حکمرانی کارآمد و مسئولانه تلقی می‌شود [۳].

در این راستا، تعریف و تبیین شاخص‌ها و معیارهای جامع برای ارزشیابی قوانین، به ضرورتی اساسی در فرایند خط‌مشی‌گذاری تبدیل می‌شود. این شاخص‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند کیفیت قوانین را نه فقط در لحظه تصویب، بلکه در طول اجرا و در فرایندهای بازنگری نیز مورد سنجش قرار دهند. همچنین لازم است این معیارها انعطاف‌پذیر بوده و قابلیت انطباق با تنوع قوانین در حوزه‌های گوناگون، ازجمله فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و امور مالی و... را داشته باشند، به‌گونه‌ای که در هر حوزه بتوانند تصویری واقع‌گرایانه از کلیت، کارکرد و اثرگذاری قانون ارائه دهند [۴].

گزارش پیش‌رو در پاسخ به این ضرورت، مجموعه‌ای جامع از شاخص‌های کلیدی برای ارزشیابی قوانین را گردآوری و سامان‌دهی کرده است. این شاخص‌ها ابعاد متنوعی را پوشش می‌دهند، ازجمله اثربخشی، کارایی، کفایت، عدالت، پاسخ‌گویی، برابری و شمول اجتماعی، انسجام درونی، ظرفیت نهادی و میزان مشارکت ذی‌نفعان و غیره. افزون‌بر این، چارچوب پیشنهادی با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی نظیر پایداری، انعطاف‌پذیری و پیامدهای ناخواسته، تلاش دارد تصویری جامع و بلندمدت از عملکرد قوانین ارائه دهد. چنین رویکردی امکان تحلیل چندبعدی قوانین را فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز ارتقای کیفیت فرایندهای قانونگذاری در نظام حکمرانی است [۵].

یکی از موانع اساسی در طراحی نظام ارزشیابی قوانین، تنوع ذاتی و ماهیت متفاوت انواع قوانین است. به‌عنوان نمونه، قوانین حوزه فرهنگ و اجتماع معمولاً ناظر بر ابعاد انسانی، ارزشی و تعاملات اجتماعی‌اند و در نتیجه، شاخص‌هایی مانند

عدالت اجتماعی و میزان پذیرش عمومی در ارزشیابی آنها اهمیت بیشتری می‌یابد. در مقابل، قوانین اقتصادی و مالی عمدتاً بر کارایی، بهره‌وری و منطقی بودن تخصیص منابع تمرکز دارند و نیازمند شاخص‌هایی همچون توجیه‌پذیری اقتصادی و هزینه-فایده هستند. این تمایزها نشان می‌دهد که نمی‌توان یک چارچوب ارزشیابی یکسان را برای همه قوانین به کار بست. بلکه لازم است معیارها و شاخص‌های ارزشیابی به گونه‌ای طراحی شوند که با ویژگی‌های خاص هر نوع قانون متناسب باشند و بتوانند تصویری واقع‌گرایانه و دقیق با زمینه عملکردی آن ارائه دهند [۶].

در بخش‌های بعدی این گزارش، با دسته‌بندی انواع قوانین، تلاش می‌شود به این پرسش محوری پاسخ داده شود که چگونه می‌توان شاخص‌های ارزشیابی را به گونه‌ای طراحی کرد که ضمن برخورداری از دقت علمی، با تنوع و پیچیدگی ماهوی قوانین در حوزه‌های گوناگون سازگار باشند. هدف آن است که چارچوبی انعطاف‌پذیر و نظاممند ارائه شود؛ چارچوبی که در عمل بتواند به ارتقای کیفیت قانونگذاری، بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری عمومی و تقویت اثربخشی حکمرانی کمک کند. بر همین اساس، در بخش‌های بعدی گزارش، مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی که با اتکا بر مطالعات نظری و تحلیل نظرات خبرگان این حوزه گردآوری شده‌اند، مورد معرفی و تبیین قرار خواهند گرفت.^۱

در این چارچوب، مجموعه‌ای گسترده از شاخص‌های کلیدی شناسایی شده‌اند که هر یک جنبه‌ای از کیفیت و کارکرد قانون را در مرحله ارزشیابی پوشش می‌دهند. این شاخص‌ها شامل مواردی چون «اثربخشی»؛^۲ کارایی؛^۳ کفایت؛^۴ برابری و شمولیت اجتماعی؛^۵ تناسب؛^۶ انسجام و هم‌سویی؛^۷ پیامد؛^۸ پاسخ‌دهی؛^۹ طراحی؛^{۱۰} ارتباط؛^{۱۱} تکرارپذیری؛^{۱۲} استفاده از منابع؛^{۱۳} پایداری؛^{۱۴} آثار ناخواسته؛^{۱۵} پیامدهای ناخواسته؛^{۱۶} تأثیر نهایی؛^{۱۷} امکان‌سنجی؛^{۱۸} مشروعیت یا پذیرش اجتماعی؛^{۱۹} عدالت؛^{۲۰} ظرفیت نهادی / اداری؛^{۲۱} تاب‌آوری؛^{۲۲} استحکام؛^{۲۳} به موقع بودن و یادگیری و بهبود^{۲۴} هستند.

با توجه به گستردگی مفهومی این شاخص‌ها و در راستای حفظ انسجام تحلیلی، این مجموعه در دو مرحله ارائه شده است: در گزارش پیشین،^{۲۵} بخشی از این شاخص‌ها معرفی و تشریح شد و در این گزارش، ادامه شاخص‌ها مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱. شاخص‌های مذکور به نحو استقرای دل‌مطالعانه متون (قوانین، آیین‌نامه‌ها، تجارب کشورهای دیگر و ادبیات ارزیابی خط‌مشی) استخراج و فهرست شده‌اند که جز معیارهای عام، پرکاربرد و کلیدی هستند. این امکان وجود دارد که معیارهای دیگری نیز بتوان به شاخص‌های پیشنهادی اضافه کرد، در آن صورت نیاز به پایش بیشتر دارد.

2. Effectiveness
3. Efficiency
4. Adequacy
5. Equity and Social Inclusion
6. Appropriateness
7. Coherence/Alignment
8. Consequence
9. Responsiveness
10. Design
11. Relevance
12. Replicability
13. Resource Use
14. Sustainability
15. Unintended Effects
16. Unintended Consequences
17. Impact
18. Legitimacy / Social Acceptance
19. Justice
20. Institutional Capacity
21. Resilience
22. Robustness
23. Timeliness
24. Learning and Improvement



در جدول زیر، مشابه‌ترین گزارش‌های مرکز و مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر آورده شده است. این بررسی برای روشن کردن جایگاه گزارش فعلی در میان آثار پیشین و شناسایی ویژگی‌ها و تمایزات آن انجام شده است. هر یک از این گزارش‌ها به جنبه‌های خاصی از ارزشیابی قوانین و خط‌مشی‌ها پرداخته‌اند و درس‌آموخته‌هایی را در زمینه روش‌ها، چالش‌ها و کاربردها ارائه کرده‌اند. در جدول ذیل به بررسی این گزارش‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱. پیشینه سوابق مطالعاتی مرکز

ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس آموخته‌ها
۱	حسین بابایی مجرد، مهدی خسروی و جعفر زینت‌بخش (۱۴۰۴)	ارزشیابی قوانین (۳): ارزشیابی تأثیرات قانون؛ گامی به‌سوی متوازن‌سازی بار نظارتی مجلس شورای اسلامی	این گزارش نشان می‌دهد، مجلس شورای اسلامی با وجود تکالیف قانونی و تأکید سیاست‌های کلی نظام (بند «۹» بر ارزیابی آثار قوانین، در عمل از ارزشیابی نتایج اجرای قوانین غفلت کرده است. این کاستی ناشی از ضعف عزم سیاسی، نبود مدل عملیاتی، و کمبود ساختار، داده و منابع است. برای رفع آن، راهکارهایی چون لایحه‌محوری، بازنگری جامع قوانین، حذف مقررات زائد، واگذاری بخشی از ارزشیابی به دولت، ارزشیابی متقابل توسط مجلس، طراحی سازوکار بازبینی و تلفیق روش‌شناسی پیشینی و پسینی پیشنهاد شده است
۲	محسن ابن‌الدین حمیدی و زینب حاجیلو (۱۴۰۲)	مقدمه‌ای بر ارزشیابی مردم‌محور: بایسته نظری	گزارش بر ارزشیابی مردم‌محور بر پایه سه اصل (حقوق متقابل دولت-ملت، جایگاه اصیل مردم در جامعه اسلامی و نظارت بر قدرت برای پیشگیری از فساد) تأکید دارد و آن را راهی برای ارتقای حکمرانی می‌داند. دو رویکرد اصلی (نقش‌نخبگان در برابر مشارکت عمومی) مطرح است که موفقیت آن به شفافیت، بازخورد مستمر، شناسایی ذی‌نفعان، فرهنگ مشارکتی و شاخص‌های بومی وابسته است. چالش‌هایی همچون نابرابری مشارکت، پیچیدگی مسائل و تضاد مدل‌های خطی و تعاملی نیز وجود دارد. در پایان، استفاده از ابزارهایی چون «دماسنج اجتماعی» و «زنگ هشدار» برای سنجش رضایت و انتقال سریع بازخورد به سیاستگذاران پیشنهاد شده است.
۳	محسن ابن‌الدین حمیدی (۱۴۰۳)	الزام‌های ارزشیابی مردم‌محور خط‌مشی‌های عمومی	گزارش، ارزشیابی مردم‌محور را برای سنجش عملکرد خط‌مشی‌های عمومی در ایران بررسی کرده و سه محور کلیدی برای تحقق آن پیشنهاد می‌دهد: توسعه دانش و شاخص‌ها، اصلاح قوانین و استفاده از ظرفیت‌های موجود و فرهنگ‌سازی گسترده. این مدل با هدف افزایش مشارکت عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی، نیازمند اقدام‌هایی چون تدوین قوانین مرتبط، دسترسی آزاد به اطلاعات، ایجاد پایگاه داده‌های ملی افکارسنجی، آموزش تخصصی، حمایت از پژوهش‌های دانشگاهی و برگزاری نشست‌های علمی برای نشر یافته‌هاست. موفقیت نهایی آن نیز به شفافیت، پاسخ‌گویی و نهادینه‌سازی در حکمرانی وابسته است.
۴	فاطمه رحمانی و محمد عبدالحسین‌زاده (۱۴۰۳)	ارزشیابی خط‌مشی در نظام قانونگذاری (۱): الگوها و ابزارهای ارزشیابی خط‌مشی	این گزارش با تمرکز بر ارزشیابی خط‌مشی در نظام قانونگذاری، به تبیین مفهوم، انواع و تفاوت آن با نظارت پرداخته و ابزارهای تحلیلی مانند تحلیل هزینه-فایده، تحلیل چندمعیاره، مدل‌سازی، شبیه‌سازی و آزمایش‌های کنترل‌شده را معرفی کرده است. این ابزارها برای سنجش آثار خط‌مشی‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی به کار می‌روند. همچنین نقش ظرفیت سیاسی و رویه‌های اداری در کیفیت ارزشیابی بررسی شده است. در پایان، برای ارتقای نقش مجلس، پیشنهادهایی مانند ایجاد نهاد تخصصی ارزشیابی، تعامل با دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی و حرکت به‌سوی ارزشیابی یادگیرنده ارائه شده است.
۵	حیدر نجفی رستاقی و محمد عبدالحسین‌زاده (۱۴۰۳)	ارزشیابی خط‌مشی در نظام قانونگذاری (۲): رویکردها، مدل‌ها و ابزارهای ارزشیابی مشارکتی	این گزارش به بررسی ارزشیابی خط‌مشی با تأکید بر رویکردهای مشارکتی پرداخته و انواع آن مانند ارزشیابی همکارانه، توانمندساز، سودمندی‌محور و مردم‌محور را معرفی کرده است. مدل‌های اجرایی مشارکت عمومی از جمله الگوهای اجتماع‌محور و چهارمرحله‌ای نیز بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد نبود ابزارهای قانونی و ساختارهای لازم، مانع مشارکت مؤثر مردم در ارزشیابی قوانین شده است. برای رفع این چالش‌ها، پیشنهادهایی مانند ایجاد سامانه‌های نظارت مردمی، تدوین خط‌مشی‌های شفافیت، تشکیل کارگروه‌های تخصصی و افزایش تعامل مجلس با نهادهای علمی و مدنی ارائه شده است. در نهایت، گزارش بر لزوم گذار از ارزشیابی سنتی به مشارکتی به‌منظور افزایش پاسخ‌گویی و بهبود خط‌مشی‌گذاری تأکید دارد.

ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس آموخته‌ها
۶	مهدی خسروی، حسین بابایی مجرد و جعفر زینت‌بخش (۱۴۰۴)	ارزشیابی قوانین (۱): مروری بر تجربیات پارلمان‌های جهان سهم‌یاری‌هایی برای مجلس شورای اسلامی	این گزارش به بررسی تجربه پارلمان‌های گوناگون در ارزشیابی قوانین پرداخته و راهکارهایی برای بهبود این فرایند در مجلس شورای اسلامی ایران ارائه می‌دهد. یافته‌ها در پنج محور دسته‌بندی شده‌اند: امکان‌پذیری ارزشیابی، اهداف و کارکردها، رویکردهای ارزشیابی، ساختار نهادی مسئول و روش‌های اجرایی. چالش‌های مشترک شامل کمبود نیروی متخصص، منابع محدود و فشارهای سیاسی‌اند. برای غلبه بر این موانع، پیشنهادهایی چون تأسیس نهاد مستقل ارزشیابی، تدوین شاخص‌های سنجش، تقویت چارچوب‌های قانونی و افزایش شفافیت ارائه شده است. اجرای این راهکارها می‌تواند به اصلاح قانونگذاری و ارتقای پاسخ‌گویی کمک کند.
۷	مهدی خسروی، حسین بابایی مجرد و جعفر زینت‌بخش (۱۴۰۴)	ارزشیابی قوانین (۲): واکاوی دلایل انفعال و بی‌عملی پارلمان‌های جهان در کاربست ارزشیابی قوانین و درس آموخته‌هایی برای ایران	این گزارش به شناسایی ۲۲ عامل مؤثر در عدم اجرای نظام‌مند ارزشیابی قوانین در پارلمان‌ها پرداخته، از جمله نبود نهاد تخصصی، فقدان داده‌های معتبر، پیچیدگی فرایند، نبود شاخص‌های سنجش، ملاحظات سیاسی و ضعف در شناسایی ذی‌نفعان و مراحل اجرایی. برای بهبود این وضعیت در مجلس شورای اسلامی، راهکارهایی مانند ایجاد نهاد مستقل ارزشیابی، تدوین شاخص‌های دقیق، ارتقای شفافیت، تعامل با نهادهای علمی و افزایش ظرفیت‌های اجرایی پیشنهاد شده است. هدف اصلی، نهادینه‌سازی ارزشیابی برای ارتقای کیفیت قانونگذاری و افزایش پاسخ‌گویی و اعتماد عمومی است.
۸	جعفر زینت‌بخش، حسین بابایی مجرد، مهدی خسروی (۱۴۰۴)	ارزشیابی قوانین (۴): شناسایی و تبیین پیش‌آیندها و پس‌آیندهای قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی با رویکرد ارزشیابی فارغ از هدف	این گزارش نشان می‌دهد، با گسترش دولت الکترونیک و توسعه فناوری‌های داده‌محور، اهمیت مدیریت و صیانت از داده‌ها در ارائه خدمات عمومی و کسب‌وکارهای خصوصی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این شرایط از یک‌سو ضرورت راهبری و بهره‌برداری بهینه از داده‌ها و از سوی دیگر حفاظت از اطلاعات شهروندان را بر دولت تحمیل کرده است. در همین راستا، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۱ «قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» را تصویب کرد. هرچند این اقدام نشانگر توجه قانونگذار به تحولات نوین است، اما بررسی خاستگاه‌ها، پیامدها و آثار واقعی اجرای قانون همچنان ضرورتی جدی تلقی می‌شود. از این‌رو، این گزارش سعی دارد تا با رجوع به خبرگان، پیش‌آیندها و پس‌آیندهای قانون مدام را تبیین کند. در آخر نیز پیشنهادهایی برای اجتناب از پیامدهای ناخواسته در این حوزه ارائه شده است.
۹	مصطفی دلاورپور اقدم، (۱۴۰۱)	ویژگی‌ها و شاخص‌های مجلس کارآمد، در منشور بیانات رهبر معظم انقلاب	این گزارش نشان می‌دهد، در گام دوم انقلاب، مجلس کارآمد و پیش‌رو باید با تکیه بر بیانات و رهنمودهای رهبر شهید انقلاب مسیر قانونگذاری و نظارت را بازتعریف کند. شاخص‌هایی چون تحول‌گرایی، چابکی و هوشمندی، ارجحیت لایحه بر طرح، پرهیز از تورم و شتاب‌زدگی در قانونگذاری، توجه به آثار و قابلیت اجرای قوانین، ارتباط مستمر با خبرگان، مرجعیت قانون اساسی در حل اختلافات دولت و مجلس و مدیریت جهادی از جمله بایسته‌ها هستند. همچنین، تنقیح قوانین، ثبات در حوزه اصل (۴۴)، توجه به منافع ملی، پرهیز از نفوذ افراد متنفذ، ساماندهی آیین‌نامه داخلی، حفظ نظم جلسات و اجتناب از مصوبات فسادزا از مهم‌ترین الزام‌ها محسوب می‌شوند. مجموعه این شاخص‌ها، که در بیانیه گام دوم و بیانات رهبر شهید مورد تأکید قرار گرفته‌اند، چارچوبی برای حرکت به‌سوی مجلس در تراز انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۲-۱. تمایز پژوهش حاضر نسبت به سوابق مطالعاتی پیشین

پژوهش حاضر با تأکید بر طراحی و ارائه یک چارچوب جامع برای ارزشیابی قوانین در نظام حکمرانی ایران، نسبت به مطالعات پیشین متمایز است. در حالی که پژوهش‌های گذشته عمدتاً به بررسی کلی نقش ارزشیابی مردم‌محور، الزام‌های مشارکتی و ساختار نهادی ارزشیابی در نظام‌های گوناگون پرداخته‌اند، این گزارش شاخص‌ها و معیارهای کلیدی (۲۴ مورد) را با تمرکز بر متناسب‌سازی آنها با تنوع انواع قوانین (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری و ...) استخراج و طبقه‌بندی می‌کند. ثانیاً، این پژوهش ضمن پر کردن خلأ نظری موجود، با رویکرد تحلیلی-کاربردی، چارچوبی منسجم و عملیاتی برای ارزشیابی قوانین فراهم می‌آورد که در مراحل تصویب، اجرا و بازنگری قابل استفاده بوده و می‌تواند به بهبود فرایند قانونگذاری کمک کند؛ موضوعی که در گزارش‌های پیشین کمتر به‌صورت جامع و هم‌زمان مورد توجه قرار گرفته است. ضمن اینکه پژوهش حاضر نه تنها در سطح مفهومی به شناسایی و طبقه‌بندی شاخص‌های ارزشیابی قوانین می‌پردازد، بلکه یک گام فراتر نسبت به مطالعات پیشین برمی‌دارد



و آنها را به سمت یک «فهرست بررسی عملیاتی» هدایت می‌کند. بیشتر مطالعات گذشته عمدتاً به بحث‌های نظری بر ارزشیابی قوانین محدود بوده و فاقد ابزار مشخص برای استفاده در عمل بوده‌اند. در مقابل، این پژوهش با طراحی نقشه جامع برای گذار از مرحله «مفهوم‌پردازی» به مرحله «کاربردی‌سازی»، امکان تبدیل شاخص‌های شناسایی‌شده به معیارهای کمی، سنجش‌پذیر و قابل استفاده در مراحل گوناگون چرخه قانونگذاری (تصویب، اجرا و بازنگری) را فراهم می‌کند. این نقطه تمایز اساسی است، زیرا خروجی نهایی گزارش، تنظیم و تدوین یک «فهرست بررسی ارزشیابی قوانین» است که می‌تواند به‌عنوان ابزار تصمیم‌یار در نظام حکمرانی ایران به کار رود؛ امری که در گزارش‌ها و ادبیات پیشین کمتر مشاهده شده است.

۳. معرفی و تشریح شاخص‌های ارزشیابی

در این بخش، قصد داریم به معرفی و تشریح شاخص‌ها و معیارهای کلیدی ارزشیابی قوانین بپردازیم؛ شاخص‌هایی که هر یک بازتاب‌دهنده بعدی از کیفیت، کارآمدی و مشروعیت قانون هستند. این شاخص‌ها، ماهیت مکمل و درهم‌تنیده‌ای دارند؛ به‌گونه‌ای که ارزشیابی جامع یک قانون، تنها در پرتو تحلیل هم‌زمان و ترکیبی این ابعاد امکان‌پذیر خواهد بود. در ادامه، هر شاخص به‌صورت جداگانه معرفی می‌شود. در معرفی هر شاخص، تلاش شده است ضمن ارائه تعریف مفهومی روشن، به اهمیت آن در ارزشیابی قوانین و نمونه‌های کاربردی مرتبط نیز پرداخته شود. این رویکرد کمک می‌کند تا شاخص‌ها نه تنها از حیث نظری، بلکه در عمل نیز قابل فهم و قابل کاربرد باشند. در گزارش پیش‌رو، به بررسی بقیه شاخص‌ها نظیر «پایداری؛ آثار ناخواسته؛ پیامدهای ناخواسته؛ تأثیر نهایی؛ پیامد؛ پاسخ‌دهی؛ امکان‌سنجی؛ ظرفیت نهادی/اداری؛ تاب‌آوری؛ استحکام؛ به‌موقع بودن؛ یادگیری و بهبود» پرداخته می‌شود.

۳-۱. قوانین چگونه از منظر «پایداری» ارزشیابی می‌شوند؟

ارزشیابی قوانین از منظر «پایداری» یکی از ابعاد کلیدی تحلیل خط‌مشی عمومی و قانونگذاری اثربخش است. این شاخص بررسی می‌کند که آیا منافع، آثار و سازوکارهای ناشی از قانون در بلندمدت تداوم می‌یابد یا خیر؛ آیا اجرای قانون وابسته به شرایط کوتاه‌مدت یا منابع ناپایدار نیست. تمرکز بر پایداری در ارزشیابی قوانین، به ما کمک می‌کند تا فراتر از موفقیت کوتاه‌مدت، به تداوم مزایا و بقای آثار قانون نگاه کنیم. لذا این شاخص به ارزشیابی چند معیار کلیدی در جدول زیر می‌پردازد [۷]:

جدول ۲. زیرشاخص‌های ارزشیابی «پایداری» قوانین^۱

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	تداوم آثار	آیا نتایج مثبت قانون فقط در کوتاه‌مدت قابل مشاهده هستند یا در بلندمدت نیز باقی می‌مانند و در ساختارها و رفتارها نهادینه می‌شوند؟	<u>قانون نظام صنفی کشور (مصوب سال ۱۳۸۲):</u> مشکل: از زمان تصویب تاکنون، این قانون بارها دستخوش اصلاحات مقطعی و جزئی شده است (مثلاً در سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۴۰۰، ۱۴۰۳). این تغییرها بیشتر واکنشی و بخشی‌نگر بوده و مانع شکل‌گیری یک چارچوب پایدار و قابل پیش‌بینی شده است. همین تغییرهای مکرر موجب بی‌ثباتی نهادی و کاهش اعتماد ذی‌نفعان صنفی شده است، چون فعالان اقتصادی دائماً با قواعد تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند. در نتیجه، قانون به جای تثبیت ساختار تنظیم‌گری صنفی، خودش به منبع بی‌ثباتی تبدیل شده و پایداری اثرگذاری آن آسیب‌دیده است.
۲	پایداری نهادی	آیا پشتوانه‌ای سازمانی، با ثبات، دارای اختیارات و منابع کافی برای اجرای قانون وجود دارد؟ آیا از تغییرهای سیاسی مصون است؟	<u>قانون مدیریت پسماند (مصوب سال ۱۳۸۳)</u> با هدف ساماندهی جمع‌آوری، دفع، بازیافت و کاهش زباله‌ها تصویب شد و دستگاه‌هایی چون شهرداری‌ها، سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارت کشور، بهداشت، صمت و جهاد کشاورزی را درگیر اجرای آن کرده است. اما موفقیت این قانون در بلندمدت، به شدت به «پایداری نهادی» وابسته است و پایداری نهادی زمانی تقویت می‌شود که مسئولیت اجرای قانون به نهادی ملی، تخصصی و با ثبات مانند سازمان حفاظت محیط‌زیست سپرده شود؛ نهادی که دارای مأموریت مشخص زیست‌محیطی، ساختار مستقر در سطوح ملی و استانی، اختیارات قانونی شفاف و پاسخ‌گو در برابر نهادهای بالادستی همچون هیئت دولت و مجلس است. در مقابل، اگر اجرای قانون صرفاً برعهده شهرداری‌ها و نهادهای محلی گذاشته شود، به دلیل تفاوت‌های شدید در ظرفیت مالی و انسانی، وابستگی به بودجه‌های متزلزل و تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی و ترجیحات کوتاه‌مدت، احتمال اجرا نشدن یا اجرای نمایشی آن در بسیاری از شهرها افزایش می‌یابد.
۳	تاب‌آوری در برابر تغییر	آیا قانون می‌تواند در شرایط تغییرهای سیاسی، اقتصادی یا فناوری، خود را تطبیق دهد؟	<u>قانون هوای پاک (مصوب سال ۱۳۹۶)</u> با هدف کاهش آلودگی هوا، اگرچه گامی مهم در خط‌مشی‌گذاری زیست‌محیطی محسوب می‌شود، اما میزان تاب‌آوری آن در برابر تحولات فناورانه، اقتصادی و سیاسی محل تأمل است. از منظر فناورانه، این قانون اگر صرفاً بر تعویض خودروهای فرسوده یا معاینه فنی تمرکز داشته باشد، در برابر انقلاب حمل‌ونقل برقی و سامانه‌های هوشمند پایش آلودگی تاب‌آور نخواهد بود؛ مگر آن‌که با پیش‌بینی مشوق‌هایی برای فناوری‌های نو مانند معافیت‌های مالیاتی و الزام وزارتخانه‌ها به بازبینی مداوم استانداردهای آلاینده‌ها همراه باشد. از منظر اقتصادی نیز، نبود منابع مالی پایدار می‌تواند در شرایط بحران یا کاهش بودجه، اجرای قانون را مختل کند؛ بنابراین تاب‌آوری آن در گروی ایجاد صندوق‌های مستقل یا مشارکت فعال بخش خصوصی در توسعه حمل‌ونقل پاک است. از بعد سیاسی، با تغییر دولت‌ها یا مدیریت شهری، اجرای طرح‌هایی مانند کنترل تردد یا نوسازی ناوگان ممکن است تضعیف یا متوقف شود؛ برای مقابله با این ناپایداری، قانون باید دارای ضمانت‌های الزام‌آور فرابخشی، نظام گزارش‌دهی شفاف و نظارت مستقل از نهادهای غیردولتی یا قضایی باشد تا استمرار اجرای آن در بلندمدت تضمین شود.
۴	پایداری مالی	آیا منابع مالی قانون پایدار، پیش‌بینی شده و متناسب با طول دوره اجرا هستند؟ وابستگی به درآمدهای ناپایدار چقدر است؟	مثال مثبت؛ <u>قانون هفتمندی یارانه‌ها (مصوب سال ۱۳۸۹)</u> از ابتدا دارای سازوکار مالی مشخص بود و بخشی از منابع آن از محل صرفه‌جویی در یارانه‌های انرژی تأمین می‌شد. مثال منفی؛ <u>قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب سال ۱۳۸۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی)</u> با وجود جامعیت، فاقد ردیف بودجه‌ای پایدار و کافی بود. در بسیاری از سال‌ها، اعتبارات اختصاص یافته به اجرای این قانون، کمتر از ۳۰ درصد نیاز برآورد شده بوده و عملاً بخش‌هایی از قانون اجرا نشد.
۵	نهادینه‌سازی در نظام اداری	آیا اجرای قانون در فرایندهای عادی حکمرانی ادغام شده یا همچنان استثنایی و مقطعی است؟	مثال مثبت؛ <u>قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب سال ۱۳۸۶)</u> به تدریج در بسیاری از دستگاه‌های دولتی نهادینه شد؛ ساختار سازمانی، ارزیابی عملکرد و طبقه‌بندی مشاغل بر مبنای آن بازطراحی شد. مثال منفی؛ <u>قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (مصوب سال ۱۴۰۰)</u> با وجود داشتن اهداف گسترده، در بسیاری از بخش‌ها، فاقد نهاد مستقر دائمی برای اجراست. اجرای بخش‌هایی از آن به کمیته‌های مقطعی یا نهادهای غیرتخصصی واگذار شده که از نظر اجرایی و سازمانی پایدار نیستند.

۱. شاخص‌ها و معیارهای معرفی شده در این گزارش نقش جعبه‌ابزار مفهومی را دارند و بسته‌ای واحد و یکسان برای همه قوانین محسوب نمی‌شوند. متناسب با ماهیت، موضوع و اهداف هر قانون، تنها بخشی از این مقوله‌ها قابلیت به کارگیری دارند. در این مرحله، هدف صرفاً شناسایی و تبیین ابعاد ارزشیابی است. طراحی معیارهای عملیاتی شامل وزن‌دهی، فرمول‌های محاسبه، آستانه‌ها، واحدهای سنجش و تناوب پایش، در گام تکمیلی بعدی و در قالب «چک‌لیست ارزشیابی قوانین» ارائه خواهد شد.



ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۶	پایداری بین نسلی	آیا قانون منافع نسل‌های آینده را در نظر می‌گیرد یا به انتقال هزینه‌ها و بحران‌ها به آینده منجر می‌شود؟	برداشت از صندوق توسعه ملی برای هزینه‌های جاری: فلسفه صندوق، ذخیره منابع نفتی برای نسل‌های آینده است؛ اما وقتی برای جبران کسری بودجه جاری استفاده می‌شود، سرمایه بین نسلی صرف منافع کوتاه‌مدت می‌شود.
۷	پایداری فناورانه	آیا قانون با روندهای نوآوری همسوست یا با گذر زمان و تغییر فناوری ناکارآمد می‌شود؟	مثال منفی؛ قانون تجارت الکترونیک (مصوب سال ۱۳۸۲): در زمان تصویب، قانونی پیشرو محسوب می‌شد، اما امروز به دلیل ظهور فناوری‌های هوش مصنوعی ناکافی است. بسیاری از فعالیت‌ها یا بی‌ضابطه‌اند یا در تعارض با قوانین موجود قرار می‌گیرند. قانون مطبوعات (مصوب سال ۱۳۶۴): با گسترش رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، این قانون پاسخ‌گوی شرایط امروز نیست و مرتب نیازمند الحاقات یا تفسیرهای موسع شده است. مثال مثبت؛ قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات (مصوب سال ۱۳۸۹): با فراهم کردن بستر حمایت مالی و حقوقی، توانسته نوآوری را تسهیل کند و تا حدی با روندهای فناورانه هم‌سو باشد

مأخذ: همان.

جدول ارائه شده، هفت مقوله کلیدی برای ارزشیابی «پایداری» قوانین را معرفی می‌کند که هر یک به جنبه متفاوتی از پایداری توجه دارند. **تداوم آثار و پایداری بین نسلی** نشان می‌دهند که قانون تا چه حد نتایج مثبت خود را در رفتار، ساختارهای اجتماعی و منابع نسل‌های آینده حفظ می‌کند؛ **پایداری نهادی و نهادینه‌سازی در نظام اداری** بر وجود نهادهای تخصصی، ثابت و با اختیارات کافی و همچنین هم‌راستایی اجرای قانون با فرایندهای سازمانی تأکید دارند؛ به‌عنوان نمونه، موفقیت قانون مدیریت پسماند وابسته به نهادی ملی و پایدار بود و قانون مدیریت خدمات کشوری در بسیاری از دستگاه‌ها به تدریج نهادینه شد. **تاب‌آوری در برابر تغییر و پایداری فناورانه** اهمیت سازگاری قانون با تحولات سیاسی، اقتصادی و فناوری را برجسته می‌کنند، چنان که قانون هوای پاک برای بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و منابع مالی پایدار نیازمند بازنگری مستمر است و قانون تجارت الکترونیک بدون به‌روزرسانی با نوآوری‌های جدید ناکارآمد شده است. نهایتاً، **پایداری مالی** تضمین می‌کند که منابع کافی و پایدار برای اجرای قانون تخصیص یابد؛ مثال مثبت آن قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و مثال منفی آن قانون حمایت از معلولان است. به‌طور کلی، تحلیل جدول ۲ نشان می‌دهد که تحقق پایداری قوانین نیازمند هم‌زمان توجه به آثار بلندمدت، ظرفیت نهادی، تاب‌آوری در برابر تغییر، هم‌راستایی با نظام اداری و تأمین منابع مالی و فناورانه است.

جدول ۳. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «پایداری» در قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	تداوم آثار	بررسی پایداری نتایج و نهادینه شدن آثار قانون در رفتار و ساختارهای اجتماعی یا اقتصادی	قوانین اصلاحی اقتصادی، آموزشی و اجتماعی که هدف آنها تغییرهای بلندمدت در رفتار مصرف، سبک زندگی، عدالت اجتماعی یا مهارت‌آموزی است.
۲	پایداری نهادی	بررسی وجود نهادهای تخصصی، ثابت و دارای اختیارات برای اجرای پایدار قانون	قوانین محیط‌زیستی، سلامت، خدمات شهری و زیرساختی که اجرای بلندمدت و بین‌بخشی نیاز دارند.
۳	تاب‌آوری در برابر تغییر	توانایی قانون برای بقا و سازگاری در شرایط متغیر سیاسی، اقتصادی و فناورانه	قوانین راهبردی و بلندمدت در حوزه‌هایی با تغییر سریع مثل محیط‌زیست، فناوری، حمل‌ونقل، داده‌محوری یا برنامه‌ریزی شهری
۴	پایداری مالی	بررسی پیش‌بینی منابع مالی پایدار، کافی و متناسب با زمان اجرای قانون	قوانین حمایتی، رفاهی، بیمه‌ای و توسعه‌ای که به تخصیص منابع سالیانه یا پایدار برای تحقق اهداف نیاز دارند.

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۵	نهادینه‌سازی در نظام اداری	ارزیابی میزان هم‌راستایی قانون با رویه‌های رسمی سازمانی و تبدیل آن به بخشی از سازوکار جاری حکمرانی	قوانینی که نیازمند تغییر در فرایندهای اداری، ساختارهای سازمانی یا هماهنگی‌های نهادی گسترده هستند.
۶	پایداری بین نسلی	بررسی اینکه قانون منافع نسل‌های آینده را در نظر می‌گیرد و از انتقال بحران‌ها یا هزینه‌ها به آینده جلوگیری می‌کند	قوانین منابع طبیعی، محیط‌زیست، صندوق‌های توسعه ملی، انرژی و برنامه‌ریزی مالی که اثر بلندمدت دارند.
۷	پایداری فناورانه	بررسی سازگاری قانون با پیشرفت‌های فناوری و قابلیت به‌روزرسانی آن در مواجهه با نوآوری	قوانین تجارت الکترونیک، داده و اطلاعات، حمل‌ونقل هوشمند، انرژی و فناوری‌های نو که در طول زمان نیاز به انطباق دارند.

مأخذ: همان.

جدول ۳، زیرشاخص‌های **پایداری قوانین** را در هفت معیار کلیدی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که ارزشیابی کیفیت قانونگذاری فراتر از اثربخشی کوتاه‌مدت است. مقوله‌هایی مانند **تداوم آثار و پایداری بین نسلی** به بررسی تثبیت نتایج قانون در رفتار و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر نسل‌های آینده می‌پردازند، که برای قوانین اصلاحی اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و محیط‌زیستی اهمیت دارد. مقوله‌های **پایداری نهادی و نهادینه‌سازی در نظام اداری** بر وجود نهادهای تخصصی و هم‌راستایی با رویه‌های سازمانی تأکید دارند، که اجرای بلندمدت و بین‌بخشی قانون را تسهیل می‌کنند. **تاب‌آوری در برابر تغییر و پایداری فناورانه** نشان می‌دهند که قانون تا چه حد توان مقابله با تغییرهای سیاسی، اقتصادی و فناوری را دارد و قابلیت انطباق با نوآوری‌های آینده را دارد. نهایتاً **پایداری مالی** تضمین می‌کند که منابع کافی و پایدار برای اجرای قانون اختصاص یابد، به‌ویژه در قوانین حمایتی، رفاهی و توسعه‌ای. این تحلیل نشان می‌دهد که برای دستیابی به قانونگذاری پایدار، باید هم‌زمان به آثار بلندمدت، ظرفیت نهادی، تاب‌آوری و منابع مالی توجه کرد.

۳-۲. قوانین چگونه از منظر «آثار ناخواسته» ارزشیابی می‌شوند؟

این شاخص به بررسی آثاری می‌پردازد که در برنامه‌ریزی قانون پیش‌بینی نشده‌اند اما در عمل رخ می‌دهند؛ این آثار می‌توانند منفی (مثل آسیب به گروهی خاص، افزایش هزینه‌ها، پیچیدگی‌های اجرایی) یا مثبت (مانند یادگیری نهادی، نوآوری اجتماعی یا افزایش مشارکت) باشند. «آثار ناخواسته» در ارزشیابی قوانین بررسی می‌کند که آیا قانون در عمل، آثاری فراتر از اهداف مورد نظر خود ایجاد کرده است، به‌ویژه آثار منفی یا جانبی که اجرای قانون را تضعیف یا آثار اجتماعی ناخواسته‌ای تولید می‌کند. برای سنجش ارزشیابی آثار ناخواسته قوانین، از معیارهای جدول زیر استفاده می‌شود [۸]:



جدول ۴. زیرشاخص‌های ارزشیابی «آثار ناخواسته» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال	آثار ناخواسته
۱	اثر رفتاری	مردم یا بنگاه‌ها برای تطبیق با قانون، رفتاری خنثی‌کننده یا انحرافی اتخاذ می‌کنند	قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره بها (مصوب سال ۱۴۰۳)	ثبت اجاره‌نامه‌های صوری، تغییر مالکیت صوری، اجاره کوتاه‌مدت
۲	اثر معکوس ^۱	قانون نتیجه‌ای کاملاً مخالف هدف خود ایجاد می‌کند	سیاست‌ها و اقدام‌های ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی (مصوب جلسات شماره ۳۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۱، شماره ۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۹، شماره ۳۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۷، شماره ۳۹ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ و شماره ۴۰ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۳ شورای عالی فضای مجازی)	هدف قانون؛ کنترل محتوای نامناسب، جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی، حفظ امنیت اطلاعات و ... اثر معکوس؛ استفاده از فیلترشکن‌ها و وی‌پی‌ان‌ها به شدت افزایش یافت؛ کاربران حتی بیشتر از قبل از پلتفرم فیلتر شده استفاده کردند، اما این بار بدون امکان نظارت داخلی؛ امنیت دیجیتال کاربران کاهش یافت و داده‌ها از بسترهای داخلی به خارج منتقل شد؛ اعتماد عمومی به خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی آسیب دید و شکاف میان دولت و جامعه دیجیتال گسترش یافت.
۳	اثر حاشیه‌رانی ^۲	آیا یک قانون (حتی اگر نیت آن مثبت باشد) در عمل به تقویت شکاف‌های اجتماعی، طبقاتی، جنسیتی یا منطقه‌ای منجر شده است یا نه. (تشدید نابرابری یا تبعیض)	قانون نظام رتبه‌بندی معلمان (مصوب سال ۱۴۰۰)	هدف قانون: ارتقای کیفیت آموزش، ایجاد انگیزه در معلمان و اصلاح ساختار حقوقی و جایگاه شغلی فرهنگیان. اما در عمل؛ معلمان مدارس غیردولتی از قانون مستثنی شدند، درحالی‌که بخش بزرگی از آموزش عمومی کشور را برعهده دارند. معلمان بازنشسته که سال‌ها خدمت کرده‌اند، از مزایای این قانون محروم شدند. معلمان مناطق محروم یا عشایری به‌دلیل کمبود زیرساخت‌ها، داده‌ها یا بی‌توجهی اداری، در رتبه‌بندی دچار تأخیر یا حذف شدند.

مأخذ: همان.

مقوله‌های «آثار ناخواسته» در قوانین به‌ویژه برای آن دسته از خط‌مشی‌های عمومی اهمیت دارد که با رفتارهای پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر مردم یا نهادها سروکار دارند. این معیارها می‌کوشند که نشان دهند قانون، به‌رغم نیت خیر، ممکن است باعث بروز نتایج منفی و تغییرهای انحرافی در رفتار یا حتی پیامدهای معکوس شود. قوانینی که به تنظیم بازار، کنترل رفتارهای اجتماعی، توزیع یارانه، خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی، اصلاحات مالیاتی یا تنظیم پلتفرم‌ها و فناوری‌ها می‌پردازند، به‌دلیل پیچیدگی و چندوجهی بودن، بیش از سایر قوانین در معرض این پیامدها هستند. برای مثال، **قانون هدفمندی یارانه‌ها** موجب وابستگی به حمایت دولت شده است یا **مصوبه ساماندهی پیام‌رسان‌ها**، به‌جای مهار ناهنجاری‌ها، موجب گسترش استفاده از فیلترشکن و کاهش اعتماد عمومی شده است. بنابراین، این مقوله‌ها مناسب‌ترین ابزار برای پایش قوانین پرمخاطره، مداخله‌گر و گسترده‌ای هستند که تغییرهای عمده در رفتار مردم، بازار یا فناوری را هدف قرار می‌دهند.

جدول ۵. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «آثار ناخواسته» در قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	آثار رفتاری	انطباق رفتاری انحرافی یا خنثی‌کننده توسط مردم یا نهادها	قوانین مالیاتی، شفافیت‌داری، املاک و اجاره
۲	اثر معکوس	نتیجه کاملاً خلاف هدف قانون	قوانین فرهنگی و اجتماعی، سیاست‌های کنترل فضای مجاز
۳	اثر حاشیه‌رانی	برخی گروه‌ها یا اقشار، به‌طور غیرعمدی و ناخواسته از دامنه بهره‌مندی قانون کنار گذاشته شده‌اند یا خیر.	قوانین آموزش، سلامت، یارانه، اشتغال، توزیع منابع

مأخذ: همان.

1. Backfire
2. Marginalization Effects

در ارزشیابی قوانین از منظر «آثار ناخواسته»، سه معیار کلیدی قابل تمایز است که هر یک به نوعی پیامدهای پیش‌بینی نشده و اغلب منفی قوانین را آشکار می‌سازند. نخست، آثار تغییر رفتار کنشگران که به‌ویژه در قوانین مالیاتی، شفافیت و مالکیت کاربرد دارد. دوم، اثر معکوس است مثل برخی قوانین فرهنگی یا کنترل فضای مجازی. و سوم، اثر حاشیه‌رانی، زمانی است که گروه‌هایی خاص به‌صورت ناخواسته از شمول یا مزایای قانون کنار گذاشته می‌شوند، که در قوانین حوزه آموزش، سلامت و یارانه‌ها بیشتر بروز می‌یابد. این مقوله‌ها ابزارهای ضروری برای تحلیل کیفیت و پیامدهای واقعی مداخله‌های قانونی هستند.

۳-۳. قوانین چگونه از منظر «پیامدهای ناخواسته» ارزشیابی می‌شوند؟

موضوع «پیامدهای ناخواسته» یکی از شاخص‌های کلیدی در ارزشیابی خط‌مشی‌ها و قوانین است که ارتباط تنگاتنگی با اثربخشی، عدالت، پایداری و انسجام قوانین دارد. این شاخص کمک می‌کند تا فراتر از اهداف رسمی و اولیه قانون، به تأثیرات جانبی، احتمالات پنهان و آثار سرریزی نیز توجه شود.

در بخش قبلی به شاخص «آثار ناخواسته» اشاره داشت، اما باید میان این مفهوم و «پیامدهای ناخواسته» تمایز قائل شد. پیامد ناخواسته به معنای «نتیجه یا اثری است که در طراحی قانون پیش‌بینی نشده و به‌صورت خاص و مشخص بروز می‌کند» و اما ارزشیابی آثار ناخواسته «فرایند نظام‌مند شناسایی، تحلیل و قضاوت درباره این پیامدهای پیش‌بینی نشده است که هم می‌تواند پیامدهای مثبت و هم منفی را دربرگیرد و هدف آن کمک به اصلاح یا بهبود قانون است». به عبارت دیگر، پیامد ناخواسته یک «نتیجه» است، در حالی که ارزشیابی آثار ناخواسته «فرایند بررسی و تحلیل» این نتایج برای تصمیم‌گیری بهتر به شمار می‌آید. این شاخص به ارزشیابی شش معیار کلیدی زیر می‌پردازد [۹]، [۱۰]:

جدول ۶. زیرشاخص‌های ارزشیابی «پیامدهای ناخواسته» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال	پیامدهای ناخواسته
۱	شدت اثر	میزان تغییر منفی / غیرمنتظره در حوزه‌های غیرمستقیم	قانون ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان (مصوب سال ۱۳۹۵)	هدف: جوان‌سازی و گردش نخبگان پیامد ناخواسته: خروج مدیران با تجربه بدون جانشین‌پروری شدت اثر: متوسط تا شدید (در برخی سازمان‌ها موجب خلأ مدیریتی و کاهش کارآمدی شد)
۲	دامنه اثرگذاری	تعداد افراد / سازمان‌هایی که از اثر ناخواسته متأثر می‌شوند	قانون هدفمندی یارانه‌ها (مصوب سال ۱۳۸۸)	هدف: کاهش وابستگی اقتصاد به یارانه‌های انرژی و اصلاح ساختار یارانه‌ها برای افزایش عدالت و بهبود بهره‌وری اقتصادی. پیامد ناخواسته: افزایش قیمت حامل‌های انرژی (مثل بنزین، گازوئیل، برق و گاز)، افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل، افزایش هزینه‌های کالاهای اساسی و خدمات. دامنه اثرگذاری: تقریباً کل جمعیت کشور تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم این پیامدها قرار گرفتند، همچنین تقریباً تمام بخش‌های اقتصادی و صنایع تحت تأثیر افزایش هزینه‌ها و تغییرهای قیمت‌ها بودند. لذا پیامدها کاملاً گسترده بود، به‌طوری‌که نه فقط مصرف‌کنندگان انرژی، بلکه تولیدکنندگان، حمل‌ونقل، صنایع تبدیلی و حتی بازارهای مالی و سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار داد.



ردیف	مقوله	تشریح	مثال	پیامدهای ناخواسته
۳	احتمال بروز	چقدر احتمال دارد این پیامد ناخواسته رخ دهد؟ (پیش‌بینی‌پذیری اثر براساس شبیه‌سازی یا تجارب پیشین)	آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۴/۵/۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی	با توجه به تجربه‌های پیشین در استفاده از کاغذهای بازیافتی در نهادهای عمومی و همچنین ارزیابی‌های کارشناسی، احتمال بروز پیامد ناخواسته‌ای مانند کاهش کیفیت چاپ و افزایش هزینه‌های عملیاتی در ادارات، در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. شبیه‌سازی‌های هزینه‌ای و بررسی‌های فنی نشان داده‌اند که در صورت نبود استاندارد دقیق برای کیفیت کاغذهای بازیافتی (که در ماده (۱۶) آیین‌نامه ^۱ پیش‌بینی شده است)، ممکن است برخی ادارات با افت کارایی در فرایندهای چاپ، نیاز به تعویض زود هنگام تجهیزات یا هزینه‌های مضاعف مواجه شوند. با این حال، در صورت اجرای مؤثر ماده (۱۶) و تدوین استانداردهای فنی توسط مؤسسه استاندارد، این پیامد قابل کنترل بوده و احتمال وقوع پیامدهای شدید پایین خواهد بود.
۴	اثر سرریزی	انتقال پیامدهای ناخواسته یک قانون یا خط‌مشی به حوزه‌ای فراتر از دامنه مستقیم آن، مانند: سایر حوزه‌های جغرافیایی (مثلاً از تهران به شهرهای کوچک)، حوزه‌های سیاستی دیگر (مثلاً از حمل‌ونقل به محیط‌زیست)، بازه‌های زمانی آینده (مثلاً آثار بلندمدت قانون بر نسل‌های بعد)، گروه‌های اجتماعی غیرهدف (مثلاً تأثیر بر افراد فاقد شمول در قانون).	قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی	قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا با هدف ارتقای کیفیت محیط‌زیست، صنایع را ملزم به نصب تجهیزات کنترل آلاینده‌گی، تغییر نوع سوخت، پایش مستمر آلاینده‌ها کرد. این الزامات اگرچه از نظر زیست‌محیطی ضروری‌اند، اما در عمل موجب افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای، عملیاتی و فنی برای واحدهای تولیدی شده‌اند؛ به‌ویژه برای صنایعی نظیر آجرپزی، سیمان و فولاد. در نتیجه، بسیاری از واحدهای کوچک با تعطیلی یا افت تولید مواجه شده‌اند و فشار هزینه‌ای به صنایع پایین‌دستی نیز منتقل شده است. این پیامدهای ناخواسته، به‌صورت اثر سرریزی، باعث کاهش رقابت‌پذیری صنایع داخلی، افزایش قیمت برای مصرف‌کننده و نیاز به حمایت‌های مالی دولتی شده‌اند.
۵	اثر جبرانی	آیا پیامد ناخواسته نیازمند مداخله ثانویه برای جبران است؟	قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی	ماده (۱۲) ^۲ این قانون اگرچه با نیت کاهش مصرف انرژی تصویب شد، اما بدون مداخله جبرانی برای بنگاه‌های آسیب‌پذیر، می‌تواند به تبعیض ساختاری، عقب‌ماندگی فناورانه و حتی حذف تدریجی صنایع کوچک منجر شود. بنابراین، اثربخشی آن مشروط به خط‌مشی‌های جبرانی مالی، حمایت‌هایی مانند تسهیلات کم‌بهره، معافیت مالیاتی یا یارانه حمایتی و ... است.

۱. ماده (۱۶) مؤسسه استاندارد باید ظرف یکسال پس از ابلاغ این آیین‌نامه استانداردهای زیر را تدوین نماید:

۱- استاندارد کاغذ و پلاستیک بازیافتی و موارد مجاز استفاده آنها از جنبه‌های فنی و بهداشتی.

۲- استانداردهای کود آلی به خصوص کود کمپوست حاصل از پردازش پسماندهای عادی و کشاورزی.

۳- استاندارد تأسیسات و تجهیزات مرتبط با مدیریت پسماندها از جمله دستگاه‌های زباله‌سوز و نوع پسماندهای مورد پذیرش از جنبه فنی و بهداشتی.

۴- استاندارد علایم نشان دهنده نوع و جنس پلاستیک‌ها و نیز پلاستیک‌های قابل تجزیه در طبیعت.

۵- استاندارد سایر مواردی که حسب مورد از سوی کارگروه ملی پیشنهاد می‌شود.

۲. ماده (۱۲) - به کلیه وزارتخانه‌ها به‌ویژه نفت و نیرو و شرکت‌های تابعه و وابسته به آنها و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و کلیه دارندگان عنوان و ردیف در قوانین بودجه کل کشور اجازه داده می‌شود سالانه تا سقف یکصد میلیارد (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) دلار به‌صورت ارزی و پانصد هزار میلیارد (۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به صورت ریالی که هر ساله تا سقف نرخ تورم سال قبل تعدیل می‌گردد، در موارد مربوط به بندهای ذیل این ماده که سرمایه‌گذاری یا اقدام اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی یا داخلی با اولویت بخش‌های خصوصی یا تعاونی به تولید، صادرات، ارتقای کیفیت، صرفه‌جویی یا کاهش هزینه در تولید کالا یا خدمت و زمان و بهبود کیفیت محیط‌زیست و یا کاهش تلفات جانی و مالی می‌انجامد برای نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و کالاهای خدمات قابل صادرات یا واردات به قیمت‌های صادراتی یا وارداتی به نرخ روز ارز بازار آزاد یا معادل ریالی آن با احتساب حقوق دولتی و عوارض قانونی و سایر هزینه‌های متعلقه و برای سایر موارد با قیمت‌های غیر یارانه‌ای با احتساب حقوق دولتی و عوارض قانونی و سایر هزینه‌های متعلقه قرارداد منعقد کنند. دولت مکلف است:

۱ - کالا یا خدمت تولید شده یا صرفه‌جویی شده و منافع یا ارزش حاصله را حسب مورد و از محل درآمد، صرفه‌جویی، منافع یا ارزش حاصله خریداری کند.

۲ - اصل و سود سرمایه‌گذاری و حقوق دولتی و عوارض قانونی و سایر هزینه‌های متعلقه یا منافع اقدام موضوع این ماده را به آنان پرداخت نماید.

در صورت تأمین تمام یا بخشی از منابع مورد نیاز اجزای (۱) و (۲) از بودجه کل کشور، ضمن مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از طریق خزانه‌داری کل کشور اقدام می‌شود.

اشخاص فوق می‌توانند طبق قرارداد یا مجوز صادره نسبت به فروش کالا یا خدمت تولید شده یا صرفه‌جویی شده و منافع یا ارزش حاصله از سرمایه‌گذاری یا اقدام در داخل یا خارج کشور و یا بهره‌برداری و استفاده از آنها اقدام نمایند.

ردیف	مقوله	تشریح	مثال	پیامدهای ناخواسته
۶	اثر قیمتی	اجرای یک قانون چه تأثیری بر افزایش یا کاهش قیمت‌ها دارد؟ چه مقدار تقاضا و عرضه بازار را تحت تأثیر قرار دهد؟ یا هزینه‌های زندگی و تولید را به‌طور غیرمستقیم تغییر می‌دهد؟	قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی	* اثر کاهشی قیمت؛ کاهش انگیزه تولید کم‌مصرف / بهره‌ور به‌خاطر قیمت پایین مصنوعی. مثال؛ یارانه سنگین بنزین تا قبل از سال ۱۳۸۹ قیمت واقعی سوخت را بسیار پایین‌تر از قیمت جهانی نگه داشته بود. در نتیجه خودروسازان داخلی انگیزه‌ای برای طراحی و تولید خودروهای کم‌مصرف نداشتند، چون بنزین عملاً «ارزان» بود و مصرف‌کنندگان حساسیت چندانی به مصرف بالا نشان نمی‌دادند. * اثر افزایشی قیمت؛ افزایش تورم و فشار بر معیشت مردم به‌خاطر تزریق نقدینگی. مثال؛ در این قانون دولت به‌جای پرداخت یارانه کالایی، یارانه نقدی به خانوارها داد. در نتیجه ورود حجم عظیمی از نقدینگی به اقتصاد و افزایش تقاضای کل و رشد قیمت‌ها (تورم) شد. کسانی که مشمول یارانه نقدی نبودند (مثلاً بخشی از طبقه متوسط) با افزایش هزینه زندگی روبه‌رو شدند، بدون آنکه جبرانی دریافت کنند. * بیماری هلندی؛ تقویت ریال به‌واسطه نفت و تضعیف صادرات غیرنفتی. در دهه ۱۳۸۰، به‌ویژه با رشد قیمت جهانی نفت، درآمدهای نفتی عظیمی وارد اقتصاد کشور شد. دولت با قوانین بودجه‌ای و سیاست‌های انبساطی، بخش بزرگی از این درآمدها را به اقتصاد تزریق کرد. در نتیجه تقویت مصنوعی ریال (به‌دلیل وفور دلارهای نفتی) و صادرات غیرنفتی (مثل محصولات کشاورزی و صنعتی) قدرت رقابت خود را در بازار جهانی از دست دادند. هم‌زمان واردات کالاهای مصرفی به‌صرفه شد و تولید داخلی را تحت فشار قرار داد.

مأخذ: همان.

جدول ۶، چارچوبی تحلیلی برای پیامدهای ناخواسته قوانین ارائه می‌دهد که بر شش معیار کلیدی متمرکز است: **شدت اثر**؛ میزان آسیب یا تغییر منفی در حوزه‌های غیرمستقیم ناشی از اجرای قانون، **دامنه اثرگذاری**؛ تعداد و تنوع افراد یا بخش‌هایی که از پیامد متأثر می‌شوند، **احتمال بروز**؛ پیش‌بینی‌پذیری پیامد ناخواسته براساس تجربه یا شبیه‌سازی، **اثر سرریزی**؛ گسترش پیامد به حوزه‌های سیاستی، جغرافیایی، زمانی یا اجتماعی فراتر از هدف مستقیم قانون و **نیاز به مداخله جبرانی**؛ ضرورت اقدامات تکمیلی یا حمایتی برای کاهش آثار منفی. درنهایت، **اثر قیمتی** قوانین، از تشدید تورم و فشار بر معیشت خانوارها تا بیماری هلندی در اقتصاد کلان، نشان می‌دهد که ارزیابی دقیق این پیامدها بخشی جدایی‌ناپذیر از تحلیل کیفیت قوانین است و می‌تواند از تکرار خطاهای پرهزینه در سیاستگذاری جلوگیری کند. این معیارها به تصمیم‌گیران کمک می‌کنند تا قوانین را نه‌تنها براساس نیت اولیه، بلکه با در نظر گرفتن تبعات پیش‌بینی‌نشده ارزشیابی و بازطراحی کنند.

جدول ۷. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «پیامدهای ناخواسته» در قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	شدت اثر	میزان تغییر منفی یا غیرمنتظره در حوزه‌های غیرمستقیم	قوانین ساختاری، اداری یا منابع انسانی که ممکن است منجر به خلأ یا تغییرات عمده شوند
۲	دامنه اثرگذاری	تعداد افراد، گروه‌ها یا سازمان‌هایی که از اثر ناخواسته متأثر می‌شوند	قوانین کلان اقتصادی و معیشتی با اثرگذاری وسیع بر جمعیت و صنایع گوناگون
۳	احتمال بروز	احتمال رخداد پیامد ناخواسته براساس شبیه‌سازی، ارزیابی کارشناسی یا تجارب پیشین	قوانین فناوریانه یا اجرایی جدید که ریسک‌پذیرند و نیاز به پیش‌بینی آثار دارند
۴	اثر سرریزی	انتقال پیامد به حوزه‌های فراتر، دیگر بخش‌ها، مناطق جغرافیایی، نسل‌های بعد یا گروه‌های غیرهدف	قوانین محیط‌زیستی، شهری، بهداشتی و حمل‌ونقل با آثار بلندمدت یا غیرمستقیم
۵	اثر جبرانی	آیا پیامد ناخواسته نیازمند مداخله ثانویه (مثلاً حمایت مالی یا تسهیل‌گرانه) برای جبران است؟	قوانین اصلاح ساختار اقتصادی یا صنعتی که ممکن است به اقشار آسیب‌پذیر فشار مضاعف وارد کنند
۶	اثر قیمتی	بررسی پیامدهای ناخواسته بر سطح قیمت‌ها، تورم یا دسترسی به کالا و خدمات	قوانین یارانه‌ای، انرژی، مسکن، کشاورزی، تنظیم بازار

مأخذ: همان.



جدول ۷ مجموعه‌ای از زیرشاخص‌های کلیدی برای «پیامدهای ناخواسته» قوانین را ارائه می‌دهد که هم دامنه و شدت آثار و هم ریسک و نیاز به مداخلات جبرانی را در نظر می‌گیرد. مقوله‌هایی مانند **شدت اثر** و **دامنه اثرگذاری** به ارزشیابی میزان تغییرهای منفی و گستردگی تأثیر بر افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها می‌پردازند و برای قوانین ساختاری، اداری یا کلان اقتصادی اهمیت دارند، زیرا پیامدهای غیرمستقیم می‌توانند خلأها یا نابرابری‌های جدی ایجاد کنند. **احتمال بروز**، به‌ویژه در قوانین فناورانه یا اجرایی جدید، امکان پیش‌بینی ریسک‌ها و طراحی ملاحظات پیشگیرانه را فراهم می‌کند. مقوله‌های **اثر سرریزی** و **اثر جبرانی** بر پیامدهای انتقالی به حوزه‌های دیگر یا نیاز به مداخله ثانویه تمرکز دارند و برای قوانین محیط‌زیستی، شهری، بهداشتی و اقتصادی که گروه‌های آسیب‌پذیر را تحت تأثیر قرار می‌دهند، حیاتی‌اند. نهایتاً، **اثر قیمتی** نشان‌دهنده پیامدهای مالی و اقتصادی قوانین است و برای حوزه‌هایی مانند یارانه، انرژی، مسکن و کشاورزی کاربرد دارد. به‌طور کلی، این چارچوب امکان شناسایی، پیش‌بینی و مدیریت پیامدهای ناخواسته را به شکل نظام‌مند و چندبعدی فراهم می‌کند و می‌تواند به بهبود طراحی و اجرای قوانین کمک کند. در بخش قبلی به «شاخص آثار ناخواسته» اشاره شد. برای پرهیز از هرگونه ابهام مفهومی، لازم است میان دو مقوله متمایز اما مرتبط تفاوت قائل شویم: «پیامدهای ناخواسته» و «آثار ناخواسته».

پیامدهای ناخواسته، به نتایجی غیرمقصود از اجرای قانون گفته می‌شود که در مرحله تدوین پیش‌بینی نشده‌اند، اما می‌توانند مثبت یا منفی باشند. این پیامدها معمولاً غیرمستقیم، دیر هنگام یا فرابخشی هستند و ریشه در پیچیدگی‌های سیستم اقتصادی-اجتماعی دارند؛ نه در رفتار عمدی کنشگران. برای نمونه، قانون هدفمندسازی یارانه‌ها (۱۳۸۸) که برای اصلاح نظام یارانه انرژی تدوین شد، پیامدهایی چون افزایش گسترده قیمت کالاها، فشار اقتصادی بر گروه‌های گوناگون و آسیب به صنایع کوچک را به دنبال آورد که نیازمند خط‌مشی‌های جبرانی در اقتصاد کلان شدند.

از سوی دیگر، آثار ناخواسته واکنش‌هایی هستند که در پاسخ به قانون و عمدتاً از سوی کنشگران (مردم، کسب‌وکارها و نهادها) بروز می‌کنند. این آثار، علاوه بر پیش‌بینی نشده بودن، با اهداف قانون در تضاد بوده و معمولاً برآمده از طراحی ضعیف، اجرای نادرست یا نادیده گرفتن بسترهای اجتماعی-اقتصادی هستند. برای نمونه، در قانون مالیات بر خانه‌های خالی (۱۳۹۹)، برخی مالکان با استفاده از روش‌های صوری نظیر ثبت اجاره‌نامه یا انتقال ساختگی مالکیت، به دور زدن قانون پرداختند. این رفتارهای انحرافی نه تنها هدف اصلی قانون (افزایش عرضه مسکن) را خنثی کرد، بلکه به کاهش اعتماد عمومی و افزایش پیچیدگی‌های نظارتی منجر شد.

بنابراین، تمایز اصلی در این است که «پیامد» به نتایج سیستمی و ساختاری اشاره دارد که مستقل از رفتار کنشگران پدید می‌آیند، در حالی که «اثر» به کنش‌های تطبیقی یا دورزننده کنشگران برمی‌گردد. هر دو مورد، ذیل عنوان کلی «نتایج پیش‌بینی نشده» قرار می‌گیرند و در فرایند «ارزشیابی آثار ناخواسته» (که پیش‌تر تعریف شد) لحاظ می‌شوند. این تمایز به شناسایی دقیق‌تر نوع مداخله جبرانی (سیستمی در برابر رفتاری) کمک می‌کند.

۴-۳. قوانین چگونه از منظر «تأثیر نهایی» ارزشیابی می‌شوند؟

ارزشیابی قوانین از منظر «تأثیر نهایی» یکی از بنیادی‌ترین مراحل ارزشیابی سیاستی و حقوقی است. این ارزشیابی فراتر از اثربخشی کوتاه‌مدت یا خروجی‌های عملیاتی عمل می‌کند و تمرکز آن بر تغییرهای ساختاری، بلندمدت و قابل‌تعمیم است که مستقیم یا غیرمستقیم به قانون مورد نظر نسبت داده می‌شود. «تأثیر» به معنای سنجش پیامدهای عمیق، پایدار و نظام‌مند ناشی از قانون است که در سطوح گوناگون جامعه، نهادها، رفتارها و ساختارها مشاهده می‌شود و می‌تواند مطلوب یا نامطلوب باشد. برای سنجش تأثیر قوانین، از معیارهای گوناگون ارزشیابی در جدول زیر استفاده می‌شود [۱۱]:

جدول ۸. زیرشاخص‌های ارزشیابی «تأثیر» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	تغییرهای ساختاری و نهادی	آیا قانون به بازآرایی در نظام‌ها، ساختارهای سازمانی یا ترتیبات نهادی منجر شده؟	هدف آیین‌نامه شورای عالی سلامت کشور و برنامه اصلاحات در نظام سلامت (مصوب ۱۳۸۲/۰۴/۰۴) <u>هیئت‌وزیران</u> ، بهبود دسترسی عمومی به خدمات درمانی و کاهش پرداخت از جیب مردم. تأثیر ساختاری «تصویب نامه در خصوص هزینه اجرای برنامه‌های تحول نظام سلامت مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۰ هیئت‌وزیران» در کوتاه‌مدت توانست رضایت عمومی را افزایش دهد و بار مالی مردم را کاهش دهد، اما از منظر تأثیر ساختاری و نهادی، با ایجاد نهادها و سازوکارهایی مانند نظام ارجاع و پزشک خانواده، تغییر در نقش وزارت بهداشت از ارائه‌کننده مستقیم تا خریدار راهبردی خدمت، بازتعریف نقش بیمه سلامت ایران، تغییرهای مهمی در معماری حکمرانی سلامت ایران ایجاد کرد. بالاین حال، تداوم این تغییرها منوط به اصلاحات مالی و تقویت نهادی بیمه‌ها و نظام ارجاع است.
۲	کاهش نابرابری‌ها	آیا پیامدهای قانون به بهبود فرصت‌های برابر منجر شده است؟	<u>آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱ هیئت‌وزیران</u> ، یکی از نمونه‌های برجسته قانونگذاری با هدف کاهش نابرابری ساختاری و افزایش عدالت اجتماعی است. بالاین حال، کیفیت اثرگذاری آن به‌شدت به نحوه اجرا، هماهنگی بین دستگاه‌ها و توانایی قانون در توانمندسازی پایدار بستگی دارد.
۳	توانمندسازی و ظرفیت‌سازی اجتماعی	آیا قانون موجب افزایش مشارکت مردم، آگاهی یا مهارت شده است؟	<u>قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی مصوب ۱۳۸۹/۲/۲۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی</u> ، با هدف تقویت اقتصاد خرد و اشتغال‌زایی پایدار، نقش مؤثری در توانمندسازی زنان، جوانان و خانوارهای محروم ایفا کرده است. این قانون از طریق آموزش مهارت‌های شغلی، ارائه مشاوره‌های کسب‌وکار، تأمین تسهیلات مالی خرد و ایجاد زیرساخت‌های بازاریابی، زمینه اشتغال مستقل را در بستر خانواده فراهم کرده است. به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین یا فاقد فرصت‌های شغلی رسمی، این خط‌مشی موجب افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کاهش وابستگی به نهادهای حمایتی شده است.
۴	تأثیر بر پایداری مالی و اقتصادی	آیا قانون توانسته منابع مالی پایدار برای اهداف خود ایجاد کند و بار مالی جدیدی بر بودجه عمومی یا نسل‌های آینده تحمیل نکند؟	<u>قانون هدفمند کردن یارانه‌ها (مصوب سال ۱۳۸۹)</u> : این قانون با هدف اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و کاهش فشار مالی دولت طراحی شده است. در کوتاه‌مدت درآمدهای هنگفتی از محل آزادسازی قیمت‌ها ایجاد کرده است، اما به‌دلیل نبود انضباط در تخصیص منابع و استفاده از درآمدها برای پرداخت نقدی یارانه‌ها، نتوانست پایداری مالی ایجاد کند و در بلندمدت فشار مضاعفی بر بودجه عمومی و تورم تحمیل کرده است.
۵	تأثیر بر نوآوری و فناوری	آیا قانون موجب تقویت نوآوری، فناوری‌های نو و بهبود بهره‌وری شده است؟	<u>قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات (مصوب سال ۱۳۸۹)</u> : این قانون زمینه‌ساز رشد استارت‌آپ‌ها، افزایش سرمایه‌گذاری، تجاری‌سازی ایده‌ها و توسعه فناوری‌های نو شده است. با ایجاد معافیت‌های مالیاتی، اعطای تسهیلات و حمایت از صادرات فناوری، بستری برای نوآوری در حوزه‌های گوناگون مانند بیوتکنولوژی، فناوری اطلاعات و نانوفناوری فراهم آورد. بالاین حال، موفقیت آن وابسته به بهبود محیط کسب‌وکار، کاهش موانع بوروکراتیک و توسعه بازارهای داخلی و بین‌المللی است.

مأخذ: همان.

مقوله‌های «تأثیر» قوانین، به بررسی پیامدهای بلندمدت و ساختاری خط‌مشی‌های عمومی می‌پردازد و مشخص می‌کند که آیا یک قانون توانسته است تغییری پایدار و نظام‌مند در ساختارهای حکمرانی، نابرابری‌های اجتماعی یا ظرفیت‌های مشارکت عمومی ایجاد کند یا نه. مقوله نخست یعنی «تغییرهای ساختاری و نهادی» عمدتاً در قوانین کلان اصلاحی یا نظام‌ساز مانند اصلاحات در نظام سلامت، آموزش، مالیه عمومی یا دولت الکترونیک اهمیت دارد؛ قوانینی که ساختارهای موجود را بازآرایی یا نهادهای جدیدی را خلق می‌کنند. مقوله دوم یعنی «کاهش نابرابری‌ها» بیشتر برای قوانین حوزه رفاه، حمایت اجتماعی، آموزش، یارانه‌ها و سلامت کاربرد دارد؛ به‌ویژه در مواردی که هدف، توانمندسازی اقشار محروم، زنان، کودکان یا گروه‌های کم‌برخوردار است. مقوله سوم یعنی «توانمندسازی و ظرفیت‌سازی اجتماعی» نیز برای قوانینی مناسب است که بر مشارکت مردمی، آموزش، مهارت‌آموزی، اقتصاد خرد و توسعه جامعه‌محور تمرکز دارند؛ مانند قوانین مشاغل خانگی، سواد رسانه‌ای، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد یا آموزش عمومی. این مقوله‌ها به‌ویژه برای ارزشیابی موفقیت قوانین در تحقق عدالت اجتماعی و حکمرانی مشارکتی حیاتی‌اند. در کنار آن، معیارهایی مانند «پایداری مالی و اقتصادی» بر اهمیت تداوم و امکان‌پذیری اجرای قانون بدون تحمیل بار سنگین بر منابع عمومی یا نسل‌های آینده تأکید می‌کنند. همچنین، «توجه به نوآوری و فناوری» بیانگر آن است که قوانین می‌توانند نقشی فعال



در هدایت جامعه به سمت توسعه علمی و افزایش بهره‌وری ایفا کنند. به‌طور کلی، این جدول چارچوبی تحلیلی فراهم می‌آورد که نشان می‌دهد «تأثیر» قوانین صرفاً در تحقق اهداف کوتاه‌مدت خلاصه نمی‌شود، بلکه در ظرفیت آنها برای ایجاد تغییرهای پایدار و آینده‌ساز در ساختارها، فرصت‌ها و مسیر توسعه کشور باید سنجیده شود.

جدول ۹. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «تأثیر» در قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	تغییرهای ساختاری و نهادی	بررسی اینکه آیا قانون به اصلاح ساختارهای سازمانی، بازآرایی ترتیبات حکمرانی منجر شده است.	قوانین اصلاح نظام سلامت، آموزش، نظام اداری، مالیه عمومی، دولت الکترونیک، محیط‌زیست، شفافیت، خط‌مشی‌گذاری کلان
۲	کاهش نابرابری‌ها	ارزیابی اینکه آیا قانون توانسته فرصت‌های برابر و کاهش شکاف‌های اجتماعی را به همراه آورد.	قوانین حمایت اجتماعی، بیمه‌های فراگیر، یارانه‌ها، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، آموزش فراگیر، عدالت جنسیتی
۳	توانمندسازی و ظرفیت‌سازی اجتماعی	سنجش میزان مشارکت‌پذیری، افزایش آگاهی عمومی، آموزش مهارت‌ها و کاهش وابستگی به نهادهای حمایتی.	قوانین مشاغل خانگی، توسعه آموزش فنی‌حرفه‌ای، سواد رسانه‌ای، حمایت از سمن‌ها، خط‌مشی‌های جوانان و زنان
۴	تأثیر بر پایداری مالی و اقتصادی	ارزیابی اینکه آیا قانون توانسته منابع مالی پایدار فراهم کند یا تعادل اقتصادی و بودجه‌ای ایجاد کند.	قوانین بودجه‌ریزی، مالیات، صندوق‌های بازنشستگی، یارانه‌های انرژی، خط‌مشی‌های کلان اقتصادی
۵	تأثیر بر نوآوری و فناوری	بررسی اینکه آیا قانون به توسعه دانش، ارتقای فناوری، حمایت از نوآوری و افزایش بهره‌وری منجر شده است.	قوانین حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، مالکیت فکری، فناوری‌های نوظهور (هوش مصنوعی، انرژی‌های نو)، توسعه اقتصاد دیجیتال

مأخذ: همان.

مقوله‌های «تأثیر» در قوانین، بر سنجش پیامدهای کلان و بلندمدت یک قانون تمرکز دارند و در پنج محور اصلی قابل تحلیل هستند: نخست، **تغییرهای ساختاری و نهادی** که مناسب برای قوانین نظام سلامت، آموزش، دولت الکترونیک و مالیه عمومی هستند؛ دوم، **کاهش نابرابری‌ها** که مناسب برای قوانین حمایت اجتماعی، بیمه، یارانه، عدالت جنسیتی و آموزش فراگیر؛ سوم، **توانمندسازی و ظرفیت‌سازی اجتماعی** که مناسب قوانین توسعه مشاغل خانگی، آموزش‌های مهارتی و حمایت از گروه‌های جوانان و زنان هستند. چهارم، **پایداری مالی و اقتصادی** به قابلیت قوانین در ایجاد منابع پایدار و جلوگیری از بحران‌های مالی اشاره دارد و درنهایت **تأثیر بر نوآوری و فناوری** به سنجش میزان هم‌سویی قانون با تحولات علمی و فناورانه می‌پردازد.

۵-۳. قوانین چگونه از منظر «پیامد» ارزشیابی می‌شوند؟

موضوع «ارزشیابی قوانین از منظر پیامد» یکی از ابعاد مهم در تحلیل خط‌مشی‌ها و قوانین است که به‌جای تمرکز بر نیت قانونگذار یا صرف اجرای قانون، بر نتایج واقعی و ملموس حاصل از قانون در زندگی مردم و نظام حکمرانی تمرکز دارد. این نوع ارزشیابی به این سؤال اساسی پاسخ می‌دهد: «آیا این قانون، در عمل، به بهبود معنادار در جامعه منجر شده است؟» ارزشیابی پیامدی بررسی می‌کند که آیا مداخله قانونی به دستاوردهای ملموس اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی یا فرهنگی منجر شده است؟ ذی‌نفعان واقعی آن، از قانون منتفع شده‌اند یا آسیب دیده‌اند؟ و آیا آثار آن پایدار و قابل‌گسترش هستند یا صرفاً موقتی و محلی بوده‌اند؟ این شاخص به ارزشیابی معیارهای کلیدی در جدول زیر می‌پردازد [۱۲]، [۱۳]:

جدول ۱۰. زیر شاخص‌های ارزشیابی «پیامد» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	تأثیر واقعی بر ذی‌نفعان اصلی	آیا گروه هدف از مزایای قانون بهره‌مند شده‌اند؟ آیا دسترسی گروه هدف به حمایت‌ها یا تسهیلات فراهم شده است؟ آیا موانع اداری، قانونی یا مالی آنها کاهش یافته است؟ آیا آنها در عمل، توانسته‌اند بهبود تجربه کنند؟	آیا <u>آیین‌نامه حمایت از شرکت‌های نوپا مصوب ۱۳۹۸/۲/۲۹ هیئت‌وزیران</u> ، واقعاً موانع کسب‌وکارهای خرد و استارت‌آپ‌ها را کاهش داده است؟ این قانون وعده‌هایی مانند حذف مجوزهای زائد، کاهش مالیات، اعطای تسهیلات بانکی یا حمایت حقوقی در برابر پلتفرم‌های بزرگ و ... می‌دهد اما در عمل باید بررسی شود؛ آیا واقعاً فروشندگان خرد آنلاین توانسته‌اند بدون فرایندهای زمان‌بر بوروکراسی مجوز بگیرند؟ آیا کارآفرینان جوان موفق به دریافت وام شده‌اند یا شرایط ضامن و وثیقه مانع شده؟ آیا میزان تعطیلی کسب‌وکارهای خرد پس از اجرای قانون کاهش یافته یا تغییری نکرده؟
۲	تغییرهای قابل سنجش در شاخص‌ها	آیا اجرای قانون به بهبود قابل‌سنجش در شاخص‌های مرتبط با مسئله هدف منجر شده است یا خیر؟ آیا مسئله‌ای که قانون برای حل آن طراحی شده، واقعاً کاهش یافته است؟ مثل کاهش فقر یا خشونت، افزایش رضایت عمومی یا بهبود نرخ اشتغال	با توجه به هدف « <u>لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت</u> » اگر تعداد تماس‌های گزارش خشونت به مراکز اورژانس اجتماعی، نیروی انتظامی یا دادسراها افزایش یابد، تغییر در نوع و شدت خشونت‌های گزارش شده (خشونت فیزیکی شدید یا آمار قتل‌های خانوادگی) کاهش یابد و زنان بیشتری از خدمات حمایتی استفاده کنند، یا اینکه نظرسنجی‌ها نشان دهند که آگاهی زنان درباره حقوق آنان افزایش یافته، می‌توان نتیجه گرفت که پیامد این قانون اجرا شده است.
۳	پایداری و دوام آثار	آیا آثار مثبت قانون در بلندمدت حفظ شده‌اند و به تغییرهای ساختاری و پایدار منجر شده‌اند یا موقتی بوده؟	<u>هدف قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی</u> کاهش آلودگی هوا در کلان‌شهرها از طریق اقدام‌های هماهنگ (نوسازی ناوگان، کاهش سوخت‌های فسیلی، معاینه فنی، استانداردسازی خودروها و...) است. نهادهای مسئول شامل وزارت کشور، سازمان محیط‌زیست، شهرداری‌ها، وزارت نفت، وزارت صمت و غیره. اما در عمل چه رخ داده است؟ قانون هوای پاک در ابتدا امیدواری‌هایی ایجاد کرد، اما به دلیل ضعف در زیرساخت پایدار، عدم تخصیص منابع دائمی و فقدان هماهنگی نهادی مؤثر، نوسازی ناوگان عمومی کند، نتوانسته است آثار بلندمدت و پایدار ایجاد کند.

مأخذ: همان.

جدول ۱۰، سه مقوله کلیدی برای **پیامد قوانین** را ارائه می‌دهد که به ترتیب بر تأثیر واقعی بر ذی‌نفعان، تغییرهای قابل سنجش در شاخص‌ها و پایداری آثار قانونی تمرکز دارند. نخست، مقوله «**تأثیر واقعی بر ذی‌نفعان**» نشان می‌دهد که قانون، تنها زمانی موفق محسوب می‌شود که گروه هدف نه فقط در نظریه، بلکه در عمل بتوانند به مزایای آن دست یابند، چه از طریق دسترسی به تسهیلات، چه کاهش موانع اجرایی. این نوع ارزشیابی به‌طور مستقیم به تجربه زیسته افراد مرتبط است و شاخص‌هایی چون نرخ دریافت مجوز، دریافت وام یا بقای کسب‌وکار را در برمی‌گیرد. در سطح دوم، مقوله «**تغییر در شاخص‌های قابل سنجش**» از رویکردی مبتنی بر داده استفاده می‌کند و بررسی می‌کند که آیا قانون، به کاهش مسئله‌ای که برای حل آن وضع شده، منجر شده است یا خیر. این مقوله می‌تواند بر مبنای داده‌های آماری مانند نرخ خشونت، میزان فقر، یا رضایت عمومی اجرا شود. درنهایت، مقوله «**پایداری آثار**» ناظر بر آن است که آیا آثار مثبت قانون در بلندمدت حفظ می‌شود یا صرفاً در کوتاه‌مدت نمود دارد. این بعد به پایداری نهادی، منابع مالی، نهادینه‌شدن اجرا و همراهی بین‌دستگاهی وابسته است. به‌طور کلی، این سه مقوله به هم پیوسته‌اند: قانونی که بر ذی‌نفعان اثر می‌گذارد و شاخص‌ها را بهبود می‌دهد، تنها در صورتی موفق نهایی است که این آثار در زمان تداوم یابند و ساختارمند شوند.



جدول ۱۱. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «پیامد» قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	تأثیر واقعی بر ذی‌نفعان اصلی	بررسی بهره‌مندی عملی گروه هدف از مزایا	قوانین حمایتی و تسهیلی برای گروه‌های خاص (مثل قانون حمایت از استارت‌آپ‌ها، زنان، اقشار محروم، کسب‌وکارهای خرد و خانگی کشاورزان)
۲	تغییرهای قابل سنجش در شاخص‌ها	ارزشیابی اثر قانون بر شاخص‌های اجتماعی یا اقتصادی	قوانین اجتماعی، آموزشی، سلامت، اشتغال، عدالت کیفری (قانون حمایت از کودکان، یا لایحه مقابله با خشونت خانگی)
۳	پایداری و دوام آثار	بررسی ماندگاری و اثر بلندمدت قانون	قوانین زیست‌محیطی، زیرساختی، اقتصادی کلان یا ساختاری (مانند قانون هوای پاک، قانون هدفمندی یارانه‌ها، قوانین انرژی یا برنامه‌های بلندمدت توسعه‌ای)

مأخذ: همان.

جدول ۱۱ سه معیار کلیدی برای پیامد قوانین را به‌خوبی دسته‌بندی می‌کند و نشان می‌دهد که هر مقوله برای چه نوع قوانینی مناسب‌تر است. **تأثیر واقعی بر ذی‌نفعان** برای قوانینی کاربرد دارد که با هدف حمایت عملی از گروه‌های خاص تدوین شده‌اند و موفقیت آنها وابسته به بهره‌مندی ملموس افراد هدف است. در مقابل، **تغییرهای قابل سنجش در شاخص‌ها** مقوله‌ای مناسب برای خط‌مشی‌های اجتماعی و عمومی است که به حل یک مسئله جمعی می‌پردازند و اثربخشی‌شان با داده‌های آماری سنجیده می‌شود. **پایداری و دوام آثار سنج‌های** برای ارزشیابی قوانین ساختاری، زیست‌محیطی یا کلان است که تأثیرات آنها باید در بلندمدت حفظ شود و نیازمند نهادسازی، منابع پایدار و هماهنگی نهادی هستند. این تمایز در کاربرد مقوله‌ها به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا متناسب با نوع قانون، روش ارزشیابی درست‌تری را انتخاب کنند.

۳-۶. قوانین چگونه از منظر «پاسخ‌دهی» ارزشیابی می‌شوند؟

موضوع «ارزشیابی قوانین از منظر پاسخ‌دهی» یکی از شاخص‌های مهم در تحلیل کیفیت حکمرانی و مشروعیت خط‌مشی‌هاست. تمرکز این شاخص بر آن است که بررسی شود؛ آیا نهادهای خط‌مشی‌گذار و اجرایی، نسبت به نتایج قانون در برابر ذی‌نفعان پاسخ‌گو هستند یا خیر؟ آیا قانون، بازخوردپذیر، شفاف و قابل ردیابی و ارزشیابی است؟ «پاسخ‌گویی» یعنی اینکه نهاد یا مقام عمومی، نسبت به تصمیم‌ها، اقدام‌ها و نتایج سیاستی خود، موظف به پاسخ‌گویی به مردم، نهادهای نظارتی یا گروه‌های ذی‌نفع باشد. در حوزه قوانین، این اصل در دو سطح اهمیت دارد:

- **پاسخ‌گویی در فرایند طراحی و تصویب قانون:** آیا نظرهای مردم و ذی‌نفعان در نظر گرفته شده است؟
- **پاسخ‌گویی در مرحله اجرا و ارزشیابی قانون:** آیا نتایج قانون شفاف است؟ آیا امکان بازخواست از مجری وجود دارد؟ آیا اصلاح‌پذیر است؟

برای سنجش ارزشیابی پاسخ‌دهی قوانین، از معیارهای زیر استفاده می‌شود [۱۴]، [۱۵]، [۱۶]:

جدول ۱۲. زیرشاخص‌های ارزشیابی «پاسخ‌دهی» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	شفافیت در اهداف و نتایج	آیا اهداف قانون به‌وضوح اعلام شده؟ آیا معیارهای موفقیت مشخص‌اند؟ آیا در متن قانون یا مستندات اجرای آن، به‌طور شفاف اعلام شده است که این قانون با چه هدفی وضع شده؟ چه نتایجی باید حاصل کند؟ چه شاخص‌هایی برای سنجش موفقیت آن وجود دارد؟	قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۴؛ اگرچه در مقدمه و ماده اول ^۱ خود اهداف کلی مانند «افزایش فرزندآوری، تسهیل ازدواج و کاهش سقط» را بیان کرده، اما مشخص نکرده است که این اهداف دقیقاً با چه شاخص‌هایی، در چه مدتی باید محقق شوند. برای مثال نگفته که نرخ مطلوب باروری باید به چه عددی برسد یا چه میزان از سقط‌های غیرقانونی باید کاهش یابد. به همین دلیل، شهروندان، رسانه‌ها و حتی نهادهای نظارتی نمی‌دانند که آیا قانون موفق بوده یا خیر، نهادهای اجرایی مثل وزارت بهداشت یا آموزش و پرورش نیز در قبال عملکرد خود، به‌راحتی قابل پاسخ‌گویی نیستند. این نبود شفافیت در معیارهای سنجش، یکی از موانع اصلی پاسخ‌گویی در اجرای قانون است.
۲	وجود سازوکار پاسخ‌گویی رسمی	آیا نهادی مشخص پاسخ‌گوی عملکرد قانون است؟ آیا این نهاد مکلف است به شکل رسمی (مثلاً سالیانه، فصلی یا موردی) به نهادهای نظارتی، افکار عمومی یا مجلس گزارش دهد و عملکرد خود را توضیح دهد؟ آیا مجری قانون موظف به ارائه گزارش، توضیح عملکرد یا پاسخ به نهادهای نظارتی است؟	در قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی، سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان نهاد مسئول تعیین شده است. ماده (۳) ^۲ این قانون، دولت را موظف کرده است که هر سال گزارشی از اقدام‌های انجام‌شده برای اجرای قانون را به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. همچنین، سازمان برنامه‌وبودجه و وزارت کشور نیز موظف به همکاری و گزارش‌دهی شده‌اند. این ساختار باعث شده قانون از نظر پاسخ‌گویی نهادی وضعیت بهتری داشته باشد. البته در عمل هنوز ضعف‌هایی در اجرای این ماده‌ها دیده می‌شود، اما مبنای نظارت قانونی فراهم است. از طرف دیگر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۴، اگرچه نهادهایی مانند دبیرخانه ستاد ملی جمعیت، وزارت بهداشت، وزارت راه و سایر دستگاه‌ها را به‌عنوان مجری معرفی کرده است، اما فاقد الزام روشن و مشخص برای گزارش‌دهی منظم به نهادهای نظارتی یا عموم مردم است؛ به همین دلیل، مسئولیت پاسخ‌گویی نهادی در عمل مبهم باقی مانده است. ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ است که نه نهاد مشخصی را به‌عنوان مسئول اجرای قانون تعیین کرده و نه الزام قانونی برای گزارش‌دهی و پاسخ‌گویی در نظر گرفته است. این خلأ نهادی و بی‌پاسخ‌گویی، یکی از اصلی‌ترین عوامل ناکامی در اجرای مؤثر و عادلانه این قانون در طول بیش از یک دهه گذشته بوده است.

۱. ماده (۱) - در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و بندهای «۴۵»، «۴۶» و «۷۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و ماده (۴۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ موضوع اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سند جمعیت و تعالی خانواده و مواد (۷۲)، (۹۴)، (۱۰۲)، (۱۰۳)، (۱۰۴) و (۱۲۳) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، احکام مقرر در این قانون با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی لازم‌الاجرا است.

۲. ماده (۳) - به منظور نظارت و هماهنگی جهت مناسب‌سازی و همچنین نظارت بر اجرای ماده (۲) این قانون، ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب‌سازی کشور به شرح زیر تشکیل می‌گردد:

- ۱- وزیر کشور یا معاون ذی‌ربط (رئیس)،
- ۲- رئیس سازمان (دبیر)،
- ۳- معاون ذی‌ربط وزارت راه و شهرسازی،
- ۴- معاون ذی‌ربط وزارت صنعت، معدن و تجارت،
- ۵- معاون ذی‌ربط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،
- ۶- معاون ذی‌ربط وزارت آموزش و پرورش،
- ۷- معاون ذی‌ربط سازمان برنامه‌وبودجه،
- ۸- معاون ذی‌ربط سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی)
- ۹- معاون ذی‌ربط بنیاد شهید و امور ایثارگران،
- ۱۰- نماینده تشکلهای غیردولتی جانبازان (به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی)،
- ۱۱- نماینده شبکه‌های ملی تشکلهای مردم نهاد معلولان (به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی)،
- ۱۲- رئیس شورای عالی استان‌ها (به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی)،
- ۱۳- نماینده سایر دستگاه‌های دولتی حسب مورد بنا به دعوت رئیس ستاد.



ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۳	بازخوردپذیری و مشارکت ذی‌نفعان	آیا گروه‌های هدف و ذی‌نفعان اصلی قانون (مثلاً معلولان، زنان، کسب‌وکارهای خرد، معلمان، دانش‌آموزان و...)، در تدوین یا اصلاح آن مشارکت داشته‌اند؟ آیا قانون با مشورت عمومی تدوین شده؟ آیا قانون امکان بازنگری براساس نتایج و پیامدهای اجرایی را دارد؟	قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی، نمونه‌ای موفق از مشارکت ذی‌نفعان در فرایند قانونگذاری است، زیرا در تدوین آن سازمان‌های مردم‌نهاد و خود افراد دارای معلولیت به‌صورت فعال از طریق جلسات مشورتی و پیشنهادهای رسمی نقش داشتند. در مقابل، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، عمدتاً در فضای دولتی و رسمی طراحی شد و گروه‌های اجتماعی مهم مانند زنان، جامعه پزشکی و متخصصان سلامت در فرایند تدوین آن مشارکت مؤثری نداشتند؛ همین مسئله به بروز انتقادهای جدی در مرحله اجرا منجر شد. در نهایت قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی نیز گرچه در زمان تدوین، از مشارکت نسبی نهادهای رسانه‌ای و پژوهشگران برخوردار بود، اما از منظر بازنگری مستمر و سازوکار اصلاح بر پایه تجربه‌های اجرایی، ضعیف باقی مانده و در طول زمان تغییر چندانی نکرده است. این مقایسه نشان می‌دهد نبود مشارکت واقعی ذی‌نفعان و ناتوانی در بازنگری قوانین می‌تواند بر پاسخ‌گویی آنها اثر منفی بگذارد.
۴	قابلیت پایش عمومی	آیا اجرای قانون به‌درستی مستندسازی شده؟ آیا داده‌های اجرایی (مثل آمار، گزارش‌های عملکرد و ارزیابی سالیانه) در سایت‌های رسمی، سامانه‌های اطلاعاتی یا رسانه‌های عمومی منتشر شده‌اند؟ آیا نهادهای مستقل (مثلاً پژوهشگران، خبرنگاران یا نهادهای مدنی) به این داده‌ها دسترسی دارند؟	قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی، گرچه به‌طور رسمی دستگاه‌های عمومی را موظف به انتشار اطلاعات اجرایی کرده و سامانه‌ای برای آن (foi.gov.ir) راه‌اندازی شده است، اما در عمل بسیاری از نهادهای اطلاعات را ناقص، با تأخیر یا اصلاً منتشر نمی‌کنند.
۵	گزارش‌دهی	آیا نهادهای مسئول اجرای قانون موظف‌اند گزارش عملکرد خود را به‌صورت دوره‌ای (سالیانه، فصلی یا موردی) ارائه دهند؟ آیا این گزارش‌ها قابل دسترس هستند؟ آیا عموم مردم می‌دانند این قانون چه می‌خواهد انجام دهد و چگونه سنجیده می‌شود؟	قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰، در ماده (۳) سازمان بهزیستی را موظف به ارائه گزارش سالیانه به مجلس کرده است؛ در مقابل قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی فاقد چنین سازوکاری است.

مأخذ: همان.

جدول معیارهای پاسخ‌دهی قوانین نشان می‌دهد که پاسخ‌گویی تنها با تعیین نهاد مجری حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند شفاف‌سازی اهداف، مشارکت مؤثر ذی‌نفعان، سازوکارهای الزام‌آور گزارش‌دهی و فراهم کردن امکان پایش عمومی است. اگرچه برخی قوانین مانند قانون حمایت از حقوق معلولان از نظر مشارکت ذی‌نفعان و تعیین نهاد مسئول وضعیت مناسبی دارند، اما نبود شاخص‌های روشن برای موفقیت و ضعف در مستندسازی اجرا، پاسخ‌گویی را محدود می‌سازد. در مقابل، قوانینی مانند هدفمندی یارانه‌ها یا جوانی جمعیت، به دلیل نبود شفافیت هدف، نهاد پاسخ‌گو و دسترسی عمومی به داده‌ها، عملاً از چرخه پاسخ‌گویی خارج شده‌اند. این تحلیل نشان می‌دهد که پاسخ‌گویی مؤثر مستلزم یک معماری نهادی دقیق، شفافیت داده‌بنیاد و مشارکت واقعی در فرایند خط‌مشی‌گذاری است.

جدول ۱۳. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «پاسخ‌دهی» قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	شفافیت در اهداف و نتایج	امکان‌سنجی موفقیت قانون و تسهیل نظارت عمومی و رسانه‌ای	قوانین اجتماعی و فرهنگی، جمعیتی، رفاهی و حمایتی (مثل قانون جوانی جمعیت، قانون حمایت از خانواده)
۲	وجود سازوکار پاسخ‌گویی رسمی	ایجاد مسئولیت‌پذیری نهادی و امکان نظارت قانونی	قوانین چندبخشی با نهادهای متعدد مسئول (مثل قانون هوای پاک)
۳	بازخوردپذیری و مشارکت ذی‌نفعان	ارتقای مشروعیت قانون و افزایش انطباق با نیازهای واقعی جامعه	قوانین مرتبط با حقوق اقلیت‌ها، اقشار خاص یا صنوف خاص (مثل معلولان، زنان، کشاورزان، کسب‌وکارها)
۴	قابلیت پایش عمومی	فراهم کردن امکان نظارت عمومی و شفافیت عملکرد	قوانینی که نیاز به نظارت عمومی و داده‌محوری دارند، مانند قوانین شفافیت و دسترسی به اطلاعات
۵	گزارش‌دهی	تضمین پاسخ‌گویی مستمر و مستندسازی عملکرد	قوانین با اجرای چنددستگاهی یا آثار گسترده اجتماعی و اقتصادی

مأخذ: همان.

جدول مقوله‌های «پاسخ‌دهی» قوانین نشان می‌دهد که هر مقوله در نوع خاصی از قوانین اهمیت و کارکرد ویژه‌ای دارد؛ برای مثال، «شفافیت در اهداف و نتایج» در قوانین اجتماعی و حمایتی اهمیت مضاعف دارد، زیرا بدون تعریف روشن اهداف و شاخص‌ها، امکان ارزشیابی اثربخشی این قوانین برای ناظران و افکار عمومی فراهم نمی‌شود. از سوی دیگر، وجود «سازوکار پاسخ‌گویی رسمی» در قوانینی که چندین نهاد اجرایی دارند، نظیر قوانین محیط‌زیستی یا توسعه‌ای، برای جلوگیری از شانه خالی کردن نهادها از مسئولیت حیاتی است. «مشارکت ذی‌نفعان» نیز به‌ویژه در قوانینی که بر زندگی یا حقوق گروه‌های خاص اثر می‌گذارند، به مشروعیت و کارآمدی آن کمک می‌کند. درنهایت، «قابلیت پایش عمومی» شرط کلیدی برای شفافیت، نظارت مستقل و جلوگیری از انحراف‌های اجرایی است، به‌خصوص در قوانینی که با تخصیص منابع، توزیع مزایا یا عدالت اجتماعی سروکار دارند. این چهار مقوله مکمل یکدیگرند و درمجموع، پایه‌های پاسخ‌گویی مؤثر و دموکراتیک را شکل می‌دهند.

۷-۳. قوانین چگونه از منظر «امکان‌سنجی» ارزشیابی می‌شوند؟

امکان‌سنجی در ارزشیابی قوانین یعنی بررسی اینکه آیا منابع، ظرفیت‌ها، زیرساخت‌ها، اراده سیاسی و شرایط اجتماعی برای اجرای مؤثر قانون فراهم است. بسیاری از قوانین در مرحله تصویب خوب طراحی می‌شوند اما در مرحله اجرا شکست می‌خورند چون از ابتدا، امکان‌پذیری واقعی اجرای آنها لحاظ نشده است. موضوع «امکان‌سنجی قوانین» یکی از حلقه‌های گمشده در نظام قانونگذاری است. بسیاری از قوانین، بدون توجه به واقعیت‌های اجرایی تصویب می‌شوند و بعداً یا اجرا نمی‌شوند، یا به‌طور ناقص اجرا می‌شوند. بررسی امکان‌سنجی نه تنها به افزایش اثربخشی و کارآمدی قوانین کمک می‌کند، بلکه از هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از قوانین غیرقابل اجرا جلوگیری می‌کند. این شاخص به ارزشیابی چهار معیار کلیدی می‌پردازد [۱۷]، [۱۸]، [۱۹]، [۲۰]:



جدول ۱۴. زیرشاخص‌های ارزشیابی «امکان‌سنجی» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	قابلیت اجرایی نهادی	آیا نهاد متولی مشخص، دارای اختیارات و ظرفیت کافی برای اجرا وجود دارد؟	«قانون دائمی نمودن قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی» با هدف ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی، و کاهش فساد در دستگاه‌های اجرایی تدوین شد، اما در عمل، به دلیل ضعف در «قابلیت اجرایی نهادی» به اهداف خود نرسید. اگرچه این قانون به نهادهایی مانند «هیئت‌عالی ارتقای سلامت اداری» و سازمان‌های نظارتی چون بازرسی کل کشور اشاره کرده، اما این نهادها فاقد اختیارات اجرایی الزام‌آور بوده و نقش آنها صرفاً در حد ناظر یا مشاور باقی ماند. علاوه بر آن، نهادهای مجری، از منظر ظرفیت انسانی، فناوری گزارش‌گیری و دسترسی به اطلاعات بین‌دستگاهی با محدودیت مواجه بودند. مهم‌تر از همه، وجود تعارض منافع در برخی نهادهای مسئول، که خود ممکن بود بخشی از فساد یا وضعیت موجود باشند، باعث شد قانون به ابزاری ناکارآمد تبدیل شود. بنابراین، علی‌رغم صراحت و گستردگی محتوای قانونی، فقدان نهادی مقتدر، مستقل و پاسخ‌گو باعث شد این قانون در عمل ناکام بماند و اجرای آن در سال‌های بعد عملاً به حاشیه رانده شود.
۲	کفایت منابع مالی و انسانی	آیا منابع بودجه‌ای و نیروی انسانی متخصص برای اجرای قانون تأمین شده است؟	نقشه تحول نظام سلامت و دستورالعمل برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع در مناطق شهری مصوب ۱۳۹۱/۱/۱۶ هیئت وزیران، به عنوان یکی از ارکان کلیدی اصلاح نظام سلامت در بسیاری از مناطق محروم و روستایی، به دلیل کمبود پزشک عمومی، به‌ویژه پزشک بومی، امکان استقرار تیم سلامت ناکام ماند. از سوی دیگر، تخصیص‌های بودجه‌ای طرح در سطح ملی ناپایدار و پراکنده بود و در مواردی با تأخیر شدید پرداخت می‌شد. نبود نظام پرداخت منسجم به پزشکان و مراکز بهداشتی موجب کاهش انگیزه برای مشارکت در طرح شد. علاوه بر آن، نظام آموزشی کشور نیز در آن زمان ظرفیت کافی برای تربیت گسترده پزشکان خانواده با مهارت‌های عمومی و بومی محور نداشت. بنابراین، به‌رغم خط‌مشی‌گذاری درست، شکست اجرای فراگیر طرح، ناشی از ناهماهنگی منابع انسانی و مالی با الزامات اجرایی آن بود.
۳	پذیرش اجتماعی و مقاومت ذی‌نفعان	آیا گروه‌های ذی‌نفع با اجرای قانون همراهی می‌کنند یا در برابر آن مقاومت دارند؟	قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها (مصوب سال ۱۴۰۳)، در عمل با چالش جدی در سطح «پذیرش اجتماعی و مقاومت ذی‌نفعان» مواجه گردید. مالکان عمده، به‌ویژه سرمایه‌گذاران و بانک‌ها، با ثبت نکردن اطلاعات صحیح در سامانه املاک و اسکان و پنهان‌سازی وضعیت واقعی واحدها، به‌طور پنهان مقاومت کردند. همچنین، برخی نهادهای اجرایی مانند شهرداری‌ها و سازمان ثبت اسناد، به دلایل فنی یا تعارض منافع، در همکاری با وزارت راه و تبادل داده‌ها تعلل ورزیدند. دلایلی چون ترس از کاهش ارزش دارایی، بی‌اعتمادی به حاکمیت در بهره‌برداری از داده‌ها و نبود مشوق‌های اقتصادی کافی، به این مقاومت دامن زد. در نتیجه، با وجود فراهم بودن برخی زیرساخت‌های فنی، این قانون به دلیل عدم همراهی اجتماعی و نهادی، در تحقق اهداف خود ناکام ماند و تأثیر محسوسی بر بازار مسکن نداشت.
۴	قابلیت زمان‌بندی و مرحله‌بندی اجرا	آیا اجرای قانون در مراحل تدریجی یا در بازه‌های منطقی قابل تحقق است؟	تدوین «سند تحول دیجیتال» و نقشه راه اجرای آن در سطح ملی، با هدف بهبود شفافیت، تسهیل خدمات و افزایش کارایی دستگاه‌ها اجرا شد، اما به دلیل نداشتن زمان‌بندی و تقسیم‌بندی مراحل اجرا به صورت دقیق و روشن، با مشکلاتی مواجه شده است. یکی از ضعف‌های اصلی آن عدم تفکیک مراحل عملیاتی بود. این طرح بدون آنکه مسیر تدریجی تحقق آن (مثلاً ابتدا زیرساخت‌ها، سپس داده‌سازی، آنگاه خدمات‌محور شدن دستگاه‌ها) به‌روشنی تعریف شود، هم‌زمان از تمام دستگاه‌ها انتظار داشت که فرایندهای دیجیتالی را اجرایی کنند. این رویکرد باعث سردرگمی دستگاه‌ها، تداخل پروژه‌ها و ناهماهنگی در اختصاص منابع شد. همچنین نبود اولویت‌بندی بین بخش‌های گوناگون دولت (مثلاً خدمات عمومی پرکاربرد، حوزه‌های پرریسک یا مناطق محروم) سبب شد پروژه‌های کلیدی به تعویق بیفتد یا بخش‌هایی از طرح، مثل درگاه خدمات یکپارچه یا اتصال سامانه‌ها، با تأخیر طولانی یا نیمه‌کاره مانده‌اند.

مأخذ: همان.

در امکان‌سنجی قوانین، یکی از مقوله‌های کلیدی «قابلیت زمان‌بندی و فازبندی اجرا» است؛ یعنی اینکه آیا قانون به‌گونه‌ای طراحی شده که بتوان آن را به‌صورت مرحله‌ای، تدریجی و منطقی اجرا کرد یا خیر. برای مثال، در طرح کلان دولت الکترونیکی، با وجود اهداف بلندپروازانه در زمینه شفافیت، تسهیل خدمات و یکپارچه‌سازی سامانه‌ها، فقدان تقویم اجرایی مرحله‌ای و تفکیک واضح مراحل اجرا (مثل اول زیرساخت، بعد داده‌سازی، سپس اتصال سامانه‌ها و ارائه خدمات) باعث شد دستگاه‌ها با سردرگمی، اولویت‌گذاری متفاوت و ناهماهنگی در تخصیص منابع مواجه شوند. این مسئله اجرای برخی پروژه‌های حیاتی را به تعویق انداخت و بخش‌هایی از طرح را ناکارآمد یا ناتمام باقی گذاشت. بنابراین، برای قوانین پیچیده و چندمرحله‌ای به‌ویژه در حوزه فناوری یا اصلاحات ساختاری، زمان‌بندی دقیق و فازبندی منطقی، شرط لازم موفقیت و ارزشیابی‌پذیری است.

جدول ۱۵. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «امکان‌سنجی» در قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	قابلیت اجرایی نهادی	بررسی وجود نهاد مشخص، دارای اختیارات کافی و ظرفیت مناسب برای اجرای قانون	قوانین تنظیم‌گر در سطح ملی
۲	کفایت منابع مالی و انسانی	سنجش هماهنگی منابع مالی و انسانی با الزامات اجرای قانون	قوانین حوزه سلامت، آموزش، رفاه اجتماعی
۳	پذیرش اجتماعی و مقاومت ذی‌نفعان	بررسی میزان همراهی یا مقاومت گروه‌های ذی‌نفع در برابر قانون	قوانین مالیاتی، یارانه‌ای، بازتوزیعی، محیط‌زیستی، قوانین ناظر بر اصلاح بازارها یا سرمایه‌گذاری
۴	قابلیت زمان‌بندی و فازبندی اجرا	ارزیابی اینکه آیا اجرای قانون قابل تقسیم به مراحل و فازهای اجرایی هست	قوانین فناوری‌محور، پروژه‌های ملی چندبخشی و بین‌دستگاهی

مأخذ: همان.

در تحلیل امکان‌سنجی قوانین، چهار معیار کلیدی شناسایی می‌شود که هر یک نقش مهمی در ارزشیابی قابلیت اجرایی و اثربخشی یک قانون ایفا می‌کنند. نخست، «قابلیت اجرایی نهادی» است که در مورد قوانین تنظیم‌گر و سطح ملی مصداق پیدا می‌کند. دوم، «کفایت منابع مالی و انسانی» است که در حوزه‌هایی چون سلامت، آموزش و رفاه اجتماعی کاربرد فراوان دارد. سوم، «پذیرش اجتماعی و مقاومت ذی‌نفعان» برای قوانین مالیاتی، بازتوزیعی، محیط‌زیستی یا اصلاح‌گر بازار اهمیت بالایی دارد. درنهایت، «قابلیت زمان‌بندی و فازبندی اجرا» سنج‌های برای بررسی امکان اجرای تدریجی قانون است و در قوانین فناوری‌محور، پروژه‌های ملی پیچیده و طرح‌های بین‌دستگاهی بیشترین کاربرد را دارد. این مقوله‌ها در کنار هم تصویری واقع‌گرایانه از امکان تحقق یک قانون در بستر اجرایی کشور ارائه می‌دهند.

۸-۳. قوانین چگونه از منظر «ظرفیت نهادی/اداری» ارزشیابی می‌شوند؟

«ظرفیت نهادی/اداری» یکی از شاخص‌های مهم در ارزشیابی کیفیت و قابلیت اجرای قوانین است و در واقع به این سؤال پاسخ می‌دهد که «آیا نظام اداری و نهادی کشور توانایی، ابزار، منابع و سازماندهی لازم برای اجرای مؤثر قانون مورد نظر را دارد یا نه؟» ظرفیت نهادی به میزان آمادگی، هماهنگی و توان نهادهای دولتی و عمومی برای اجرای یک قانون یا خط‌مشی عمومی اشاره دارد. این ظرفیت ترکیبی است از ساختارهای اداری مؤثر (سازمان‌ها، روابط، منابع)؛ قواعد و فرایندهای رسمی (رویه‌ها، دسترسی به اطلاعات، پاسخ‌گویی)؛ منابع انسانی و فنی کافی (نیروی کار متخصص، فناوری اطلاعات)؛ هماهنگی بین‌سازمانی و قابلیت همکاری بین نهادها. برای سنجش ارزشیابی ظرفیت نهادی/اداری قوانین، از معیارهای زیر استفاده می‌شود [۲۱]، [۲۲]، [۲۳]، [۲۴]:



جدول ۱۶. زیرشاخص‌های ارزشیابی «ظرفیت نهادی / اداری» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	تعیین نهاد متولی	شفافیت در تعیین مسئول اصلی اجرا و نظارت، به‌جای واگذاری کلی به «دستگاه‌های ذی‌ربط»	در سیاست‌ها و اقدام‌های ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی (مصوب جلسات شماره ۳۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۱، شماره ۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۹، شماره ۳۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۷، شماره ۳۹ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ و شماره ۴۰ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۳ شورای عالی فضای مجازی) مصوب ۱۳۹۶/۳/۱۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در ماده (۴) تنها به «شورای عالی فضای مجازی» و «دستگاه‌های ذی‌ربط» اشاره شده بود، بدون تعیین اینکه چه نهادی متولی اجراست و چه نهادی ناظر.
۲	الزام به ظرفیت‌سازی انسانی	تصریح در متن قانون برای آموزش، توانمندسازی و تربیت نیروی متخصص مرتبط با اجرا	آیین‌نامه حمایت از شرکت‌های نوپا مصوب ۱۳۹۸/۲/۲۹ هیئت وزیران، سازمان اجرایی: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری بررسی کمی: این معاونت دفترهای تخصصی دارد، اما تعداد نیروهای فنی در استان‌ها برای پشتیبانی از استارت‌آپ‌ها بسیار محدود است. بررسی کیفی: بسیاری از کارشناسان دولتی تجربه اجرایی یا دانش کافی از مدل کسب‌وکارهای نوین ندارند. دوره‌های آموزشی هم محدود برگزار شده‌اند. در نتیجه اجرای فراگیر و اثربخش این قانون به دلیل نبود ظرفیت کیفی در نیروی انسانی، به‌ویژه در استان‌ها با چالش روبه‌روست.
۳	پیش‌بینی منابع مالی پایدار در متن قانون	وجود احکام صریح درباره تأمین مالی و سازوکار پایدار آن، نه صرفاً ارجاع به بودجه‌های سنواتی	در ماده (۵) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، «دولت مکلف است صددرصد تخفیف‌های مربوط به پروانه ساختمانی را از محل منابع عمومی در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی نماید». پیش‌بینی مالی در متن قانون آمده، اما در عمل، در بودجه‌های سال‌های بعد، ردیف مشخصی برای جبران این تخفیف‌ها برای شهرداری‌ها در بسیاری از مناطق دیده نشده. در نتیجه اجرای قانون در برخی شهرها متوقف یا ناپایدار شده چون شهرداری‌ها بدون تأمین مالی، حاضر به اعطای تخفیف نیستند.
۴	پیش‌بینی نظام داده‌محور برای پایش	الزام قانون به ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی شفاف برای رصد و گزارش‌دهی	«قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۰۶ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی، نیازمند سامانه شفافیت اطلاعات قراردادهای دولتی بود؛ اما نبود داده‌های باز و قابل اتکا، اجرای قانون را محدود کرده است.
۵	الزامات فنی و زیرساختی در قانون	تصریح قانون به توسعه و پشتیبانی فنی فناوری برای اجرا	قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۴۰۰/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی الزام قانونی: ارسال سیستمی صورت‌حساب‌ها، ثبت لحظه‌ای معاملات در سامانه مالیاتی. بررسی نشان می‌دهد بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک به سامانه‌ها دسترسی ندارند. شبکه زیرساختی برخی شهرها ضعیف است. در نتیجه اجرای بخشی از قانون با تأخیر، نیاز به مرحله‌بندی و تمدید مهلت‌هاست.
۶	یکپارچگی نهادی	پیش‌بینی کارگروه‌ها یا ساختارهای رسمی هماهنگی و ضمانت اجرای آنها	قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی نهادهای مسئول: وزارت نیرو، وزارت صمت، وزارت کشور، شهرداری‌ها، سازمان محیط‌زیست و غیره. سازوکار هماهنگی: «کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا» با دبیری سازمان محیط‌زیست. ارزشیابی نشان می‌دهد ساختار وجود دارد، اما ضمانت اجرایی مصوبات آن ضعیف است. بسیاری از دستگاه‌ها همکاری نمی‌کنند یا مسئولیت‌پذیر نیستند. در نتیجه با وجود ساختار رسمی، نبود اختیارات کافی باعث ناهماهنگی و اجرای ضعیف شده است.

۱. مرکز ملی فضای مجازی مصوبات کارگروه‌های موضوع بندهای «۱-۱» و «۳-۱» ماده (۲) را بررسی و در صورت مغایرت با سیاست‌ها و مصوبات شورای عالی فضای مجازی، مراتب را برای اصلاح به کارگروه مربوط منعکس می‌کند.

۲. ماده (۵) - به منظور تحقق بند «ج» ماده (۱۰۲) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دستگاه‌های اجرایی مکلفند برای تأمین و ارتقای کیفیت مسکن، پایان کار و عوارض ساخت و ساز، کلیه هزینه‌های تخصیص شبکه، انشعابات و هزینه‌های خدمات نظام مهندسی را به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) برای خانواده‌های دارای سه فرزند زیر بیست سال و به میزان هفتاد درصد (۷۰٪) برای خانواده‌های دارای حداقل چهار فرزند زیر بیست سال برای یک مرتبه و هزینه پروانه و عوارض ساختمانی را به میزان ده درصد (۱۰٪) برای خانواده‌های دارای حداقل سه فرزند زیر بیست سال تخفیف دهند. دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) تخفیف‌های مربوط به پروانه ساختمانی را از محل منابع عمومی در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی نماید.

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۷	اعتماد نهادی	توجه قانون به فرهنگ نهادی و مشارکت ذی‌نفعان برای پذیرش و اجرای موفق	<u>آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۲ هیئت‌وزیران</u> با وجود الزام به گارانتی، بسیاری از مصرف‌کنندگان به دلیل نبود اعتماد نهادی، پیگیری حقوق خود را انجام نمی‌دهند.
۸	شفافیت نهادی	الزام قانون به گزارش‌دهی دوره‌ای، دسترسی عمومی و وضوح وظایف نهادها	<u>قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی</u> ، دستگاه‌ها را به پاسخ‌گویی شفاف تکلیف می‌کند، اما بسیاری از نهادها به دلیل نبود رویه اجرایی، گزارش‌دهی مناسبی ندارند.
۹	چابکی و انعطاف نهادی	توانایی دستگاه‌ها برای انطباق با تغییر شرایط و اصلاح رویه‌ها، امکان بازنگری سریع آیین‌نامه‌ها و مقررات	<u>قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی</u> ، نشان می‌دهد ساختارهای نهادی فاقد چابکی لازم برای هماهنگی با تغییرات سریع فناوری هستند.

مأخذ: همان.

مقوله‌های «**ظرفیت نهادی / اداری**» قوانین شامل وجود نهاد اجرایی مشخص با مأموریت روشن (مانند مصوبه شورای عالی فضای مجازی سال ۱۳۹۶ که نهاد متولی اجرا مشخص نبود)، کفایت کمی و کیفی منابع انسانی (مثلاً در آیین‌نامه حمایت از شرکت‌های نوپا سال ۱۳۹۸ که معاونت علمی نیروی فنی کافی و آموزش‌های لازم در استان‌ها نداشت)، پیش‌بینی و تخصیص منابع مالی پایدار (مانند ماده (۵) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مصوب سال ۱۴۰۰ که منابع مالی در بودجه سال‌های بعد تخصیص نیافت و اجرای قانون متوقف شده است)، آمادگی زیرساخت فنی سامانه‌های اطلاعاتی و فناوری برای پشتیبانی از اجرا (مانند قانون مالیات بر ارزش افزوده که بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک به سامانه‌ها دسترسی ندارند و اجرای قانون با تأخیر مواجه شده است) و وجود سازوکار رسمی برای هماهنگی بین‌سازمانی (مثل کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا در قانون هوای پاک سال ۱۳۹۶ که ضمانت اجرایی ضعیف داشت و همکاری دستگاه‌ها ناکافی بود) است که همه این موارد بر موفقیت یا شکست اجرای قوانین تأثیرگذارند.

مقوله‌های ارائه شده از نهاد اجرایی مشخص، منابع انسانی، مالی، اطلاعاتی و زیرساخت فنی گرفته تا هماهنگی بین‌سازمانی، پذیرش اجتماعی، شفافیت، پاسخ‌گویی، چابکی، پایداری و انسجام سیاستی همگی ابعادی را پوشش می‌دهند که در صورت ضعف هر یک، اجرای قانون با چالش جدی مواجه می‌شود. **مرور مثال‌های قوانین گوناگون نیز نشان می‌دهد که مشکل عمده قوانین بیش از آنکه در سطح «وضع» باشد، در سطح «اجرا» ریشه دارد؛** یعنی فقدان تخصیص منابع کافی، ضعف هماهنگی نهادی، کمبود نیروی انسانی متخصص و فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی، عملاً ظرفیت اداری را کاهش داده و موجب ناپایداری اجرای قوانین می‌شود. از این منظر، ارزشیابی ظرفیت نهادی / اداری نه تنها ابزار تشخیص موانع اجرا بلکه مبنای طراحی اصلاحات ساختاری در نظام قانونگذاری و حکمرانی به شمار می‌رود.

در بخش قبلی به بررسی شاخص امکان‌سنجی قوانین پرداختیم. «**ظرفیت نهادی / اداری**» و «**امکان‌سنجی**» گرچه در ظاهر به جنبه‌های مشابهی از قانون و اجرای آن می‌پردازند، اما در سطح تحلیل، زمان مداخله و کارکرد ارزشیابی با یکدیگر متفاوت‌اند: شاخص امکان‌سنجی معمولاً پیش از تصویب قانون یا در مرحله طراحی آن انجام می‌شود و هدف آن پیش‌بینی واقع‌گرایانه از قابلیت اجرای قانون در بستر نهادی، اجتماعی و اقتصادی کشور است. این نوع ارزشیابی نگاهی پیش‌نگر دارد و می‌پرسد: آیا چنین قانونی در ساختارهای موجود قابل تحقق است؟ چه منابعی نیاز دارد؟ آیا با مقاومت ذی‌نفعان مواجه خواهد شد؟ آیا اجرای آن به صورت تدریجی امکان‌پذیر است؟ در مقابل، شاخص ظرفیت نهادی / اداری نگاهی پس‌نگر دارد و زمانی کاربرد می‌یابد



که قانون تصویب شده و در مرحله اجرا یا ارزشیابی قرار دارد. در اینجا تمرکز بر زیرساخت‌های واقعی اجرای قانون است: آیا نهاد مشخصی برای اجرا و نظارت تعیین شده؟ آیا منابع انسانی، مالی و فناورانه کافی وجود دارد؟ آیا تعامل بین نهادها سازوکار مؤثری دارد؟ بنابراین، اگر امکان‌سنجی به واقع‌گرایی در طراحی قانون کمک می‌کند، تحلیل ظرفیت نهادی، اجرای مؤثر و پایدار قانون را در عمل هدف قرار می‌دهد. این دو تحلیل مکمل یکدیگرند اما در زمان، زاویه دید و نوع تصمیم‌سازی نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کنند.

به‌عنوان مثال: قانون حمایت از حقوق معلولان (مصوب سال ۱۳۹۶)

از منظر امکان‌سنجی قانون

این قانون در مرحله طراحی، اهداف بسیار متری و گسترده‌ای را دنبال می‌کرد؛ از جمله الزام دستگاه‌ها به متناسب‌سازی فضاهای عمومی، استخدام افراد دارای معلولیت، تأمین بودجه برای خدمات حمایتی و ... اما در مرحله امکان‌سنجی، توجه کافی به ظرفیت واقعی کشور برای اجرای همه این احکام صورت نگرفت. برای نمونه؛ منابع مالی پایدار برای اجرای این تعهدات در نظر گرفته نشده بود، برخی تکالیف اجرایی، بار مالی سنگینی بر دوش دستگاه‌ها می‌گذاشت که بدون پیش‌بینی بودجه امکان‌پذیر نبود، در تحلیل ذی‌نفعان، موانع فرهنگی و ضعف آگاهی عمومی نسبت به حقوق معلولان به‌خوبی در نظر گرفته نشده بود.

از منظر ظرفیت نهادی / اداری قانون

پس از تصویب، روشن شد که بسیاری از نهادهای مسئول (مثل شهرداری‌ها، وزارت راه، آموزش و پرورش و ...) زیرساخت و نیروی انسانی لازم برای اجرای مفاد این قانون را ندارند. موارد زیر قابل اشاره‌اند؛ سامانه مشخصی برای پایش و گزارش‌دهی اجرای قانون وجود ندارد. تعامل کافی بین وزارتخانه‌های مسئول برای هماهنگی و پیگیری مفاد قانون دیده نمی‌شود. شوراهای هماهنگی در استان‌ها عملاً غیرفعال یا فاقد اختیارات مؤثر هستند. اجرای متناسب‌سازی شهری همچنان دچار تعلل و فقدان نظارت است.

۹-۳. قوانین چگونه از منظر «تاب‌آوری» ارزشیابی می‌شوند؟

تاب‌آوری بیشتر ناظر به قابلیت انطباق و بازسازی پس از شوک یا بحران است؛ به بیان دیگر، قانونی تاب‌آور است که بتواند در مواجهه با تحولات پیش‌بینی‌ناپذیر (مانند بحران‌های اقتصادی، تحولات فناوری، تغییرات سیاسی یا بلایای طبیعی)، به سرعت بازخورد دریافت کند، خود را بازطراحی کرده و مسیر اجرای خود را بازبانی کند [۲۵]، [۲۶]، [۲۷].

جدول ۱۷. زیرشاخص‌های ارزشیابی «تاب‌آوری» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	انطباق‌پذیری سیستمی	توان قانون برای اصلاح رویه‌ها و ابزارهای اجرایی متناسب با شرایط متغیر، بدون نیاز به بازنگری کامل	مثال مثبت: قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در این قانون، اصل بر افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای عمومی گذاشته شده است. اگرچه در ابتدای اجرای قانون، بسیاری از دستگاه‌ها سامانه مناسبی برای ارائه اطلاعات نداشتند، اما با پیشرفت فناوری و توسعه زیرساخت‌ها، بدون اصلاح قانون، فرایند اجرایی آن تکامل یافت. مانند ایجاد سامانه انتشار اطلاعات عمومی، تعریف شاخص‌های پاسخ‌گویی دستگاه‌ها، تنظیم فرم‌های استاندارد درخواست اطلاعات. یعنی ساختار قانون به نهادها اجازه یادگیری و اصلاح تدریجی عملکرد خود را داده است. مثال منفی: قانون جرائم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی، این قانون در زمان خود نسبتاً نوآورانه بود، اما بسیاری از مفاد آن براساس فناوری‌ها و تهدیدهای آن دوره (مانند ایمیل و وبسایت‌ها) نوشته شده‌اند. با تحول در فضای دیجیتال (مانند شبکه‌های اجتماعی، رمزارزها، هوش مصنوعی)، اجرای قانون دیگر پاسخ‌گو نیست. از آنجاکه این قانون قابلیت اصلاح تدریجی یا به‌روزرسانی سریع ابزارهای اجرایی را ندارد، عملاً ناکارآمد شده و مستلزم بازنگری اساسی در سطح مجلس است.

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۲	تحمل شوک	ظرفیت قانون برای دوام آوردن در برابر بحران‌های بیرونی (اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی) بدون فروپاشی کامل اهداف	مثال مثبت: <u>قانون حمایت از حقوق معلولان، مصوب ۱۳۹۶/۲/۲۰</u> ، با اصلاحات و الحاقات بعدی در این قانون، سازوکارهای مشارکت معلولان و تشکل‌های مردم‌نهاد برای نظارت بر اجرای قانون به‌صراحت آمده است. طبق تبصره «۱» ماده (۳)، سازمان بهزیستی موظف است گزارش پیشرفت اجرای قانون را منتشر کند. همچنین در آیین‌نامه‌های اجرایی، شوراهای نظارت با حضور نمایندگان انجمن‌های معلولان شکل می‌گیرد. این یعنی کانال رسمی برای بازخورد وجود دارد. این بازخورد باید در تصمیم‌گیری‌های اجرایی اثر بگذارد. امکان اصلاح عملکرد سازمان‌های مسئول براساس این بازخورد فراهم شده است. مثال منفی: <u>قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵</u> ، با اصلاحات و الحاقات بعدی، این قانون در اجرا، فاقد هرگونه سازوکار رسمی برای بازخوردگیری از مردم، کارشناسان یا نهادهای محلی بود. حتی پس از بروز مشکلات اقتصادی یا نارضایتی عمومی، هیچ مسیر نهادی رسمی برای ثبت و اعمال این بازخوردها وجود نداشت. در نتیجه اصلاح خط‌مشی‌ها به‌سختی و با تأخیر زیاد انجام شد. انباشت نارضایتی‌ها بدون پاسخ مناسب، به بحران کارآمدی قانون انجامید.
۳	مسیرهای جایگزین (تنوع و افزونگی)	وجود راهکارهای چندانگانه برای تحقق اهداف، تا در صورت ناکامی یکی، مسیرهای دیگر فعال شوند	مثال مثبت: <u>قانون هوای پاک، مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۵</u> با اصلاحات و الحاقات بعدی، در این قانون، برای کاهش آلودگی هوا، چند ابزار گوناگون در نظر گرفته شده؛ ابزارهای حقوقی و نظارتی؛ مثل جریمه صنایع آلاینده (ماده ۱۷)، ابزارهای اقتصادی: معافیت مالیاتی برای تولید خودروهایی برقی (ماده ۱۸)، ابزارهای آموزشی و فرهنگی: آموزش عمومی و تبلیغات در رسانه‌ها (ماده ۴)، ابزارهای زیرساختی: توسعه حمل‌ونقل عمومی پاک. در نتیجه، اگر یکی از این ابزارها با شکست مواجه شود (مثلاً جریمه‌ها بازدارنده نباشند)، ابزارهای دیگر هنوز فعال و اثرگذارند. این یعنی افزونگی و تنوع راه‌حل‌ها. مثال منفی: <u>قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵</u> با اصلاحات و الحاقات بعدی، در این قانون، تنها ابزار اجرایی برای حمایت از اقشار کم‌درآمد، پرداخت نقدی مستقیم بود. ابزارهای مکمل مانند: کالابری، حمایت اجتماعی غیرنقدی، یا تنظیم بازار کالاهای اساسی پیش‌بینی نشدند. در نتیجه؛ با تورم و کاهش ارزش یارانه نقدی، اثر حمایتی قانون از بین رفت. چون ابزار جایگزینی وجود نداشت، اجرای قانون دچار بحران شد.
۴	ظرفیت بازگشت ^۱	آیا قانون برای مواجهه با شرایط اضطراری، اختیارات خاصی در نظر گرفته است؟ امکان جبران و بازگرداندن تعادل پس از بحران یا شکست بخشی از قانون	مثال مثبت: <u>قانون مدیریت بحران کشور، مصوب ۱۳۹۸/۵/۷</u> با اصلاحات و الحاقات بعدی، در این قانون، برای شرایط بحرانی و حوادث غیرمترقبه، موارد زیر پیش‌بینی شده است؛ دولت می‌تواند موقتاً برخی مقررات اداری و اجرایی را معلق کند یا تغییر دهد. به سازمان مدیریت بحران و شورای عالی، اختیارات خاص داده شده برای تصمیم‌گیری سریع و هماهنگ. امکان تخصیص منابع فوری، بدون طی روال عادی بودجه. این قانون نشان می‌دهد که درک مناسبی از نیاز به انعطاف‌پذیری نهادی در بحران وجود دارد. مثال منفی: <u>قانون حمایت از حقوق معلولان، مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰</u> با اصلاحات و الحاقات بعدی، این قانون، تعهدات متعددی برای دولت در حوزه خدمات، اشتغال و مناسب‌سازی فضاها ایجاد می‌کند. اما در زمان بحران‌هایی مثل تحریم، رکود اقتصادی یا بحران بودجه‌ای؛ قانون هیچ سازوکاری برای تعدیل یا اولویت‌بندی اجرا پیش‌بینی نکرده. نهادهای اجرایی از اجرای بخش‌هایی از قانون سر باز زده‌اند، ولی نه با مجوز قانونی، بلکه به‌صورت غیررسمی. در نتیجه، اجرای قانون دچار وقفه یا تعلیق عملی شده، بدون اینکه مسیر مشخص یا مشروعی برای این وضعیت وجود داشته باشد.
۵	یادگیری نهادی و بازنگری ادواری	آیا قانون امکان یادگیری از خطاها و اصلاح دوره‌ای را دارد؟ (الزام قانونی به ارزشیابی، ثبت تجربه‌ها و اصلاحات دوره‌ای برای جلوگیری از ایستایی)	مثال مثبت: <u>قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)</u> مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در این قانون، برخی احکام مشروط به تحقق شاخص‌ها و داده‌های اجرایی هستند. دولت موظف بود؛ هر شش ماه گزارش عملکرد به مجلس ارائه دهد. نتایج پایش اهداف کمی برنامه را منتشر کند. برخی احکام برنامه‌ای به‌طور دوره‌ای بازبینی شوند. اگرچه اجرای آن در عمل کامل نبوده، اما طراحی قانون امکان یادگیری و اصلاح را فراهم کرده است. مثال منفی: <u>قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۹۷/۱۲/۲۶</u> مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی، این قانون ساختار مفصلی برای نظام اداری طراحی کرده، اما؛ بازنگری ادواری در آن پیش‌بینی نشده، تجربه‌های اجرایی در سطوح گوناگون ثبت و منتقل نمی‌شود و پس از گذشت بیش از ۱۵ سال، همچنان بخش‌هایی از آن ناکارآمد ولی بدون اصلاح باقی مانده‌اند. در نتیجه، قانون به یک چارچوب ایستا تبدیل شده، نه یک سیستم یادگیرنده.

مأخذ: همان.

جدول ۱۷ پنج مقوله کلیدی برای «تاب‌آوری قوانین» را معرفی می‌کند و با تحلیل نمونه‌های مثبت و منفی از قوانین، نشان می‌دهد که چگونه طراحی نهادی می‌تواند بر توانایی قانون در سازگاری با تحولات، بحران‌ها و بازخوردها تأثیر بگذارد. قوانینی که امکان اصلاح تدریجی، سازوکار بازخورد رسمی، تنوع ابزارهای اجرا، انعطاف‌پذیری در شرایط اضطراری و یادگیری مستمر را در ساختار خود گنجانده‌اند، به مراتب تاب‌آورتر و مؤثرتر در مواجهه با چالش‌ها هستند. در مقابل، قوانین ایستا و فاقد مسیرهای بازنگری، فاقد کانال‌های بازخورد نهادی و محدود به یک ابزار اجرایی خاص، با گذر زمان کارآمدی خود را از دست می‌دهند و نمی‌توانند به‌درستی به بحران‌ها یا تغییرهای محیطی واکنش نشان دهند. این مقوله‌ها با هم‌دیگر تصویری چندبعدی از ظرفیت قانون برای دوام و اصلاح‌پذیری ترسیم می‌کنند.

جدول ۱۸. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «تاب‌آوری» در قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	انطباق‌پذیری سیستمی	امکان اصلاح تدریجی، اجرای منعطف و ارتقای کارایی بدون نیاز به بازنگری کامل	قوانین حوزه فناوری، اطلاعات و خدمات عمومی که با تحولات سریع محیطی مواجه‌اند
۲	تحمل شوک	فراهم‌سازی مسیر نهادی برای دریافت، تحلیل و اعمال بازخورد	تحلیل و اعمال بازخورد قوانین اجتماعی، رفاهی، شهری و محیط‌زیستی که ذی‌نفعان متنوع و اجرای میدانی گسترده دارند
۳	مسیرهای جایگزین (تنوع و افزونگی)	کاهش ریسک شکست خط‌مشی با استفاده از راهکارهای جایگزین و مکمل	قوانین بخشی در حوزه‌های پیچیده مانند محیط‌زیست، سلامت عمومی، خط‌مشی‌های حمایتی یا توسعه‌ای
۴	ظرفیت بازگشت	توانایی قانون برای تطبیق موقت با شرایط اضطراری یا بحران‌های غیرقابل پیش‌بینی	قوانین با تعهدات مالی یا اجرایی بلندمدت (مانند رفاه، آموزش و سلامت) یا قوانین ناظر بر مدیریت منابع ملی
۵	یادگیری نهادی و بازنگری ادواری	ارتقای مستمر اثربخشی قانون با استفاده از داده و تجربه اجرا برای جلوگیری از ایستایی	قوانین کلان‌برنامه‌ای یا ساختاری که نیاز به اصلاح‌پذیری و تکامل در بلندمدت دارند (مانند برنامه‌های توسعه)

مأخذ: همان.

جدول مقوله‌های «تاب‌آوری» در قوانین نشان می‌دهد که تاب‌آوری قانونی صرفاً به معنای دوام در برابر بحران‌ها نیست، بلکه به ظرفیت انطباق، اصلاح‌پذیری و تحمل شوک، تنوع ابزارها و یادگیری مستمر برای جلوگیری از ایستایی، بستگی دارد. این معیارها به‌ویژه در قوانینی که با تغییرهای سریع فناوری، نیازهای اجتماعی متنوع یا شرایط بحرانی مواجه‌اند اهمیت می‌یابند. برای مثال، انطباق‌پذیری سیستمی و تحمل شوک به قانون اجازه می‌دهند بدون بازنگری رسمی، خود را به اقتضای محیط تنظیم کنند؛ تنوع ابزارها و انعطاف در بحران‌ها مانع از فروپاشی عملکرد قانونی در شرایط خاص می‌شوند و یادگیری نهادی، بستر بهبود مداوم برای جلوگیری از ایستایی را فراهم می‌سازد. بنابراین، سنجش تاب‌آوری، نه تنها شاخصی از استحکام قانونی، بلکه مقوله‌ای از هوشمندی و پویایی نظام قانونگذاری است.

۱۰-۳. قوانین چگونه از منظر «استحکام» ارزشیابی می‌شوند؟

استحکام بر پایداری عملکرد قانون حتی در شرایط ابهام، تهدید یا نقص تمرکز دارد. یک قانون مستحکم باید بتواند بدون تغییر اساسی، وظایف و اهداف خود را حفظ کند. برای این منظور، عناصر طراحی مانند چندلایه‌سازی نهادی، مدولار بودن ساختار، تنوع ابزارهای اجرایی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و افزونگی نهادی و ابزاری به کار گرفته می‌شوند. این ویژگی‌ها، قانون را در برابر فرسایش، اختلال عملکرد یا فشارهای بیرونی مقاوم می‌کنند.

در سطح مفهومی، تاب‌آوری بر بازیابی،^۱ انطباق^۲ و استحکام بر حفظ انسجام عملکرد و ساختار در شرایط بحرانی تمرکز دارد. از این رو، یک قانون خوب ممکن است هم‌زمان نیازمند هر دو باشد: استحکام برای دوام در برابر تغییرهای بلندمدت و پرابهام و تاب‌آوری برای بازسازی سریع در برابر شوک‌ها و تغییرهای ناگهانی.

برای مثال، در مواجهه با شیوع همه‌گیری کرونا، قوانینی مانند مقررات بهداشتی یا آموزش مجازی نیازمند تاب‌آوری بالا (یعنی امکان اصلاح سریع رویه‌ها، استفاده از ابزارهای دیجیتال، دریافت بازخورد از میدان و تغییرهای اجرایی سریع) بودند؛ اما در مقابل، قوانین بودجه‌ای یا نظارتی کلان باید از استحکام لازم برخوردار باشند تا عملکرد اصلی دولت مختل نشود، حتی اگر برخی اجزای آن تحت فشار قرار گیرند.

در طراحی خط‌مشی‌های عمومی، توجه به این دو مؤلفه باید در سطح ساختاری، نهادی و ابزاری لحاظ شود. برای مثال، قوانینی که به صورت مدولار و چندلایه طراحی شده‌اند (یعنی وظایف مشخص بین نهادهای گوناگون توزیع شده، ابزارهای گوناگون برای اجرا تعریف شده و مرکز تصمیم‌گیری واحد نیست)، بیشتر مستعد استحکام هستند. در مقابل، قوانینی که امکان اصلاح سریع آیین‌نامه‌ها، اجرای پایلوت یا انطباق با شرایط محلی را دارند، از تاب‌آوری بالاتری برخوردارند [۲۶]، [۲۸].

جدول ۱۹. زیرشاخص‌های ارزشیابی «استحکام» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	طراحی چندلایه	تقسیم وظایف بین نهادهای گوناگون با نقش مکمل نظارتی، حمایتی یا اجرایی. (استحکام نهادی) آیا اجرای قانون تنها به یک نهاد خاص وابسته نیست؟	<u>قانون حمایت از حقوق معلولان، مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی</u> در اجرای این قانون، نهادهای گوناگونی از جمله سازمان بهزیستی (به‌عنوان نهاد اصلی اجرا)، وزارت راه و شهرسازی (دسترس‌پذیری شهری)، وزارت آموزش و پرورش (آموزش فراگیر)، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (اشتغال و حمایت معیشتی) و حتی شهرداری‌ها در سطوح محلی دخیل هستند. این تنوع نهادی، اگرچه چالش‌هایی در هماهنگی دارد، اما در صورت انسجام و تقسیم‌کار مناسب، می‌تواند اجرای قانون را مقاوم‌تر، منعطف‌تر و مؤثرتر کند.
۲	ساختار مدولار	بخش‌بندی قانون به اجزای مستقل از نظر عملکرد ولی با هم هماهنگ. آیا اختلال در یک بخش، کل قانون را مختل نمی‌کند؟	<u>قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها و سامانه مؤدیان، مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی</u> این قانون برای شفاف‌سازی درآمد مؤدیان و مقابله با فرار مالیاتی طراحی شده است و اجزای گوناگون آن شامل: ثبت‌نام مؤدیان در سامانه، اتصال دستگاه‌های کارت‌خوان به سامانه، صدور صورت‌حساب الکترونیکی، تطبیق تراکنش‌ها با پرونده مالیاتی و ارسال خودکار داده‌ها به سازمان مالیاتی. این اجزا به‌صورت ماژولار طراحی شده‌اند؛ برای مثال اگر در یک منطقه، زیرساخت صدور صورتحساب آماده نباشد، سایر بخش‌ها مثل ثبت‌نام و اتصال کارت‌خوان‌ها همچنان می‌توانند فعال بمانند. حتی اگر یک بانک یا دستگاه خاص دچار مشکل شود، اجرای قانون در سایر بخش‌ها متوقف نمی‌شود.
۳	تنوع ابزارهای قانونی	پیش‌بینی طیفی از مکانیسم‌های اجرایی (الزام، نظارت و بازرسی) تشویقی (معافیت، پاداش و تسهیلات) تنبیهی (مجازات، جریمه و محرومیت). آیا قانون فقط متکی به یک نوع ابزار (مثلاً مجازات) نیست؟	<u>قانون حمایت از توسعه صنایع پایین‌دستی نفت خام و میعانات گازی با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی، مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی</u> این قانون برای توسعه پالایشگاه‌ها و صنایع نفتی تنظیم شده است و از ترکیب چند ابزار استفاده می‌کند: ابزار تشویقی: ارائه مجوز انتشار اوراق مشارکت با تضمین دولت؛ معافیت مالیاتی برای سرمایه‌گذاران مردمی؛ ابزار اجرایی: تعیین سقف زمانی برای بهره‌برداری و راه‌اندازی پروژه‌ها؛ ابزار تنبیهی: در صورت تخلف یا تأخیر، لغو مجوزها یا قطع حمایت‌های مالی؛ در نتیجه، این قانون فقط به الزام یا تهدید تکیه ندارد، بلکه با بسته‌ای از مشوق‌ها و ابزارهای کنترلی تلاش می‌کند مشارکت مردم را جلب کند و بر اجرای پروژه‌ها نظارت داشته باشد. مثال منفی (فاقد تنوع) برخی قوانین صرفاً بر جریمه یا مجازات تأکید دارند، بدون مشوق یا ابزار حمایتی مانند: برخی مواد از قانون «مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی» که عمدتاً ابزارهای کیفری دارد اما مکانیسم‌های تشویقی برای بازگشت داوطلبانه یا اصلاح رفتار در نظر نگرفته است.

1. Recovery
2. Adaptation



ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۴	تعدد مراکز تصمیم‌گیری	مشارکت چند نهاد در طراحی، نظارت یا اجرا. آیا فرایند تصمیم‌گیری در قانون از تمرکز بیش‌ازحد پرهیز کرده است؟	مثال مثبت: <u>قانون حمایت از حقوق معلولان، مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> در این قانون، چند نهاد در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا مشارکت دارند: سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان نهاد اصلی اجرایی، وزارت بهداشت، وزارت آموزش و پرورش، وزارت کار، شهرداری‌ها، سازمان برنامه و بودجه و دیگر نهادها. هر کدام بخشی از وظایف را برعهده دارند. نظارت عالیه نیز با شورای هماهنگی و کمیته‌های مشترک بین نهادهای انجام می‌شود. این تنوع باعث می‌شود اجرای قانون به توانایی یک نهاد وابسته نباشد و تصمیم‌گیری بین‌حوزه‌ای و تخصصی‌تر شود. مثال منفی: <u>قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی، مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> این قانون، با هدف «یکپارچه‌سازی تصمیم‌گیری»، همه اختیارات مربوط به بازرگانی محصولات کشاورزی را از وزارت صنعت گرفت و در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار داد. در نتیجه، تمرکز بیش‌ازحد باعث ناهماهنگی با نهادهای دیگر (مثلاً گمرک، صمت، شورای رقابت) شد. در عمل، به‌جای بهبود هماهنگی، موجب ضعف در نظارت، ناکارآمدی در بازار تنظیم کالاهای اساسی و کاهش شفافیت تصمیم‌ها شد.
۵	افزونگی ^۱ نهادی و ابزاری	وجود منابع جایگزین، مسیرهای موازی یا نهادهای پشتیبان برای جبران خلأها. در صورت از کار افتادن یک نهاد یا ابزار، آیا جایگزینی برای آن هست؟	مثال مثبت: <u>قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور، مصوب ۱۳۷۳/۸/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> در این قانون، علاوه بر سازمان بیمه سلامت به‌عنوان مجری اصلی، نهادهایی مثل: وزارت بهداشت برای ارائه خدمات، سازمان برنامه و بودجه برای تخصیص منابع و بیمه تأمین اجتماعی، نیروهای مسلح و کمیته امداد نیز نقش مکمل دارند. در صورت ضعف یا بحران در یک مسیر (مثلاً بیمه سلامت دچار مشکل بودجه شود) و سایر مسیرها (مانند بیمه‌های حمایتی یا منابع بودجه‌ای خاص) می‌توانند بخشی از خلأ را پر کنند. مثال منفی: <u>قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مخصوصاً (اصلاحات در سال‌های اخیر ۱۴۰۰):</u> در ساختار قبلی، تمام اختیارات نظارت، بازرسی و برخورد در دست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بود و نهادهای مکملی برای ایفای نقش هم‌پوشان یا پشتیبان پیش‌بینی نشده بود. اگر ستاد دچار تأخیر یا اختلال می‌شد، عملاً سایر دستگاه‌ها اختیار کافی نداشتند. این نبود افزونگی نهادی موجب کاهش سرعت و کارایی در مقابله با قاچاق شد.
۶	تداوم عملکرد در شرایط ابهام	پیش‌بینی فرایند تصمیم‌گیری در وضعیت‌های نامعلوم یا بحرانی. آیا در متن قانون، رویه‌هایی برای شرایط پیش‌بینی نشده و متغیر تعریف شده است؟	مثال مثبت: <u>قانون مدیریت بحران کشور، مصوب ۱۳۹۸/۵/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> این قانون به ستاد ملی مدیریت بحران اختیار داده تا در شرایط ویژه (سیل، زلزله و اپیدمی) تصمیم‌های فوری اتخاذ کند، امکان تغییر رویه‌ها، جابه‌جایی منابع، یا صدور دستورات فوق‌العاده را فراهم کرده، حتی اختیار تدوین مقررات موقت در زمان ابهام را به نهادهای ذی‌ربط داده است. این طراحی باعث شد در بحران‌هایی مانند سیل ۱۳۹۸ یا زلزله کرمانشاه، نهادهای ذی‌ربط سریع‌تر وارد عمل شوند. مثال منفی: <u>قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها و سامانه مؤدیان، مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> در این قانون، بسیاری از فرایندها و مهلت‌ها به‌صورت سخت و تقویمی مشخص شده‌اند (مثلاً مهلت ثبت‌نام، نصب سامانه و ارسال داده‌ها). اما در مواردی که زیرساخت فنی آماده نبوده یا اجرای سراسری ممکن نشده، هیچ سازوکار انعطاف‌پذیر یا مرجع مشخص برای اتخاذ تصمیم موقت در شرایط پیش‌بینی نشده وجود نداشت. این موجب شد اجرای قانون چند بار با تأخیر و تنش پیش برود.

مأخذ: همان.

جدول حاضر، مقوله‌های «استحکام» قوانین را در شش محور اصلی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که یک قانون مستحکم باید چگونه طراحی شود تا در برابر اختلال، ابهام یا ضعف نهادی تاب‌آور باقی بماند. این مقوله‌ها شامل طراحی چندلایه نهادی، ساختار مدولار، تنوع ابزارهای اجرایی و حمایتی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، افزونگی نهادی و ابزاری و پیش‌بینی سازوکارهای تصمیم‌گیری در شرایط ابهام است. مثال‌های ارائه شده، تمایز بین قوانین انعطاف‌پذیر، مقاوم و مشارکتی را با قوانین متمرکز، شکننده یا فاقد ابزار جایگزین به‌خوبی نشان می‌دهد. در مجموع، استحکام قانونی به توانایی آن برای ادامه اجرا در شرایط پیچیده و متغیر بستگی دارد و نیازمند طراحی منعطف، هماهنگ و چندساختی است.

جدول ۲۰. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «استحکام» در قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	طراحی چندلایه	تقسیم وظایف بین نهادهای گوناگون با نقش‌های مکمل برای کاهش وابستگی به یک نهاد	قوانین خدمات عمومی، رفاهی و زیربنایی که نیازمند همکاری چندنهادی هستند (مثلاً قانون حمایت از حقوق معلولان)
۲	ساختار مدولار	جلوگیری از اختلال کل نظام با ایجاد بخش‌های مستقل ولی هماهنگ	قوانین پیچیده و چندبخشی مانند قوانین برنامه‌های توسعه یا قوانین حوزه سلامت
۳	تنوع ابزارهای قانونی	انعطاف در اجرا با پیش‌بینی ترکیبی از ابزارهای تشویقی، تنبیهی و حمایتی	قوانین خط‌مشی‌گذاری اقتصادی، زیست‌محیطی یا اجتماعی که نیاز به تنظیم رفتارهای متنوع دارند
۴	تعدد مراکز تصمیم‌گیری	جلوگیری از تمرکز و افزایش مشروعیت با مشارکت نهادهای گوناگون در تصمیم‌سازی	قوانین حساس مانند قانون دسترسی به اطلاعات، شفافیت یا مقابله با فساد
۵	افزونگی نهادی و ابزاری	ایجاد پشتیبانی و جایگزینی در صورت از کار افتادن ابزار یا نهاد اصلی	قوانین بحرانی یا حیاتی مانند قوانین مدیریت بحران، سلامت عمومی یا تأمین انرژی
۶	تداوم عملکرد در شرایط ابهام	حفظ کارکرد قانون در وضعیت‌های نامعلوم یا متغیر با تعریف رویه‌های انعطاف‌پذیر	قوانین مرتبط با بحران‌ها، شرایط اضطراری و حوزه‌های با سرعت تغییر بالا مانند فناوری یا اقتصاد دیجیتال

مأخذ: همان.

معیارهای «استحکام» در قوانین، بر توانایی قانون برای حفظ عملکرد خود در شرایط پیچیده، متغیر یا بحرانی تمرکز دارند. طراحی چندلایه با توزیع وظایف میان نهادهای گوناگون، وابستگی به یک بازیگر خاص را کاهش می‌دهد و برای قوانین خدماتی و رفاهی مناسب است. ساختار مدولار امکان اجرای بخش‌های مستقل قانون را فراهم می‌کند تا اختلال در یک جزء کل قانون را مختل نکند؛ این در قوانین پیچیده مانند برنامه‌های توسعه اهمیت دارد. تنوع ابزارهای قانونی با پیش‌بینی ترکیبی از ابزارهای تشویقی، تنبیهی و حمایتی، اجرای منعطف‌تری را در قوانین اجتماعی و اقتصادی ممکن می‌سازد. تعدد مراکز تصمیم‌گیری، با مشارکت نهادهای گوناگون در طراحی یا نظارت، از تمرکز قدرت جلوگیری کرده و مشروعیت تصمیم‌ها را افزایش می‌دهد. افزونگی نهادی و ابزاری نیز با پیش‌بینی جایگزین برای نهاد یا ابزار اصلی، به‌ویژه در حوزه‌های بحرانی مانند سلامت یا انرژی، پایداری عملکرد را تضمین می‌کند. درنهایت، پیش‌بینی سازوکارهایی برای تداوم عملکرد در شرایط ابهام یا بحران، تضمین می‌کند که قانون حتی در مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده نیز قادر به ادامه کارکرد خود باشد.

۱۱-۳. قوانین چگونه از منظر «به‌موقع بودن»^۱ ارزشیابی می‌شوند؟

این شاخص به ارزشیابی این موضوع می‌پردازد که آیا یک قانون در زمان مناسب، با سرعت کافی و در پاسخ به نیاز واقعی و فوری جامعه تصویب، ابلاغ و اجرا شده است؟ «به‌موقع بودن» یعنی تناسب زمانی تدوین، تصویب و اجرای قانون با تغییرهای اجتماعی، نیازهای فوری، تحولات فناوری یا شرایط بحرانی. قانون باید نه خیلی دیر (از دست رفتن فرصت و اثربخشی)، نه خیلی زود (قبل از بلوغ مسئله یا آمادگی نهادی)، بلکه در «بازه زمانی بهینه» وارد چرخه اجرا شود. برای سنجش ارزشیابی به‌موقع بودن قوانین، از معیارهای زیر استفاده می‌شود [۲۹]، [۳۰]:



جدول ۲۱. زیر شاخص‌های ارزشیابی «به‌موقع بودن» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	مثال
۱	تناسب قانون با فوریت مسئله	آیا قانون در زمانی تدوین شد که مسئله به‌شدت قابل لمس، مهم و نیازمند پاسخ فوری بود؟ یا با تأخیر زیاد همراه بود؟	<u>آیین‌نامه اجرایی قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران، مصوب ۱۳۹۹/۹/۳۰ هیئت‌وزیران.</u> پس از خروج آمریکا از برجام و تعلل کشورهای اروپایی در عمل به تعهدات، فشار اقتصادی بر کشور تشدید شد. مجلس در واکنش به این شرایط بحرانی، در مدت کوتاهی قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» را تصویب کرد. مسئله «بی‌عملی در قبال تعهدات بین‌المللی» و فشارهای اقتصادی، در آن مقطع فوریتی ملی بود و قانونگذاری با سرعت نسبتاً خوبی انجام شد.
۲	سرعت در چرخه تصویب	آیا فرایند تصویب، از پیشنهاد تا ابلاغ، متناسب با فوریت و نیاز جامعه بوده یا بیش‌ازحد زمان‌بر شده است؟	<u>قانون جهش تولید مسکن، مصوب ۱۴۰۰/۵/۱۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> در پاسخ به بحران مسکن و جهش قیمت‌ها، مجلس یازدهم با اولویت بالا این طرح را بررسی و در مدت نسبتاً کوتاهی تصویب کرد. نیاز فوری جامعه (کاهش عرضه، افزایش قیمت)، فشار رسانه‌ای و عمومی، تشکیل کمیسیون ویژه و تصویب فوری با آیین‌نامه‌های تکمیلی در نتیجه فرایند نسبتاً سریع بود (چند ماه از طرح تا ابلاغ)، هرچند اجرای آن همچنان با چالش روبه‌روست.
۳	تأخیر در اجرا	آیا قانون پس از تصویب، در زمان مناسبی اجرایی شده یا مدت‌ها بلا تکلیف مانده؟	<u>قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵، با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> پس از تصویب در مجلس، دولت وقت بلافاصله سازمان هدفمندی را تأسیس کرد و زیرساخت‌های پرداخت یارانه نقدی طی ماه‌های بعد فراهم شد.
۴	پیش‌بینی افق اجرا	آیا زمان‌بندی اجرای قانون در متن آن به‌درستی تعیین شده (مثلاً مرحله‌بندی شده، دارای ضرب‌الاجل‌های مشخص)؟	<u>قانون مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب ۱۳۹۶/۳/۱۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> تصویب شد، اما فاقد زمان‌بندی دقیق برای اقدام‌های دستگاه‌ها، اطلاع‌رسانی عمومی و اجرای تدریجی بود. در نتیجه در برخی مناطق اجرا شد، اما در دیگر مناطق بدون نظارت و پیگیری باقی ماند.
۵	انعطاف برای شرایط آینده	آیا قانون به‌گونه‌ای طراحی شده که در صورت تغییرهای سریع، نیاز به اصلاح فوری نداشته باشد (مثلاً با آیین‌نامه‌های قابل به‌روزرسانی)؟	<u>قانون تجارت الکترونیکی، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> این قانون به‌جای ورود به جزئیات فنی، بسیاری از موارد متغیر (مانند امضای دیجیتال، رویه‌های امنیتی و نهادهای اجرایی) را به آیین‌نامه‌های اجرایی و مقررات ثانویه سپرده است. در نتیجه امکان تطبیق با فناوری‌های نو مانند رمزنگاری جدید، خدمات نوین بانکی و ... بدون نیاز به اصلاح قانون اصلی فراهم شد. <u>قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸/۳/۵، با اصلاحات و الحاقات بعدی.</u> نمونه‌ای بارز از فقدان انعطاف‌پذیری و آینده‌نگری در قانونگذاری دیجیتال است؛ قانونی که به‌جای تکیه بر اصول کلی و رویکردهای فناورانه باز، بیش‌ازحد بر مصادیق فنی زمان تصویب خود متمرکز شده و در نتیجه، توانایی تطبیق با تحولات سریع فناوری اطلاعات مانند رمزارزها، هوش مصنوعی یا پلتفرم‌های جهانی را از دست داده است. نبود سازوکارهای به‌روزرسانی درون‌قانونی، ضعف در پیش‌بینی مقررات مکمل منعطف و اتکای اجباری به تفسیرهای قضایی گاه موسع، موجب شده تا در عمل، این قانون کارآمدی لازم را نداشته باشد.

مأخذ: همان.

تحلیل مقوله‌های «به‌موقع بودن» قوانین نشان می‌دهد که زمان‌سنجی در قانونگذاری، نه‌تنها در لحظه تدوین بلکه در چرخه تصویب، اجرا و قابلیت تطبیق با آینده نقش حیاتی دارد. قوانینی مانند «قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» و «قانون جهش تولید مسکن» نمونه‌هایی هستند که در واکنش به بحران‌های فوری با سرعت مناسب تصویب شدند و بخشی از انتظارات عمومی را پاسخ دادند؛ در مقابل، قوانینی مانند «حمایت از داده‌های شخصی» یا «نظام جامع رسانه‌ها» با تأخیرهای طولانی مواجه شده‌اند، به‌طوری‌که کارکرد خود را پیش از اجرا از دست داده‌اند. همچنین، تأخیر در اجرای قوانین مصوب یا نبود جدول زمانی مشخص (مانند قانون حمایت از حقوق معلولان یا قانون شرکت‌های دانش‌بنیان) موجب شده است اجرای برخی قوانین در حد تصویب باقی بماند. مهم‌تر از همه، طراحی انعطاف‌پذیر قوانین برای مواجهه با آینده، عامل تمایز میان قوانین ماندگار و ناکارآمد است؛ جایی که «قانون تجارت الکترونیکی» با واگذاری جزئیات متغیر به آیین‌نامه‌ها توانسته ماندگار بماند، درحالی‌که «قانون جرایم رایانه‌ای»

به دلیل فقدان انعطاف و آینده‌نگری، به سرعت ناکارآمد شده است. بنابراین، به موقع بودن یک قانون تنها به زمان تصویب محدود نمی‌شود، بلکه به ظرفیت آن برای انطباق پویا با زمان نیز وابسته است.

جدول ۲۲. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «به موقع بودن» در قوانین

ردیف	مقوله	کاربرد اصلی	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	تناسب قانون با فوریت مسئله	سنجش واکنش قانونگذار به بحران‌ها یا مسائل ملی-اجتماعی مهم در زمان مناسب	قوانین امنیتی، تحریمی، بحران‌های اقتصادی، بلایای طبیعی و سلامت عمومی
۲	سرعت در چرخه تصویب	ارزیابی چابکی نظام قانونگذاری در مسیر بررسی، تصویب و ابلاغ قانون متناسب با نیاز فوری	قوانین مرتبط با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی، مانند: بازار مسکن، تورم یا آشوب رسانه‌ای
۳	تأخیر در اجرا	بررسی کارآمدی نهادهای اجرایی در عملیاتی‌سازی قانون در زمان مناسب	قوانین رفاهی، حمایتی، اجتماعی و زیرساختی که نیازمند هماهنگی سریع بین دستگاه‌ها هستند
۴	پیش‌بینی افق اجرا	سنجش میزان برنامه‌مندی و زمان‌بندی دقیق اجرای قانون در متن آن	قوانین توسعه‌ای، برنامه‌ای و ساختار سازمانند: قوانین سلامت، آموزش و حمایت از نوآوری
۵	انعطاف برای شرایط آینده	ارزیابی ظرفیت انطباق قانون با تغییرهای سریع اجتماعی یا فناورانه بدون نیاز به اصلاحات مکرر	قوانین حوزه فناوری، داده، ارتباطات، نوآوری، محیط‌زیست و حکمرانی دیجیتال

مأخذ: همان.

مقوله‌های «به موقع بودن» قوانین، ابزاری کلیدی برای سنجش میزان هم‌زمانی قانونگذاری با نیازهای واقعی و تحولات محیطی هستند. این مقوله‌ها از یک سو به سرعت واکنش قانونگذار در مواجهه با بحران‌ها (مانند امنیت، تحریم یا بلایای طبیعی) می‌پردازند و از سوی دیگر، ظرفیت نظام قانونگذاری برای تدوین و تصویب سریع قوانین حیاتی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی را می‌سنجند. همچنین، بررسی تأخیر در اجرا، برنامه‌مندی در افق زمانی اجرا و توان انطباق قانون با تحولات آینده، شاخص‌هایی حیاتی برای ارزیابی پویایی و اثربخشی بلندمدت قوانین هستند. به طور خاص، هر مقوله متناسب با نوع خاصی از قوانین است؛ برای مثال، قوانین فناورانه و نوآورانه نیازمند بیشترین انعطاف‌پذیری‌اند، در حالی که قوانین رفاهی باید با تأخیر حداقلی اجرایی شوند. این چارچوب تحلیلی می‌تواند در بهبود کیفیت و زمان‌مندی خط‌مشی‌گذاری عمومی نقش مهمی ایفا کند.

۱۲-۳. قوانین چگونه از منظر «یادگیری و بهبود» ارزشیابی می‌شوند؟

ارزشیابی قوانین از منظر «یادگیری و بهبود» به معنای سنجش ظرفیت قانون برای تولید بازخورد، اصلاح‌پذیری و بهبود تدریجی عملکرد در طول زمان است. برخلاف دیدگاه‌های ایستا به قانونگذاری، این رویکرد بر پویایی نظام حقوقی، یادگیری نهادی و انطباق‌پذیری با واقعیت‌های در حال تغییر تأکید دارد. در این چارچوب، قانون نه تنها ابزار الزام، بلکه «سازوکار یادگیری حکمرانی» تلقی می‌شود. چرا این شاخص مهم است؟ در یک محیط پیچیده و پرتحول (مانند حکمرانی دیجیتال، سلامت، محیط‌زیست یا آموزش)، تصمیم‌گیری اولیه قانونگذار به تنهایی کافی نیست؛ بلکه قانون باید بتواند با اتکا به داده‌های اجرا، بازخورد از ذی‌نفعان و ارزشیابی‌های مستمر، خود را بازبینی و اصلاح کند. در غیر این صورت، با گذشت زمان ناکارآمد، غیرمنصفانه یا نامتناسب می‌شود. در بسیاری از قوانین ایران، فرایند قانونگذاری به گونه‌ای طراحی شده که پس از تصویب و اجرای اولیه، هیچ سازوکار نهادمند و ساختاریافته‌ای برای بازخوردگیری، اصلاح یا به‌روزرسانی دیده نمی‌شود. این مدل «خطی» و ایستا، برخلاف رویکردهای «چرخه‌ای» و «یادگیرنده» در حکمرانی مدرن است که تأکید دارند قانون باید به‌طور مستمر با داده‌ها و تحولات واقعی تطبیق



یابد. نتیجه چنین وضعی، انباشت قوانین ناکارآمد، متروک یا غیرقابل اجراست که همچنان در نظام حقوقی باقی می‌مانند و حتی گاه مانع اصلاحات مؤثر بعدی می‌شوند. تقویت شاخص یادگیری در قوانین می‌تواند از طریق «مشروط کردن برخی مفاد قانون به نتایج ارزشیابی»، «ایجاد الزامات گزارش‌دهی» و «واگذاری بخشی از تنظیم‌گری به نهادهای تخصصی و مستقل» انجام شود. این شاخص به ارزشیابی چند معیار کلیدی زیر می‌پردازد [۳۱]، [۳۲]، [۳۳]:

جدول ۲۳. زیرشاخص‌های ارزشیابی «یادگیری و بهبود» قوانین

ردیف	مقوله	تشریح	توضیح	مثال
۱	وجود سازوکار بازخورد رسمی	آیا در متن قانون، ابزارهایی برای دریافت بازخورد از مجریان، ذی‌نفعان یا عموم مردم پیش‌بینی شده؟	- الزام به گزارش عملکرد دوره‌ای. - تشکیل کمیته‌های نظارتی یا مشورتی. - الزام به ارزیابی تأثیرات اجرا. - نقش دادن به نهادهای پژوهشی یا دیده‌بان.	قانون حمایت از حقوق معلولان، مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی؛ پیش‌بینی کمیته‌های هماهنگی استانی با حضور نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد
۲	الزام به ارزیابی و پایش قانون	آیا قانونگذار برای سنجش اثربخشی، اجرای درست و دستیابی به اهداف قانون، یک سازوکار ارزیابی درون‌قانونی تعریف کرده است یا نه.	- الزام به گزارش ارزیابی توسط مجری. - ارزیابی مستقل توسط نهاد ناظر.	قانون جهش تولید دانش بنیان، مصوب ۱۴۰۱/۰۲/۱۱، با اصلاحات و الحاقات بعدی؛ معاونت علمی مکلف به ارائه گزارش عملکرد به مجلس شده‌اند. ^۱
۳	قابلیت اصلاح تدریجی قانون	آیا قانون امکان اصلاح از طریق آیین‌نامه‌ها یا کمیته‌های تخصصی را فراهم کرده؟	- ارجاع امور فنی و اجرایی به آیین‌نامه‌ها. - اختیارات تنظیم‌گری به نهاد تخصصی. - اعطای اختیارات بازنگری داخلی به مجری.	دستورالعمل اجرایی «ساماندهی مراکز صدور گواهی الکترونیکی میانی-مرکز دولتی صدور گواهی الکترونیکی ریشه» مصوب ۱۳۸۸/۲، مسائل فنی مثل امضای دیجیتال، نهادهای گواهی‌کننده، امنیت اطلاعات در آیین‌نامه آمده است. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸، با اصلاحات و الحاقات بعدی، بخش‌هایی از مقررات‌گذاری به شورای رقابت و هیئت واگذاری سپرده شد. ^۲
۴	مکانیزم بازنگری ادواری	آیا در متن قانون، زمان مشخصی برای بازبینی و اصلاح محتوا پیش‌بینی شده است یا نه؛ مثلاً «بازنگری هر ۵ سال یک‌بار» یا «تجدیدنظر پس از ارزیابی اجرای سه‌ساله قانون».	- بازنگری زمان‌محور. - بازنگری مبتنی بر ارزیابی اثربخشی. - بازنگری مشروط به تحولات بیرونی.	قانونگذار صراحتاً می‌گوید: «این قانون باید هر ۵ سال یک‌بار بازنگری شود» (مانند برخی قوانین برنامه‌ای یا فناوری). یا مشروط به نتایج پایش یا گزارش نهاد ناظر است (مثلاً: «در صورت اثبات ناکارآمدی، بازنگری الزامی است»)

۱. ماده (۲۰) - معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور و وزارتخانه ذی‌ربط مسئولیت پیگیری اجرای این قانون را برعهده دارند و گزارش آن را هر شش ماه به کمیسیون‌های آموزش، تحقیقات و فناوری، صنایع و معادن، اقتصادی و کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی ارائه می‌کنند.
۲. به عنوان مثال؛ فصل دوم، ماده (۶)، بند ۱ و ۲ و ۳ و ۵، فصل دوم، ماده (۷) مکرر، تبصره «۲»، فصل نهم، مواد (۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹).

ردیف	مقوله	تشریح	توضیح	مثال
۵	مستندسازی و انتشار تجربه‌های اجرایی قانون	آیا سازوکارهایی برای ثبت، مستندسازی و به اشتراک‌گذاری تجربه‌های اجرایی قانون (موفقیت‌ها، چالش‌ها، ناکامی‌ها و ...) وجود دارد؟ (درس‌آموزی)	- شفاف‌سازی تجربه‌ها. - افزایش کیفیت بازنگری. - ایجاد حافظه نهادی.	<u>اجرای قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، مصوب ۱۳۸۹/۰۲/۲۲</u> ، با اصلاحات و الحاقات بعدی، در استان‌ها با تفاوت‌های زیادی همراه بوده است. برخی استان‌ها (مثل فارس یا خراسان رضوی) تجربه‌های موفق در توانمندسازی زنان داشتند، اما این تجربه‌ها به‌طور رسمی مستندسازی و منتشر نشد، لذا سایر استان‌ها نتوانستند از آن الگو بگیرند. <u>قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۱۷</u> ، با اصلاحات و الحاقات بعدی، بارها اصلاح شده (۱۳۹۴ و ۱۴۰۰) اما بسیاری از بازنگری‌ها بدون بررسی دقیق مشکلات اجرای قبلی صورت گرفته است. اگر گزارش‌های سالیانه از مشکلات اجرای این قانون (مثلاً بار مالیاتی بر مشاغل خرد یا تداخل اختیارات با شهرداری‌ها) مستند و منتشر می‌شد، اصلاحات می‌توانست هدفمندتر باشد.
۶	امکان یادگیری و انطباق با قانون	آیا در طراحی یا اجرای قانون، سازوکارهایی برای انتقال تجربه، تطبیق با عملکرد سایر نهادها یا بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته پیش‌بینی شده است؟	- یادگیری از بیرون (بین‌نهادی / بین‌قوانینی / تطبیقی). - یادگیری از درون (نهادی / اجرایی / ساختاری).	<u>قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، مصوب ۱۳۸۹/۰۴/۲۳</u> ، با اصلاحات و الحاقات بعدی گرچه هدف خوبی داشت، اما از تجربه پیشین «قانون نظام صنفی کشاورزی» که در اجرا دچار تعارضات نهادی شده بود، استفاده نکرد. نتیجه آن شد که همان مشکلات تعارض مسئولیت میان وزارت جهاد و سایر نهادها دوباره تکرار شد. در اجرای «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب سال ۱۳۸۷)»، بسیاری از نهادها ابتدا ظرفیت فنی یا فرایند مناسب نداشتند. اما این قانون اجازه می‌داد که با پیشرفت سامانه‌ها و ساختار پاسخ‌گویی، رویه‌های اجرایی به‌روز شوند. این انعطاف‌پذیری، امکان یادگیری نهادی را فراهم کرد.
۷	استفاده از نوآوری باز	آیا قانون یا سازوکارهای آن امکان مشارکت نهادهای گوناگون، متخصصان، شرکت‌های نوآور و حتی شهروندان را در بازنگری و بازطراحی فراهم می‌کند؟ استفاده از مدل «آزمایشگاه خط‌مشی‌گذاری» ^۱		<u>قانون جهش تولید دانش‌بنیان، مصوب ۱۴۰۱/۰۲/۲۱</u> ، با اصلاحات و الحاقات بعدی، در فرایند تدوین و بازنگری این قانون، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری با استفاده از ظرفیت نخبگان دانشگاهی، شرکت‌های دانش‌بنیان، شتاب‌دهنده‌ها و شبکه‌های تخصصی غیردولتی مشارکت گسترده‌ای را در تهیه پیش‌نویس‌ها و مقررات اجرایی سامان داد. این فرایند نوعی از نوآوری باز در سیاست‌گذاری است که به‌جای تکیه صرف بر کارشناسان دولتی، از شبکه بازیگران بیرونی بهره برد. حتی سامانه‌ای برای دریافت پیشنهادها و شرکت‌های دانش‌بنیان راه‌اندازی شد (پلتفرم‌های همفکری مثل «پنجره واحد» یا مشارکت در تدوین آیین‌نامه‌ها در درگاه‌های رسمی)
۸	بهره‌گیری از سیستم‌های شناختی هوشمند	آیا امکان یا ظرفیت استفاده از ابزارهای تحلیل داده، هوش مصنوعی و ... سیستم‌های تصمیم‌یار در ارزشیابی، پیش‌بینی و اصلاح قانون دیده شده است؟		<u>قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱</u> ، با اصلاحات و الحاقات بعدی، سازمان امور مالیاتی در سال‌های اخیر تلاش کرده با راه‌اندازی سامانه مؤدیان، پایانه‌های فروشگاهی و پایگاه اطلاعات مؤدیان، از داده‌کاوی و الگوریتم‌های هوشمند برای تحلیل رفتار مالیاتی استفاده کند. هرچند قانون مستقیماً به «هوش مصنوعی» اشاره نکرده، اما ظرفیت زیرساختی برای تحلیل‌های شناختی (مثلاً کشف فرار مالیاتی، رفتار غیرعادی یا تحلیل ریسک مؤدیان) در حال گسترش است. داده‌های این سامانه به‌تدریج می‌توانند مبنای بازنگری در نرخ‌ها، معافیت‌ها و ساختار قانون شوند. این یک نمونه از یادگیری تقویت شده با فناوری شناخت (داده‌کاوی رفتاری) است.

مأخذ: همان.



منظور از «بازخورد رسمی» یعنی اطلاعات برگشتی ساختاریافته که در یک چارچوب زمانی مشخص و به صورت دوره‌ای جمع‌آوری می‌شود، از طرف نهادهای مجری، ذی‌نفعان، گروه‌های هدف یا ارزشیابان مستقل ارائه می‌شود و نقش مستقیم در اصلاح، تکمیل یا تمدید قانون دارد. وجود سازوکار بازخورد رسمی در متن قانون، پایه اصلی برای یادگیری، اصلاح و افزایش اثربخشی است. قوانینی که فاقد این سازوکار هستند، در معرض خطر «فاصله گرفتن از واقعیت اجرا»، «انباشته شدن ناکارآمدی» و «بی‌اعتمادی اجتماعی» هستند. درج این سازوکار در مرحله تدوین قانون، نشانه بلوغ و مسئولیت‌پذیری نظام قانونگذاری است. در بیشتر قوانین ایران، چنین سازوکارهایی یا اصلاً پیش‌بینی نشده‌اند یا به شکل صوری و غیرالزام‌آور نوشته شده‌اند. مثلاً قانونگذار اشاره می‌کند که «وزارت موظف است گزارش عملکرد دهد»، اما هیچ ضمانت اجرایی یا قالب مشخصی برای گزارش تعیین نمی‌شود.

مقوله «قابلیت اصلاح تدریجی قانون» به بررسی آن دسته از ویژگی‌های ساختاری در متن قانون می‌پردازد که اجازه می‌دهند قانون به مرور و بدون نیاز به فرایند رسمی و پرهزینه اصلاح قانون اصلی (توسط مجلس)، خود را با شرایط جدید، پیچیدگی‌های اجرایی یا خطاهای آشکار تطبیق دهد. این مقوله، شاخص مهمی از «انعطاف‌پذیری نهادی» و یادگیری تطبیقی در فرایند قانونگذاری است. قوانینی که به جای تعریف قواعد سخت و تغییرناپذیر در متن اصلی، امکان «تفسیر»، «تطبیق» یا «تنظیم ثانویه» را از طریق آیین‌نامه‌ها، مصوبات هیئت‌وزیران، کمیته‌های فنی یا نهادهای تخصصی فراهم می‌کنند، این امکان را دارند که به شکل تدریجی و کم‌هزینه اصلاح شوند. این اصلاحات می‌توانند شامل به‌روزرسانی مفاد فنی، تعیین مصادیق متغیر، بازتعریف اولویت‌ها یا گروه‌های هدف، تعیین جزئیات اجرایی در پاسخ به شرایط متحول باشند، بدون آن‌که نیاز به تغییر متن مصوب مجلس باشد. اصلاح تدریجی به نهادها امکان می‌دهد در برابر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناورانه، چابک باشند. هزینه اصلاح بسیار پایین‌تر از اصلاح رسمی قانون است. به اعتماد عمومی کمک می‌کند، چون مردم می‌بینند قانون می‌تواند اشتباهات خود را به مرور جبران کند. در طول اجرای «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، چند تحول کلیدی رخ داد که نشان‌دهنده یادگیری نهادی و انعطاف‌پذیری قانون در برابر شرایط متغیر بود. نخست، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با راه‌اندازی سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، زیرساختی یکپارچه برای ثبت و پاسخ‌گویی به درخواست‌ها ایجاد کرد و به تدریج همه نهادهای مشمول قانون را به پیوستن به این سامانه ملزم کرد. دوم، از طریق تعامل با نهادهای فنی مانند سازمان فناوری اطلاعات، زیرساخت‌های اجرایی تقویت شد. سوم، ارزیابی سالیانه عملکرد دستگاه‌ها در اجرای قانون توسط وزارت فرهنگ، با شاخص‌هایی مانند نرخ پاسخ‌گویی و زمان پاسخ، به ابزاری برای شفاف‌سازی و فشار رسانه‌ای و افکار عمومی برای بهبود عملکرد تبدیل شد. درنهایت، برخی نهادها مانند نهاد ریاست جمهوری، وزارت بهداشت و شهرداری تهران با آموزش نیروی انسانی و بازنگری در رویه‌ها، به تدریج کیفیت اجرای قانون را ارتقا دادند؛ مجموعه این اقدام‌ها نمونه‌ای روشن از انطباق تدریجی و یادگیری نهادی در مسیر اجرای قانون به شمار می‌آید.

برخی مقوله‌ها، مانند انعطاف در ابزارهای اجرایی و بازنگری مبتنی بر شواهد، به ظرفیت شناختی و انطباق‌پذیری قانون با داده‌ها و تغییرهای محیطی اشاره دارند. افزون بر این، بهره‌گیری از نوآوری باز و استفاده از سیستم‌های شناختی هوشمند در تحلیل اجرای قانون به عنوان معیارهای نوین، نقش فناوری، نخبگان و بازیگران غیردولتی را در یادگیری، اصلاح و بازطراحی قوانین برجسته می‌سازند. این رویکرد، قانون را به نهادی زنده و قابل تکامل بدل می‌کند که می‌تواند با تحولات اجتماعی، نهادی و فناورانه همراه شود.

جدول ۲۴. جمع‌بندی زیرشاخص‌های ارزشیابی «یادگیری و بهبود» در قوانین

ردیف	مقوله	مناسب برای چه نوع قوانینی
۱	وجود سازوکار بازخورد رسمی	قوانین اجتماعی، رفاهی، شهری و محیط‌زیستی که اجرای آنها به تعامل با مردم و ذی‌نفعان وابسته است. مانند: قانون حمایت از حقوق معلولان
۲	الزام به ارزیابی و پایش قانون	قوانین جدید یا نوآورانه (مثل دانش‌بنیان)، قوانین اقتصادی یا ساختار ساز که اثربخشی آنها باید سنجیده شود تا از انحراف جلوگیری شود.
۳	قابلیت اصلاح تدریجی قانون	قوانین حوزه فناوری، تجارت، تنظیم‌گری یا هر قانونی با جزئیات فنی بالا که نیاز به انطباق سریع و غیررسمی دارد.
۴	مکانیزم بازنگری ادواری	قوانین برنامه‌ای، توسعه‌ای، سیاست‌محور یا فناوری‌محور که دوره عمر آنها محدود یا مشروط به تحولات بیرونی است.
۵	مستندسازی و انتشار تجربه‌های اجرای قانون	قوانین با اجرای گسترده یا چندلایه، مثل قوانین آموزش، سلامت، محیط‌زیست یا شفافیت، که نیازمند یادگیری جمعی و انتقال تجربه بین نهادها و مناطق گوناگون هستند.
۶	امکان یادگیری و انطباق با قانون	قوانین بلندمدت یا با موضوع‌های پویا (مانند دسترسی به اطلاعات، تحول دیجیتال و خدمات عمومی) که باید قابلیت تطبیق با تجربه‌های تغییرهای نهادی و داده‌های جدید را داشته باشند.
۷	بهره‌گیری از نوآوری باز	قوانینی که نیازمند تعامل با بازیگران غیردولتی، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و جامعه مدنی برای تولید راه‌حل‌های اجرایی نوآورانه هستند (مانند قوانین زیست‌محیطی، شهری، فناوری و سلامت)
۸	استفاده از سیستم‌های شناختی هوشمند	قوانینی که در اجرا با داده‌های حجیم یا پیچیدگی بالا روبه‌رو هستند و نیازمند تحلیل مستمر داده‌ها، برای تصمیم‌گیری بهترند (مانند قوانین حمل‌ونقل هوشمند، سلامت دیجیتال یا تنظیم‌گری پلتفرم‌ها)

مأخذ: همان.

معیارهای «یادگیری و بهبود» در قوانین نشان می‌دهد که یک قانون اثربخش باید نه تنها در زمان تصویب، بلکه در طول اجرا نیز قابلیت سازگاری، اصلاح و ارتقای مستمر را داشته باشد. این مقوله‌ها از بازخورد رسمی و ارزیابی ادواری گرفته تا مستندسازی تجربه‌ها، نقش نهادهای ارزیاب مستقل و سازوکارهای بازنگری را شامل می‌شوند. همچنین، قابلیت انطباق با تغییرهای نهادی، امکان یادگیری بین‌نهادی، بهره‌گیری از نوآوری باز و استفاده از سیستم‌های شناختی هوشمند، مؤلفه‌هایی هستند که نشان می‌دهند قانون باید به‌عنوان یک سازوکار یادگیرنده طراحی شود، نه یک متن ایستا. این رویکرد به‌ویژه برای قوانین فناوریانه، خط‌مشی‌محور، اجتماعی یا با ذی‌نفعان متعدد حیاتی است، چراکه شرایط محیطی، داده‌های تازه و تجربه‌های اجرایی همواره در حال تغییرند و قانون باید توان انطباق و یادگیری از آنها را داشته باشد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بسیاری از مدل‌ها و شاخص‌های ارزشیابی قوانین، در کشورهای توسعه‌یافته طراحی شده‌اند که نظام حکمرانی‌شان با ایران متفاوت است. در ایران، اجرای قانون تحت تأثیر عواملی مانند تداخل نهادها، نبود پایش مستمر، پیچیدگی‌های سیاسی، ضعف ظرفیت اجرایی و ... است. بنابراین، باید شاخص‌هایی تعریف کرد که با این واقعیت‌ها سازگار باشند. الگوی بومی می‌کوشد از تجربه جهانی استفاده کند، اما آن را با شرایط داخلی تطبیق دهد تا با نظام حقوقی، ساختار سیاسی، ظرفیت نهادی، چالش‌های اجرایی و فرهنگی کشور همخوانی داشته باشد.

با توجه به مجموعه شاخص‌های شناسایی شده، ارائه راهکارهای سیاستی و اجرایی امری ضروری است تا چارچوب ارزشیابی قوانین صرفاً در سطح نظری باقی نماند و قابلیت پیاده‌سازی در فرایندهای قانونگذاری، نظارت و بازنگری را پیدا کند. از آنجاکه

این چارچوب در دو گزارش مستقل، اما مکمل تدوین شده است، پیشنهاد‌های کاربردی نیز به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: **دسته اول؛ راهکارهای زیرساختی و مفهومی و دسته دوم؛ پیشنهاد‌های اجرایی و اصلاح‌محور.** تقسیم راهکارها به دو دسته زیرساختی و اجرایی، ضمن حفظ انسجام گزارش، به درک مرحله‌ای و تدریجی از فرایند استقرار نظام ارزشیابی قوانین کمک می‌کند. دسته اول راهکارها در گزارش قبلی به تفصیل ارائه شد، در این گزارش به دسته دوم راهکارها اشاره خواهد شد. در ادامه توسعه شاخص‌ها، دسته دوم از راهکارها با هدف عملیاتی‌سازی کامل چارچوب، بهره‌برداری ساختاری از نتایج ارزشیابی و هدایت اصلاحات قانونی پیشنهاد می‌شوند:

۱ پشتیبانی از فرایندهای تصمیم‌گیری در نهادهای حاکمیتی و نظارتی

چارچوب ارزشیابی طراحی شده می‌تواند در اختیار نهادهایی مانند مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور یا معاونت حقوقی ریاست جمهوری قرار گیرد. این نهادها، در فرایندهای زیر از آن استفاده می‌کنند:

الف) مرکز پژوهش‌های مجلس

هنگام بررسی طرح‌ها و لوایح جدید، فرم ارزشیابی مبتنی بر این چارچوب را پر کند، اگر قانون پیشنهادی در شاخص‌هایی مثل «پایداری» یا «پاسخ‌دهی» ضعیف باشد، پیشنهاد بازنگری دهد.

ب) دیوان محاسبات یا سازمان بازرسی کل کشور

در گزارش‌های نظارتی خود بر اجرای قانون، از این شاخص‌ها استفاده کند، مثلاً «قانون مدیریت پسماند»، از منظر «ظرفیت نهادی» فاقد نهاد متولی مشخص بوده و همین موجب فقدان موفقیت در اجرا می‌شود.

ج) معاونت حقوقی ریاست جمهوری

در بازبینی و تدوین آیین‌نامه‌ها، تطابق آنها با شاخص‌های موردنظر را بررسی کند، با این تدابیر نهادهای نظارتی و تقنینی می‌توانند تصمیم‌های مستندتر و علمی‌تری بگیرند، چون ابزارهای تحلیل قانون در اختیار دارند.

۲ هدایت فرایند بازنگری و اصلاح قوانین

یکی از مشکلات جدی در کشور، انباشت قوانین ناکارآمد و متضاد است. چارچوب ارزشیابی طراحی شده می‌تواند مانند قطب‌نما عمل کند و به نهاد قانونگذار بگوید کدام قوانین اولویت بیشتری برای بازنگری دارند و در کدام بخش‌ها باید چه نوع اصلاحاتی صورت بگیرد. به عنوان مثال؛

الف) قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب سال ۱۳۸۸)؛ در ارزشیابی جدید مشخص می‌شود این قانون از منظر «پویایی و انعطاف‌پذیری» ضعیف است، چون با ظهور پلتفرم‌ها و فناوری‌های نو، پوشش‌دهی کافی ندارد. در نتیجه می‌توان بازنگری اساسی و تدوین نسخه جدید متناسب با چالش‌های هوش مصنوعی و بلاک‌چین را پیشنهاد داد.

ب) قانون حمایت خانواده (مصوب سال ۱۳۹۱)؛ در شاخص‌های «عدالت اجتماعی» و «برابری جنسیتی» امتیاز پایینی دارد. تدوین متمم‌های حمایتی از زنان سرپرست خانوار یا سازوکارهای مشارکت بیشتر زنان در دعاوی حقوقی را می‌توان پیشنهاد داد.

ج) قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب سال ۱۳۸۷)؛ ارزشیابی نشان می‌دهد اجرای قانون در مناطق محروم با چالش‌های نهادی و زیرساختی مواجه بوده است. در نتیجه تغییر در روش اجرا، نه در متن قانون، پیشنهاد می‌شود.

با توجه به مثال‌های فوق، فرایند بازنگری قوانین از حالت واکنشی، فردمحور یا سلیقه‌ای خارج می‌شود و بر مبنای داده، شواهد و ارزشیابی سیستمی و مشارکتی انجام می‌شود.

۳ مشارکت نهادهای مدنی در ارزشیابی قوانین

در چارچوب‌های نوین حکمرانی، مشارکت نهادهای مدنی در ارزشیابی و اصلاح قوانین نقش کلیدی دارد، زیرا این نهادها؛ به

مسائل مردم نزدیک‌ترند، توانایی انتقال بازخوردهای میدانی درباره اثربخشی یا ناکارآمدی قوانین را دارند و می‌توانند به نمایندگی از گروه‌های آسیب‌پذیر، مطالبات را در فرایند قانونگذاری یا اصلاحات مطرح کنند. مشارکت نهادهای مدنی به معنای حضور مؤثر انجمن‌های صنفی، تشکل‌های مردم‌نهاد (NGOها)، نهادهای حرفه‌ای، اتحادیه‌ها و حتی شوراهای محلی و گروه‌های ذی‌نفع در مراحل گوناگون چرخه حیات قانون است.

به‌عنوان مثال؛

۱ قانون حمایت از حقوق معلولان

نهادهای مدنی مرتبط با معلولان، نقش مهمی در ارزشیابی میزان اجرای این قانون ایفا می‌کنند. مثلاً گزارش‌هایی درباره نبود مناسب‌سازی معابر یا فقدان تخصیص بودجه خدمات حمایتی تهیه و منتشر می‌کنند.

۲ قانون هوای پاک

انجمن‌های زیست‌محیطی مثل دیده‌بانان زمین یا کمپین‌هایی مانند «نفس بکش» با پایش کیفیت هوا و تحلیل گزارش‌های دولتی، بر اجرای این قانون نظارت غیررسمی دارند.

۳ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

سازمان‌های شفافیت و ضد فساد، با ارسال درخواست‌های اطلاعاتی و رصد میزان پاسخ‌گویی نهادهای شاخص‌هایی برای اجرای این قانون ارائه کرده‌اند.

مشارکت نهادهای مدنی در ارزشیابی قوانین از آن‌رو اهمیت دارد که این نهادها، با ایفای نقش واسطه میان جامعه و حاکمیت، بازخوردهای مردمی را به زبان سیاستی ترجمه می‌کنند. آنها با توجه به ارتباط مستقیم با جامعه هدف، می‌توانند اثربخشی قوانین را در عمل ارزشیابی کرده و هشدارهای مستند و به‌موقع درباره نیاز به بازنگری یا اصلاح قوانین ارائه دهند. مشارکت این نهادها می‌تواند در سطوح گوناگونی شکل گیرد، از جمله؛ اطلاع‌رسانی و مطالبه‌گری (مانند کمپین‌های عمومی)، پایش مردمی و مستندسازی اجرای قوانین (مانند گزارش‌های زیست‌محیطی)، ارائه پیشنهادهای اصلاحی در تعامل با مجلس و حتی همکاری رسمی در فرایندهای ارزشیابی. برای تقویت این مشارکت، سه مسیر کلیدی پیشنهاد می‌شود: نخست، طراحی سازوکارهایی مانند کارگروه‌های مشارکتی و سامانه‌های رسمی دریافت بازخورد؛ دوم، ارتقای ظرفیت نهادهای مدنی از طریق حمایت مالی، آموزشی و حقوقی؛ سوم، شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی از سوی نهادهای حاکمیتی به نقدها و تحلیل‌های این گروه‌ها، از جمله با الزام به پاسخ‌دهی، انتشار عمومی ارزشیابی‌ها و راه‌اندازی سامانه‌های پاسخ به نقد نهادهای مدنی. این اقدام‌ها در مجموع می‌تواند به نهادینه‌سازی ارزشیابی مشارکتی و افزایش مشروعیت و کارآمدی قوانین بیانجامد.

جدول ۲۵. کارکردهای عملی چارچوب ارزشیابی قوانین و کاربرد آن در نظام حکمرانی کشور

ردیف	کاربرد	توضیح مختصر	نمونه ابزار یا اقدام	نهادهای ذی‌ربط پیشنهادی
۱	تصمیم‌سازی در نهادهای حاکمیتی و نظارتی	بهره‌گیری از چارچوب در تحلیل طرح‌ها، لوایح و گزارش‌های نظارتی	ارزیابی تطبیقی قوانین قبل از تصویب. تحلیل‌های نظارتی مبتنی بر شاخص‌ها. گزارش‌های هشداردهنده بر مبنای داده.	مجلس شورای اسلامی دیوان محاسبات کشور سازمان بازرسی کل کشور
۲	هدایت بازنگری و اصلاح قوانین	اولویت‌بندی قوانین نیازمند بازنگری و پیشنهاد اصلاحات هدفمند	گزارش آسیب‌شناسی قوانین متروک یا ناکارآمد. تدوین نسخه به‌روز شده قوانین قدیمی. طراحی متمم‌های اصلاحی مبتنی بر شاخص‌ها.	مجلس، مرکز پژوهش‌ها، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، کمیسیون‌های تخصصی مجلس
۳	مشارکت نهادهای مدنی در ارزشیابی قوانین	بهره‌گیری از ظرفیت انجمن‌ها، تشکل‌ها و گروه‌های تخصصی برای پایش و ارائه بازخوردهای مردمی نسبت به قوانین	تشکیل کارگروه‌های مشارکتی با حضور نهادهای مدنی. دریافت گزارش‌های مردمی و تحلیل میدانی از اجرای قوانین. طراحی سامانه‌های مشارکت و بازخورد مردمی.	مرکز پژوهش‌های مجلس. کمیسیون‌های تخصصی مجلس. وزارت کشور (دفتر امور اجتماعی و فرهنگی). اندیشکده‌ها و نهادهای مدنی و تخصصی مرتبط.

مأخذ: همان.



یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، ارائه یک نقشه جامع از ۲۴ شاخص است که با ترکیب ۱۲ شاخص بررسی شده در این گزارش و ۱۲ شاخص تکمیلی در گزارش قبلی^۱ استخراج شده است. این شاخص‌ها در پنج بُعد اصلی (کارکردی، هنجاری و ارزشی، رویه‌ای، نهادی-حکمرانی و نتیجه‌ای) دسته‌بندی شده‌اند. چنین دسته‌بندی علمی و نظام‌مند، علاوه بر آنکه چارچوبی کاربردی برای ارزشیابی جامع قوانین فراهم می‌آورد، امکان تحلیل نظام‌مند و مستدل را نیز ایجاد می‌کند و به بهبود انسجام مفهومی گزارش کمک می‌کند. این چارچوب، به‌ویژه در طراحی مدل‌های عملیاتی برای ارزشیابی قوانین، امکان سنجش ابعاد گوناگون قانون را فراهم می‌سازد و می‌تواند به‌عنوان یک ابزار علمی برای ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و بهبود فرایند قانونگذاری در نظام حکمرانی مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۲۶. نقشه جامع شاخص‌های ارزشیابی قوانین

۱. شاخص‌های کارکردی (Functional)		
شاخص	تعریف	معیارهای عملیاتی سنجش
اثربخشی	میزان تحقق اهداف پیش‌بینی شده قانون	درصد تحقق اهداف کمی و کیفی؛ تغییر شاخص‌های بخش هدف؛ رضایت ذی‌نفعان اصلی
کارایی	نسبت بهینه منابع مصرفی به نتایج حاصل	نسبت هزینه‌ها به منافع؛ زمان صرف‌شده؛ میزان اتلاف منابع
کفایت	میزان پوشش نیازها و مسائل توسط قانون	جامعیت موضوع‌های تحت پوشش؛ کفایت مقررات برای حل مسئله؛ نیاز به قوانین مکمل
استفاده از منابع	میزان بهره‌گیری درست و عادلانه از منابع مالی، انسانی و طبیعی	تخصیص بهینه بودجه؛ استفاده متوازن از ظرفیت دستگاه‌ها؛ جلوگیری از اسراف و انحصار منابع
پایداری	توانایی قانون برای ایجاد آثار پایدار در بلندمدت	دوام نتایج مثبت؛ پرهیز از راه‌حل‌های مقطعی
۲. شاخص‌های هنجاری و ارزشی (Normative)		
برابری و شمولیت اجتماعی	میزان پوشش گروه‌های گوناگون جامعه	دسترسی برابر اقشار به مزایا؛ عدم تبعیض؛ توجه به زنان، اقلیت‌ها و مناطق محروم
مشروعیت یا پذیرش اجتماعی	میزان پذیرش عمومی و همراهی جامعه با قانون	نظرسنجی از شهروندان؛ سطح اعتراض یا مقاومت اجتماعی؛ مشروعیت فرهنگی-دینی
عدالت	رعایت عدالت و انصاف در توزیع منابع و هزینه‌ها	کاهش نابرابری؛ توجه به اقشار آسیب‌پذیر؛ توزیع عادلانه منافع
تناسب	متناسب بودن ابزارها و الزام‌های قانون با اهداف آن	تناسب شدت مداخله قانونی با اهمیت مسئله؛ پرهیز از افراط و تفریط

۱. ارزشیابی قوانین (۷): معرفی و پیش‌درآمدی بر شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی قوانین.

۳. شاخص‌های روبه‌ای (Procedural)		
طراحی	کیفیت تدوین قانون و وضوح ساختاری آن	انسجام مواد قانونی؛ پرهیز از ابهام؛ قابلیت اجرا
ارتباط	شفافیت و هم‌افزایی قانون با سایر قوانین و خط‌مشی‌ها	هم‌اهنگی با خط‌مشی‌های ملی؛ نبود تعارض با قوانین موجود؛ انسجام بین‌بخشی
تکرارپذیری	قابلیت استفاده از تجربه اجرای قانون در قوانین یا خط‌مشی‌های مشابه	امکان الگوبرداری؛ تولید دانش اجرایی؛ قابلیت بازطراحی در حوزه‌های دیگر
پاسخ‌دهی	توان قانون در پاسخ به نیازها و مسائل جامعه	انعکاس نیازهای واقعی؛ اصلاح براساس بازخورد؛ سرعت پاسخ به تغییرها
امکان‌سنجی	قابلیت اجرای عملیاتی قانون	بررسی منابع موجود؛ زیرساخت‌های لازم؛ ارزشیابی پیش از تصویب
به‌موقع بودن	زمان‌بندی مناسب تصویب و اجرای قانون	تناسب با شرایط اقتصادی-اجتماعی روز؛ سرعت اجرا در زمان درست
یادگیری و بهبود	قابلیت اصلاح و ارتقای قانون براساس تجربه	ارزشیابی‌های دوره‌ای؛ اصلاح براساس داده‌های تجربی؛ وجود مکانیزم بازنگری
۴. شاخص‌های نهادی-حکمرانی (Institutional - Governance)		
انسجام و هم‌سویی	میزان هم‌اهنگی قانون با خط‌مشی‌ها، قوانین موجود و اهداف کلان حکمرانی	نبود تعارض یا تداخل با قوانین و مقررات موجود؛ انطباق با برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی؛ انسجام بین‌بخشی و فرابخشی
ظرفیت نهادی / اداری	توان دستگاه‌های مسئول برای اجرای قانون	کفایت منابع انسانی و مالی؛ ساختار اجرایی روشن؛ وجود سازوکار هم‌اهنگی نهادی
تاب‌آوری	توان قانون در مدیریت بحران‌ها و شرایط پیش‌بینی‌نشده	انعطاف در مواجهه با بحران؛ امکان ادامه اجرا در شرایط خاص
استحکام	مقاومت قانون در برابر تغییرها یا فشارهای بیرونی	ثبات احکام؛ دوام در برابر تغییر دولت‌ها یا شرایط سیاسی؛ قابلیت حفظ کارکرد در گذر زمان
۵. شاخص‌های نتیجه‌ای (Outcome)		
پیامد (نتایج مستقیم)	نتایج مستقیم و کوتاه‌مدت اجرای قانون	تغییر وضعیت بخش هدف؛ بهبود خدمات؛ تحقق اهداف عملیاتی
آثار ناخواسته	پیامدهای منفی پیش‌بینی‌نشده اجرای قانون	افزایش هزینه‌ها؛ آسیب به گروهی از مردم؛ مشکلات جدید اقتصادی
پیامدهای ناخواسته	آثار غیرمستقیم و جانبی منفی یا مثبت	تورم؛ تبعیض جدید؛ آثار زیست‌محیطی
تأثیر نهایی	نتایج کلان و بلندمدت قانون بر جامعه	بهبود رفاه عمومی؛ ارتقای حکمرانی؛ افزایش اعتماد اجتماعی

مأخذ: همان.



جدول فوق با دسته‌بندی شاخص‌های ارزشیابی قوانین به پنج حوزه اصلی (کارکردی، هنجاری-ارزشی، رویه‌ای، نهادی-حکمرانی و نتیجه‌ای)، تصویری جامع و نظام‌مند از ابعاد گوناگون قانونگذاری ارائه می‌دهد. شاخص‌های کارکردی بر کیفیت عملکرد و نتایج مستقیم قوانین متمرکزند، درحالی‌که شاخص‌های هنجاری و ارزشی، عدالت، مشروعیت و شمول اجتماعی را به‌عنوان معیارهای بنیادین سنجش در نظر می‌گیرند. شاخص‌های رویه‌ای بر کیفیت طراحی، امکان‌پذیری و به‌موقع بودن تصویب و اجرا تأکید دارند و شاخص‌های نهادی و حکمرانی به ظرفیت ساختاری و توانایی نظام اداری در پشتیبانی از اجرای قانون می‌پردازند. درنهایت، شاخص‌های نتیجه‌ای بر ارزیابی نتایج کوتاه‌مدت، آثار ناخواسته و پیامدهای کلان و پایدار قوانین تمرکز دارند. بدین ترتیب، این چارچوب نه تنها ابعاد کارکردی و اجرایی، بلکه ارزش‌ها، رویه‌ها، نهادها و پیامدهای اجتماعی و کلان را نیز در برمی‌گیرد و می‌تواند به‌عنوان یک ابزار جامع برای ارتقای کیفیت قانونگذاری و تصمیم‌گیری در نظام حکمرانی مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۲۷. پیشنهاد توصیه‌سیاستی

ردیف	نوع توصیه تداوم/اصلاح	توصیه سیاستی	الزام‌ها و قیود اجرایی	دستگاه متولی	دستگاه معین	زمان‌بندی اجرا
۱	اصلاح	الزامی شدن درج «شاخص‌های سنجش‌پذیر» و «پیوست عدالت» در متن تمامی طرح‌ها و لوایح جدید.	تصویب آیین‌نامه داخلی مجلس. تهیه دستورالعمل و فرم‌های استاندارد توسط مرکز پژوهش‌ها. آموزش نمایندگان و کارشناسان مرتبط.	مجلس شورای اسلامی	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - کمیسیون‌های تخصصی	میان‌مدت (۱۸ تا ۲۴ ماه)
۲	اصلاح	طراحی و نهادینه‌سازی «مکانیزم بازنگری ادواری» برای قوانین مهم (با اولویت‌بندی براساس شاخص‌های چارچوب).	تعریف معیارهای اولویت‌بندی قوانین برای بازنگری. تخصیص بودجه و نیروی انسانی به کمیسیون‌های مجلس برای این امر. ایجاد سامانه رصد مستمر اجرای قوانین.	مجلس شورای اسلامی	مرکز پژوهش‌های مجلس - دبیرخانه کمیسیون‌های تخصصی - معاونت حقوقی ریاست جمهوری	بلندمدت (به صورت تدریجی و پایلوت از ۶۳ ماه)
۳	تداوم/تقویت	استفاده اجباری از چارچوب شاخص‌ها در گزارش‌های نظارتی دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور.	اصلاح آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظارتی این نهادها. آموزش کارشناسان ارزیابی و بازرسان. ایجاد بانک اطلاعاتی یکپارچه از عملکرد قوانین.	دیوان محاسبات کشور - سازمان بازرسی کل کشور	معاونت‌های نظارتی و ارزیابی این نهادها	کوتاه‌مدت تا میان‌مدت (۱۲ تا ۱۸ ماه)
۴	ایجاد	تأسیس «بانک اطلاعات ملی ارزشیابی قوانین» به‌عنوان مرجع شفاف و دسترسی‌پذیر.	تصویب قانون یا مصوبه هیئت‌وزیران. تعیین استانداردهای داده‌ای و پروتکل‌های به‌اشتراک‌گذاری. تخصیص بودجه و زیرساخت فنی (سامانه).	معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری	مرکز پژوهش‌های مجلس - مرکز آمار ایران - سازمان برنامه‌وبودجه	میان‌مدت (۲۴ ماه)

ردیف	نوع توصیه تداوم/اصلاح	توصیه سیاستی	الزام‌ها و قیود اجرایی	دستگاه متولی	دستگاه معین	زمان‌بندی اجرا
۵	اصلاح	الزام دستگاه‌های اجرایی به ارائه «گزارش سالیانه ارزشیابی قوانین حوزه خود» مبتنی بر شاخص‌های چارچوب.	ابلاغ دستورالعمل از سوی هیئت وزیران.	سازمان اداری و استخدامی کشور	کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی	میان‌مدت (۱۸ ماه برای تدوین دستورالعمل و ۱۲ ماه برای اجرای پایلوٹ)
			تعیین شاخص‌های اختصاصی برای هر حوزه توسط دستگاه متبوع یا همکاری مرکز پژوهش‌ها.			
			نظارت بر کیفیت گزارش‌ها توسط سازمان اداری و استخدامی.			
۶	ایجاد/تقویت	طراحی «سازوکار پایش مشارکتی» با نقش فعال برای نهادهای مدنی، انجمن‌های تخصصی و دانشگاه‌ها در ارزشیابی قوانین.	تصویب «آیین‌نامه مشارکت نهادهای مدنی در فرایند تقنین و نظارت» در مجلس.	وزارت کشور (دفتر امور اجتماعی و فرهنگی)	مرکز پژوهش‌های مجلس - سازمان برنامه‌بودجه - وزارت دادگستری	بلندمدت (۳۶ ماه به صورت تدریجی)
			اختصاص اعتبارات تشویقی و حمایتی.			
			ایجاد سامانه رسمی دریافت، پردازش و پاسخ به بازخوردهای مردمی.			
۷	تداوم/تقویت	اجرای برنامه‌های آموزشی مستمر برای نمایندگان مجلس، کارشناسان مرکز پژوهش‌ها و مدیران دستگاه‌های اجرایی در زمینه «ارزشیابی مبتنی بر شاخص»	گنجاندن دوره‌های آموزشی در برنامه سالانه مرکز پژوهش‌ها و سازمان اداری و استخدامی.	مدرسه حکمرانی و قانونگذاری شهید مدرس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	سازمان اداری و استخدامی کشور - دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی دانشگاه‌های معتبر	کوتاه‌مدت و مستمر (آغاز از ۶ ماه آینده)
۸	اصلاح	اصلاح ساختار و تقویت اختیارات «کمیسیون اصل نود» مجلس برای نظارت بر اجرای قوانین بر مبنای گزارش‌های ارزشیابی	بازنگری در آیین‌نامه داخلی مجلس به منظور ارتقای جایگاه این کمیسیون.	مجلس شورای اسلامی	کمیسیون اصل نودم قانون اساسی - هیئت رئیس مجلس	میان‌مدت (۱۸ ماه)
			الزام دستگاه‌ها به پاسخ‌گویی به استعلام‌های مبتنی بر شاخص‌های این کمیسیون.			
			تنسيق ارتباط این کمیسیون با دیوان محاسبات و سازمان بازرسی.			

مأخذ: همان.



- [1] Pierre, J., & Peters, B. (2005). *Governing complex societies: Trajectories and scenarios*. Springer. DOI: <https://doi.org/10.1057/9780230523256>
- [2] Reddy, P. S. (2016). Localising the Sustainable Development Goals (SDGs): the role of local government in context. <http://hdl.handle.net/2263/58190>
- [3] Howlett, M., Ramesh, M., & Perl, A. (1995). *Studying public policy: Policy cycles and policy subsystems* (Vol. 163). Toronto: Oxford University Press. <https://global.oup.com/academic/product/studying-public-policy-9780195428025>
- [4] Bovens, M. A. P., Goodin, R. E., & Schillemans, T. (Eds.). (2014). *The Oxford Handbook of public accountability*. Oxford handbooks. DOI: <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199641253.001.0001>
- [5] Vedung, E. (2017). *Public policy and program evaluation*. Routledge. DOI: <https://doi.org/10.4324/9781315083319>
- [6] Pawson, R., & Tilley, N. (1997). *Realistic evaluation*. <https://us.sagepub.com/en-us/nam/realistic-evaluation/book205276>
- [7] der Entwicklungszusammenarbeit, D. E. (2019). *Shaping sustainability: The 2030 Agenda in German development cooperation; Focus report*.
- [8] Rana, Z., Koch, D. J., & Diem, C. (2025). Progress and pitfalls when evaluating the unintended effects of public policy: The case of German international development cooperation. *Evaluation*, 13563890251347266. DOI: <https://doi.org/10.1177/13563890251347266>
- [9] Chollete, L., & Harrison, S. G. (2021). Unintended consequences: ambiguity, neglect and policy ineffectiveness. *Eastern Economic Journal*, 47(2), 206. DOI: <https://doi.org/10.1057/s41302-020-00184-2>
- [10] Emery, A., Moliere, L., Lang, P., Nicolson, M., & Prince, E. (2021). In CASE: A behavioural approach to anticipating unintended consequences.
- [11] Organisation for Economic Co-operation and Development. (1997). *Assessing the impacts of proposed laws and regulations*. OECD Publishing. DOI: <https://doi.org/10.1787/9789264162451-en>
- [12] Gerlich, P. (1986). Cause and consequence in legislation: an introduction. *European Journal of Political Research*, 14(3), 267-271. DOI: <https://doi.org/10.1111/j.1475-6765.1986.tb00836.x>
- [13] Mathis, K. (2011). Consequentialism in law. In *Efficiency, sustainability, and justice to future generations* (pp. 3-29). Dordrecht: Springer Netherlands. DOI: https://doi.org/10.1007/978-94-007-1869-0_1
- [14] Mulgan, R. (2000). Accountability: an ever-expanding concept? *Public administration*, 78(3), 555-573. DOI: <https://doi.org/10.1111/1467-9299.00218>
- [15] Bovens, M. A. P., Goodin, R. E., & Schillemans, T. (Eds.). (2014). *The Oxford handbook of public*

- accountability. Oxford handbooks <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199641253.001.0001>
- [16] Rolle, D. (2017). What Makes Citizens Satisfied?: The Influence of Perceived Responsiveness of Local Administration on Satisfaction with Public Administration.
- [17] Mukherjee, M., & Roy, S. (2017). Feasibility studies and important aspect of project management. *International Journal of Advanced Engineering and Management*, 2(4), 98-100. DOI: <https://doi.org/10.24999/ijoaem/02040025>
- [18] Arvanitis, S., & Estevez, L. (2018). Feasibility analysis and study. In *The Emerald Handbook of Entrepreneurship in Tourism, Travel and Hospitality: Skills for Successful Ventures* (pp. 109-129). Emerald Publishing Limited. DOI: <https://doi.org/10.1108/978-1-78743-529-220181010>
- [19] Ssegawa, J. K., & Muzinda, M. (2021). Feasibility assessment framework (FAF): A systematic and objective approach for assessing the viability of a project. *Procedia Computer Science*, 181, 377-385. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.procs.2021.01.176>
- [20] Masanja, N. M. (2020). A practical guide to writing a feasibility study. NMM PRINTERS.
- [21] Kutlu, O., Gezici, H. S., & Ozdemiray, S. M. (2013). Institutional Capacity In Local Governments: The Case of Institutional Resources in Konya Provincial Special Administration. EGPA Paper Proposal for the Permanent Study Group V: Regional and Local Government, 11-13.
- [22] Fuentes, S. F., & Borreguero, J. H. (2018). Institutional capacity in the accounting reform process in Spanish local governments: Capacidad institucional en el proceso de reforma contable de los ayuntamientos españoles. *Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review*, 21(2), 188-195. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.rcsar.2018.02.002>
- [23] Links, R., & Draai, E. (2023). Institutional Capacity for Improved Local Government Performance. *Journal of Public Administration*, 58(4), 1078-1091. DOI: <https://doi.org/10.59592/jpa.v58i4.8531>
- [24] Jundi, S., & Monyrac, D. R. (2024). The Impact of Armed Conflict on Community Social Fabric in Upper Nile State: Case Study Malakal. IPR Journals and Book Publishers.
- [25] Neira-Pineda, J. C. (2024). The Resilience of Law: A Measure to Tackle the Ineffectiveness of Law. *Dikaion*, 33(1), e3314-e3314. DOI: <https://doi.org/10.5294/dika.2024.33.1.4>
- [۲۶] طاهریان، محمد. ابراهیمی، سیدعباس. زینت‌بخش، جعفر. (۱۴۰۴). ابهام‌زدایی از ویژگی خط‌مشی‌های دفاعی: ثبات، تاب‌آوری و استحکام، مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۲۴، ۱۰۷. <https://civilica.com/doc/2309023>
- [27] Marchant, G. E., & Stevens, Y. A. (2017). Resilience: a new tool in the risk governance toolbox for emerging technologies. *UCDL Rev.*, 51, 233. DOI: <https://doi.org/10.2139/ssrn.2830307>
- [28] Stegenga, J. (2009). Robustness, discordance, and relevance. *Philosophy of Science*, 76(5), 650-661. DOI: <https://doi.org/10.1086/605819>
- [29] Chi, H., Li, J., Shao, X., & Gao, M. (2017). Timeliness evaluation of emergency resource scheduling. *European journal of operational research*, 258(3), 1022-1032. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.ejor.2016.10.002>
- [30] Aula, V. (2023). Evidence-based policymaking in the legislatures: timeliness and politics of evidence in Finland. *Policy & Politics*, 51(4), 673-694. DOI: <https://doi.org/10.1332/030557321X16824100346306>



- [۳۱] شمس، سیده هدی. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهایی برای ارتقای سازوکارهای «یادگیری خط‌مشی» در حکمرانی و قانونگذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل، ۱۹۷۰۷. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/19707>
- [32] Leicester, G. (2007). Policy Learning: Can the Government discover the treasure with in?. European Journal of Education, 42(2), 173-184. DOI: <https://doi.org/10.1111/j.1465-3435.2007.00297.x>
- [33] Moyson, S., Scholten, P. W. A., and Weible, C. M. (2017). Policy learning and policy change: Theorizing their relations from different perspectives. Policy and Society, 36, (2), 161–177. DOI: <https://doi.org/10.1080/14494035.2017.1331879>

عنوان: ارزشیابی قوانین (۸): معرفی و پیش‌درآمدی بر شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی قوانین



DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21858>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11905.html

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

ضرورت تدوین چارچوب جامع و نظام‌مند برای ارزشیابی قوانین، یا شاخص‌های چندبعدی و تطبیق‌پذیر، موجب تقویت تصمیم‌سازی مبتنی‌بر شواهد، بهبود بازنگری قوانین و ارتقای پاسخ‌دهی و کارآمدی نظام حکمرانی کشور می‌شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir